



مرکز ملی  
تحقیقات و برنامه‌ریزی  
آموزشی  
www.ncep.ir  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

# آموزش و یادگیری

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای دبیران  
دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم، فروردین ۱۳۹۰، شماره بی‌دربی ۸۹  
۴۸ صفحه، ۳۲۰۰ ریال



- ماروبله یادگیری
- فلاب نمره‌گیری
- کمندی حقارت
- ویژه‌نامه آموزش درس علوم اجتماعی
- مروری بر تجربه مشارکت استان‌ها در تألیف کتاب‌های درسی حرفه‌وفن

«عکس» از جمله رسانه‌هایی است که در انتقال مفاهیم کاربرد فراوان دارد. از جمله سناخص‌های بررسی عکس موفق، وجود اطلاعات دقیق از موضوع، حذف عناصر اضافی و مراحم در اطراف موضوع اصلی و مهم‌تر از همه، توجه به اصول زیبایی‌شناسانه در عکس (رنگ، نور، ترکیب‌بندی و...) برای تأثیر بیشتر و جذب مخاطب است. علاوه بر این‌ها، فضایی که عکس در صفحه‌آرایی به خود اختصاص می‌دهد نیز مهم است. اندازه‌ای که عکس در صفحه دارد، اگر بیش از حد انتقال کوچک باشد، حتی تأثیر آموزشی عکس خیلی خوب را از بین می‌برد.

در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، عکس‌های بسیار زیادی استفاده شده‌اند که با توجه به سناخص‌های نام‌شده می‌توان آن‌ها را تحلیل کرد.

### شما به مجموعه عکس‌های این کتاب‌ها چه نمره‌ای می‌دهید؟

به نظر شما عکس صفحه ۲۷ کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی، بگ خانواده موفق را نشان می‌دهد؟ به نظر می‌رسد این افراد نسبت به هم غریبه هستند! مثلاً می‌توان گفت نسبت به هم نامحرم‌اند چرا که در فضای خانه، بوسه و حجابشان کاملاً رسمی است. خدا کفر می‌توان گفت چند نفرند که در حال گفت‌وگو هستند، به بگ خانواده، نظر شما چیست؟

چند عکس از کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی را انتخاب و تحلیل کنید و نتایج آن را برای درج در مجله بفرستید. دست به کار شوید.



#### بحث و گفت‌وگو کنید

می‌خواهید که با آسان‌ها استعدادها، توانایی‌ها، اندیشه‌ها و تجربه‌های گوناگونی داشته‌ها یک از مادر همه‌ی سواران از دیگران بزرگتر سیم، بلکه هم دیگران به توانایی‌ها، تجربه‌ها و اندیشه‌های ما ساز دارند و هم ما برای حل کردن بسیاری از مسائل و مشکلات خود می‌توانیم از آندسته و تجربه‌ی دیگران استفاده کنیم با توجه به این مطلب به سوال‌های زیر پاسخ دهید

مشورت یعنی چه؟

مشورت، فائده‌های زیادی دارد. انتخاب بهتر است نظر دوری از خود را می‌تواند محبت و عذافه از حمله‌ی آن است. اما می‌توانید به فائده‌های دیگر آن اشاره کنید.

تا هر یک از افراد زیر در چه مواردی می‌توانید مشورت کنید

انصاف خانواده (بزرگ، مادر، برادر و خواهر)، معلم، مری، بررسی، دوست و امام جماعت مسجد.

سه سواران با یکدیگر چه تجربه‌ی جدیدی دارند؟ مشورت با می‌تواند تجربه‌ی جدیدی را به شما بیاموزد. مشورت با دیگران می‌تواند به شما کمک کند تا بتوانید مشکلات خود را حل کنید. مشورت با دیگران می‌تواند به شما کمک کند تا بتوانید مشکلات خود را حل کنید. مشورت با دیگران می‌تواند به شما کمک کند تا بتوانید مشکلات خود را حل کنید.



خانواده‌ی مشورت با انصاف خانواده مسائل خود را بهتر حل می‌کنند.



تصویر یک خانواده در حال گفت‌وگو و مشورت، موضوع اصلی در عکس محوریت دارد. عناصر و جزئیات اضافه در عکس وجود ندارد.



# روشدهن

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
برای دبیران، دانشجوین و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم - فروردین ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۸۹

یادداشت سردبیر

تغییر از کجا؟ و چگونه / محمدرضا حشمتی / ۲

مدرسه زندگی

بیا بید با هم بیاموزیم / سعیده اکبری نظری / ۳

معلمان مثبت / دکتر فرید براتی سله / ۴

حیات مایه حیات در مدرسه / ثمانه ایروانی / ۶

ماروبله یادگیری / ایللی محمدحسین / ۸

کمدی حقارت / دکتر یدالله سعیدنیا / ۹

از کجا شروع کنیم / دکتر محمدعلی شامانی / ۱۶

قلاب نمره گیری / معصومه خیرآبادی / ۱۷

بخوریم یا نوش جان کنیم / دکتر احمد مختاریان / ۲۸

سرعت یا عجله / مهدی مروجی / ۳۳

خاطره

کیوان به خط / حسین افصح / ۱۲

تجربه ها

موزه ها می توانند کلاس درس باشند / محمد دشتی / ۱۴

کربلایی ها به صف / نفیسه نبات / ۲۰

جشنواره استانی / عبدالحمید خزاعی / ۲۸

دنیای ارتباطات

وبلاگ گروهی / سیده شهیدی / ۱۸

داستان

ناظم بی نظم / کتابون رحیمی راد / ۱۹

تاریخ ماندگار

تربیت معلم / قاطمه محمودیان / ۲۲

طنز

تربیت بدنی: ۲۰ / مهدی رضاییان / ۲۴

بی سواتی هم در دبه / احمد عربلو / ۲۶

گفت و گو

یک دانه نور، یک خرمن آفتاب / قاطمه رضایی / ۳۰

ویژه نامه

تغییر برای زندگی بهتر / محمد مهدی ناصری / ۳۴

حرفه وفن شیرازی / محمدرضا حشمتی / ۳۸

انجمن علمی معلمان حرفه وفن استان فارس / ۴۱

حرفه وفن مازندرانی / ۴۲

حرفه او خلاقیت است / ۴۴

کتاب های کمک آموزشی علوم اجتماعی و حرفه وفن / طیبه النبوسی / ۴۶

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سردبیر: محمدرضا حشمتی  
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی میاب  
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان  
فرخناز جدادی و لیلی محمدحسین  
مدیر اداری: قاطمه محمودیان  
ویراستار: کبری محمودی  
طراح گرافیک: مهدی کریم خانی  
تاسی دفتر: محله بهار، آذرشهر شمالی، پلاک ۳۴۴  
سند پستی: ۱۶۵۹۵۱۹۹  
تلفن: ۸۳۹۰۲۳۳  
عنوان: ۸۳۳-۱۲۷۸  
وبسایت: www.roshdmag.ir  
پایگاه: www.roshdmag.ir  
رسانه: roshdmag.ir / roshdmag.ir  
تلفن: ۸۳۳-۱۲۸۱  
یک مدیر مسئول: ۱۰۲ - یک سردبیر: ۱۱۵ - یک مترجم: ۱۱۴  
شماره مور: مشترکین بهار، استوق پستی: ۱۶۵۹۵۱۹۹  
شماره مور: مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۳۳۶۶۵۵  
شماره گان: ۱۷۰۰۰ - صفحه  
جایگاه: گان افسد اسپهان (مرا)

عکس روی جلد: رضا گلچین کوهی - تهران  
(انتشمن جشنواره عکس رند)

### فایل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

- مقاله‌هایی که برای جرج در مجله می فرستید باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید این موضوع را قید فرمایید.
- مقاله یک خط در میان از یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته با تایلر شود.
- مقاله‌ها می‌تواند با نرم افزار word و روی سرزادی یا فلاپی و یا از طریق رایانه‌ای مجله ارسال شوند.
- متن مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژگانی خاص و فن وقت لازم ملاحظه شود.
- محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن خلاصه و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی معانی نامیه (کلیشه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای آنتر اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
- معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک نسخه عکس، عنوان و آدرس وای پست شود.
- مجله در رد قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده ملاحظه است.
- مقالات ترجمانی باز گرفته نمی‌شود.
- ازای مترجم در مقاله ضرورتاً آدرس پستی و تلفن مسئولان مجله نیست.

# تغییر از کجا؟ و چگونه؟

بهار که فرا می‌رسد، دل و جان تازه می‌شود. اگر غمی هست، به فراموشی سپرده می‌شود و اگر نادی وجود دارد، فروسی می‌گیرد. بهار که می‌رسد، صورت تغییر را در عبادتی حس‌ناگیز، به بازیگری جوانه‌های «معنا شکاف» عرضه می‌کند. همه چیز در دایره کمال معنی می‌شود. فصل این می‌رسد که تو خواه ناخواه رویه‌روی ایستاده‌ای و به خود یادآوری کنی که: «خشم‌ها را باید بست!» در بهار، در کلاس طبیعت شکفتن را به زیبایی و نیکی فراموشی نگیریم.

ضرورت تغییر را از بهار ماورایم، درس بهار برای ما این است که تعلیم و تربیت چشم‌اندازی وسیع دارد که می‌تواند «مس وجود» را «حقیقت زر» کند.

تغییر و تحول در آموزش و پرورش ضرورتی است غیرقابل انکار! اما این تغییر و تحول ساخت مجددی آموزش و پرورش از آنجایی که سامان خواهد رساند؟ بگذریم. مثالی بر ما می‌گویند. خانه را با ما می‌سازد پس معمار چه کاره است؟ یا کوره‌پز که خست‌خام را می‌برد؟ یا آن کس که اجر و مصالح بری تو می‌آورد؟ تو خانه‌ات را می‌خواهی و به دنبال بهترین مصالح می‌گردی و بهترین نقشه، ولی نا هیچ‌کدام صاحب‌خانه نمی‌شوی. عکس آن که دلت را و نقشه‌ات را و مصالحات را به دست‌های پسته‌سای کهنه‌کار بسیاری از دل دست‌های خسته او می‌توانی از بی‌خانمانی به سمت خانه‌دار شدن سفر کنی. به نظر می‌رسد، تحول و تغییر در آموزش و پرورش باید توسط من و شما - با‌های تعلیم و تربیت - محقق شود. اما حواسمان باشد که تربیت پس از هر حادثه دیگری، ابتدا باید در وجود من و تو «ساخت» ایجاد کند. تربیت، ساختمانی از اندیشه و باور و عمل در تو به وجود می‌آورد و رویکرد معنی در تو می‌آفریند. تربیت بلندمای ساخت آفرین است. از این رو، باید برای ساخت آفرینی آماده کرد. هم در ذهن خود، هم در وجود دانش‌آموزان خود و هم در شکیلاط سادی آموزش و پرورش.

پس همه با هم در شروع بهار از مری بهار بخواهیم ما را بهاری کند تا بتوانیم در «ساخت» ما آن‌کس نشاط و شادایی و محبت را اضافه کنیم.

# سایه با هم با آموزش

سعیده اکبری نظری

گروه باید هم قادر به گذشت و پوشاندن عیب او باشند و هم قادر به تذکر دادن.

- اطاعت از رهبر و سرگروه، یکی دیگر از توانایی‌هایی است که بچه‌ها در گروه یاد می‌گیرند. آن‌ها باید بدانند در برخی جنبه‌ها ممکن است افرادی دارای توانایی‌هایی بیشتر از خودشان باشند و برای پیشبرد اهداف گروه، موظف به اطاعت از رهبر گروه هستند.

- توانایی دیگری که در کار گروهی باید تجربه کرده‌اند آن است که گهگاهی در موقعیت‌های مناسب بدون این که نظم محیط و پیشرفت کار مختل شود، اعضا باید بتوانند یکنواختی کار را به هم بزنند و فضای شاد و بشاشی را برای خود و هم گروهی‌ها ایجاد کنند. توانایی لذت بردن از کار گروهی، در عین پیشبرد اهداف، هنری است که بسیاری از افراد فاقد آن هستند.

علاوه بر این موارد می‌توان به تمرین مهارت خوب گوش کردن، حل مسئله، ابراز وجود و بسیاری مهارت‌ها و توانایی‌های فردی و اجتماعی دیگر نیز اشاره کرد.

به نظر می‌رسد در تمام کلاس‌های درسی، امکان تمرین این مهارت وجود دارد. باید از بچه‌ها بخواهیم گروه‌های درسی یا تحقیقاتی تشکیل دهند و بخشی از ساعت کلاس‌مان را به انجام کار گروهی اختصاص دهیم و علاوه بر رفع اشکالات علمی گروه‌ها، به نحوه اجرای کار گروهی توسط هر دانش‌آموز دقت کنیم. به این ترتیب، ضمن شناخت ویژگی‌های فردی هر یک از بچه‌ها، امکان اصلاح مشکلات رفتاری آن‌ها در حین کار گروهی نیز فراهم می‌شود. بنابراین ضمن ایجاد کلاسی شاد و بویا، به وظیفه واقعی معلم که همان تربیت نسلی توانمند در تمامی جنبه‌های زندگی است، عمل کرده‌ایم.

در انتها پیشنهاد می‌کنم، برای تمرین بهتر این مهارت در کلاس، به مقاله‌های کار گروهی و همیاری، در شماره‌های بی‌دری ۸۵ و ۸۶ همین مجله مراجعه کنید تا با انواع یادگیری از طریق کار گروهی آشنا شوید.

همه ما از لحظه تولد مجبور به تعامل با دیگران هستیم و این تعامل، یعنی از دیگران خنمانی را دریافت کنیم و در مقابل آن، خدمانی به آن‌ها ارائه دهیم. در بسیاری موارد نیز اتفاق می‌افتد که کاری به دست یک نفر انجام نمی‌شود و چندین نفر باید با هماهنگی یکدیگر آن را انجام دهند. امکان انجام بعضی از کارهای بزرگ هم با هماهنگی هزاران نفر به وجود می‌آید. در این نوع کارها، علاوه بر این که باید به لحاظ تخصصی قادر به انجام کارهای محوله باشیم، داشتن مهارت کار گروهی نیز بسیار اهمیت دارد.

بسیاری از ما به کسانی برخوردیم که توان تخصصی بالایی داشته‌اند، اما به دلیل نداشتن مهارت کار گروهی، باعث پایین آمدن کارآمدی جمع شده‌اند. پس تربیت فرزندی با توانایی‌های علمی بالا، اما ناتوان در انجام کارهای جمعی، باز هم شکست و عدم موفقیت او را در آینده به دنبال دارد.

شاید هدف بسیاری از ما معلم‌ها، از تشکیل گروه‌های درسی در کلاس، رشد علمی کلاس از طریق استفاده از دانش‌آموزان برتر برای کمک دادن و هدایت دانش‌آموزان ضعیف‌تر در درس باشد، یا انجام کاری تحقیقاتی از طریق تقسیم کار. اما کار گروهی، مقوله‌ای فراتر است و می‌توان آن را موقعیتی مناسب برای تمرین اکثر مهارت‌هایی که در این چند شماره به آن پرداختیم، به حساب آورد.

در این جا به برخی از این مهارت‌ها که در ذیل کار گروهی می‌توان به آن‌ها دست یافته، اشاراتی می‌کنیم:

- بچه‌ها در گروه تعامل و ارتباط مؤثر با همدیگر را به خوبی یاد می‌گیرند، به خصوص اگر گروه‌بندی توسط معلم صورت گیرد و بچه‌ها مجبور باشند با کسانی غیر از دوستان صمیمی خود و دارای روحیات متفاوت کار کنند. بدین ترتیب، صبر و مدارا در برخورد با نظرات و ویژگی‌های مخالف را می‌آموزند. به علاوه یاد می‌گیرند از برخی علاقه‌های شخصی، به خاطر گروه بگذرند. کندی افراد ضعیف‌تر را تحمل کنند و به جای سرزنش، آن‌ها را به پیشرفت تشویق کنند تا سریع‌تر به اهداف گروه برسند.

- در گروه هر کس باید از یک سو وظایف خود را به طور کامل انجام دهد و از سوی دیگر با از دایره اختیارش فراتر نگذارد. حال اگر کسی به این نکته توجه نکند و ناگاهانه از حدودش فراتر رفت، یا گهگاهی در انجام وظایف خود کاهلی کرد، سایر افراد

تربیت فرزندی با توانایی‌های علمی بالا اما ناتوان در انجام کارهای جمعی، باز هم شکست و عدم موفقیت او را در آینده به دنبال دارد.

# معلمان مثبت

کلیدواژه‌ها: مدرسه مثبت، خودتعیین‌گری، توان‌سناسی

منتظر

معلمان به سبب ارتباط وسیعی که با دانش‌آموزان دارند، بیش از سایر عوامل می‌توانند نقشی مؤثر در ایجاد مدرسه مثبت داشته باشند. آشنایی با نگرش معلمان و دانش‌آموزان می‌تواند برای ما راهنمایی باشد تا از نقاط قوت و ضعف رفتارهای خود در کلاس‌های درس و مدرسه بیشتر آگاه شویم.

در چند شماره گذشته مجله راه‌نمایی تخصصی، به دیدگاه‌های دانش‌آموزان دربارهٔ مدرسه مثبت اشاره کردیم. از آن‌جا که در نظام‌های آموزشی، یک رکن مهم معلمان هستند و به دلیل آن‌که آنان بی‌نگه‌ی ما به تعبیر فرید براتی نگاه‌های ویژه‌ای به مدرسه مثبت دارند، ضرورت دارد تا از نظر معلمان هم به این موضوع بپردازیم. در آغاز ذکر این نکته لازم است که به دلیل تفاوت نگاه‌ها و نظرات معلمان و اختلاف سبک و شیوه آن‌ها در عرضه آموزش، پس از یک نظر واحد دربارهٔ مدرسه مثبت از دید معلمان، اگر کاری با معلمان نداشته‌ایم سخت و دشوار خواهد بود. همچنین باید توجه داشت، هر چند تلاش شده است تا نقطه نظرات معلمان مطرح در این کار، مصدق یا بازتابی بر سر بنا آموزشی کشور ما هم باشد، و خود این، بی‌شک به دغدغه‌ای که ما معلمان دبیران آموزش، مسئولان و اولیای مربوطه، بارها در بررسی جامع و پژوهش و تحلیلهای کافی از تحقیقات موجود است.

به هر روی، انجمن روان‌شناسی آمریکا (۱۹۶۸ و ۱۹۸۸) بر اساس مطالعات تحقیقاتی جون امر و جیمز آل و (۱۹۹۴) و **واینشتاین و مینانو** (۱۹۹۳)، جوانانها و دیدگاه‌های معلمان را دربارهٔ مدرسه مثبت به این ترتیب عرضه کرده است:

- محیطی امن از نظر فیزیکی و اجتماعی  
- وجود همکاری بین دانش‌آموزان یا تکنیک‌های بین معلمان و دانش‌آموزان

بوجود احترام متقابل بین معلمان و دانش‌آموزان  
- دارای محیط کلاسی آموزشی محرک از نظر فیزیکی  
- اقبال استفاده از بوسه‌های جذاب آموزشی یا مطالبی که خود دانش‌آموزان تهیه و در کلاس به شکل‌های رسد و جذابیت نصب کرده‌اند

- برقراری روابط دوستانه معلمان با دانش‌آموزان بیشتر از ساعات غیر حضور در کلاس

- وجود رویکردهای مبتدعه و مسووع در آموزش اصلاً یادگیری  
- جستجو محور یا کابوسی و کشفی، استفاده از تکنولوژی‌های نو و تکنولوژی‌های آموزشی و سایر وسایل استفاده از آن‌ها  
- مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس و در آموزش

- تعریف و مشخص ساختن برآیندهای استفاده‌ای گریز از  
- منابع و بازدهی روش‌های آموزشی برای حل دانش‌آموزان به کسب آن‌ها

- ساختار بندی و سازمان‌دهی روش‌ها و مشخص کلاس  
- وجود قوانین، ضوابط و روش‌های آموزشی و طرح و روش  
- همکاری مؤثر والدین با مدرسه، معلم و اولیای مدرسه  
- وجود والدین خاصی احاطی و حمایت‌کننده کلاس‌های دانش‌آموزان و معلمان

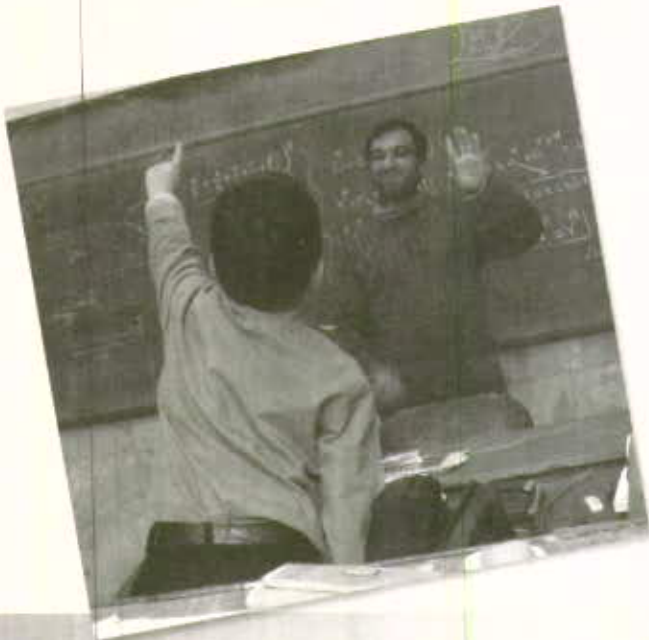
- حمایت مدیران و مسئولان از معلمان  
- دشمنی ساده و راحت، نبود مطالب دشمنی و

غناوری‌های نو  
- احساس کنش بر سر روش‌های یاددهی آموزشی و بیابح حاصله

- احساس بی‌تفاوتی معلمان و آموزشی متوجه

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، معلمان در کلاس‌های مثبت از نظر معلمان، ترکیبی است از عوامل آموزشی، عوامل مرتبط با کنترل و نحوه اداره کلاس، عوامل عاطفی- اجتماعی و عوامل مرتبط با روش معلمان و کلاس‌های فرآیند تغییر، در حقیقت چیزی به نظر می‌رسد که تعمیم، مترسک‌های مثبت می‌داند که در آن، خودراهی یا خودتعیین‌گری، به همان مفهوم می‌داند که در نظریه معروف خودتعیین‌گری [آ. د. بل و داسی،

فرید براتی



۲۰۰۲] امده است. توضیح آن که در این نظریه گفته می‌شود آدمی سه نیاز اصلی روان شناختی دارد و در صورتی که این نیازها به شکلی متناسب برآورده و تأمین شوند، فرد احساس بهیاشی خواهد کرد. این سه نیاز عبارت‌اند از: (الف) نیاز به عرضه کفایت‌ها، شایستگی‌ها و توانمندی‌ها؛ (ب) نیاز به ارتباط و داشتن روابط یا دیگران (پیوندجویی اجتماعی)؛ (ج) نیاز به خودمختاری.

### مقایسه دیدگاه‌های دانش آموزان و معلمان

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دانش آموزان و معلمان، مبین چند نقطه مشترک مهم بین آن‌هاست. نخستین فصل مشترک وجود قواعد و ضوابط، شیوه‌ها و ساختارهای کاملاً روشن است. هم دانش آموزان و هم معلمان، به این نکته اشاره داشته‌اند. دانش آموزان هم مثل معلمان خواهان وجود انضباط در کلاس‌اند. آنان هم احساس امنیت می‌خواهند. با این حال باید توجه داشت که مطلوب‌ترین محیط آموزشی برای دانش آموزان، محیطی باشد که در عین دانش ساختار مشخص، چندان کنترل‌کننده نباشد. ساختار در این‌جا به معنای مشخص کردن یا تنظیم و اعلام اهداف مشخص آموزشی، مبادله انتظارات معقول با دانش آموزان، راهنمایی کردن آنان و بازخورد دادن به آن‌هاست که با خود، ارضای نیازها، اهداف، اولویت‌مندی اقدامات و... راه همراه دارد. منظور از کنترل نکردن آن است که ساختار، تنظیمی به‌گونه‌ای به کار بسته شود که به دیدگاه‌های دانش آموزان، نیازها، ترجیحات و علاقه‌های آن‌ها احترام گذاشته شود.

فصل مشترک دوم بین دیدگاه‌های دو طرفه اعتقاد به مشارکت دانش آموزان در کلاس است. معلمان خواهان مشارکت دانش آموزان در فرایندهای آموزشی کلاس‌اند و دانش آموزان هم ترجیح می‌دهند که فعالانه در کلاس شرکت داشته باشند. با این حال به نظر می‌رسد، در تعریف شرایط مورد نیاز برای مشارکت دانش آموزان، بین دیدگاه‌های دانش آموزان و معلمان، تفاوت‌ها و شباهتهایی وجود دارد. هر دو گروه خواهان تنوع در یادگیری هستند، هر دو گروه رابطه مثبت بین معلم و دانش آموز را دوست دارند و آن را عامل مهمی در محیط کلاس و یادگیری می‌دانند. هر دو گروه بر احترام متقابل معلم و دانش آموز تأکید دارند. دانش آموزان هم چنین تمایل دارند به هویت غیرتحصیلی آنان هم احترام گذاشته شود.

دو تفاوت عمده هم بین دیدگاه‌های دانش آموزان و معلمان به چشم می‌خورد. عوامل مهم از نظر دانش آموزان، عمدتاً عواملی فردی و عاطفی هستند. در صورتی که در مورد معلمان چنین نیست و آن‌ها بیشتر عوامل غیر فردی را مورد نظر دارند. تفاوت دیگر این است که چون هر دو گروه خواهان کنترل و در اختیار گرفتن مسیر و جهت یادگیری و آموزش کلاسی هستند گاهی در این مورد بین آن‌ها تعارض‌هایی ایجاد می‌شود.



### پی‌نوشت

1. American Psychological Association (APA)
2. Emmer et al
3. Weinstein & Mignano
4. Self-determination Theory
5. Ryan & Deci

### منابع

1. American Psychological Association (1998). *Creating Responsible Learners: The Role of a Positive Classroom Environment*. Washington DC: APA press.
2. Emmer, E. T., Everson, C., Clements, B., & Worsham, M. (1994). *Classroom Management for Secondary Teachers* (3rd ed.). Boston: Allyn & Bacon.
3. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2002). An Overview of Self-determination Theory. In E.L. Deci & R.M. Ryan (Eds.), *Handbook of Self-determination Research* (pp 3- 33).
4. Seligman, M. E. P. (2002). *Authentic Happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting full fulfillment*. New York: Free press.
5. Seligman, M. E. P., Ernst, R. M., Gillham, J., Reivich, K., & Linkins, M. (2009). *positive education, positive psychology and classroom interventions*. *Oxford Review of Education*, Vol. 35, pp 293- 311.
6. Weinstein, C. S., & Mignano, A. (1993). *Elementary Classroom management: Lessons from research and practice*. New York: McGraw-Hill.

معلمان، مدرسه‌ای را مثبت می‌دانند که در آن، خودراهربر یا خودتعیین‌گر باشند.

دانش آموزان تمایل دارند به هویت غیرتحصیلی آنان هم احترام گذاشته شود.

# حیات در مدارس حیات با حیات



بودند شروع کردم. مثلاً به مدرسه «صدر» در اصفهان و یا مدرسه «چهارباغ» برخوردیم. نکته جالب این بود که در این مدارس دویست سیصد سال پیش، حیاط‌های بسیار سرسبز و حوض‌های بزرگی وجود داشت که دائماً صدای آب آن‌ها در کل فضا می‌پیچید. آن‌ها را با مدارس خودمان مقایسه کردم و دیدم هیچ شباهتی بین حیاط مدرسه‌های قدیمی ما در ایران با حیاط مدرسه‌های فعلی وجود ندارد. در آن‌جا سایه‌های درختان، محیط مطبوعی را برای شاگردان و معلمان پدید می‌آورد، در حالی که ما هم‌اکنون در حیاط مدارسمان، باید به سایه دیوار اکتفا کنیم.

مورد بسیار جالب دیگر، مدرسه آقازرگ کاشان بود. متوجه شدم ارتباط زیادی بین ساختمان مدرسه و حیاط وجود دارد؛ ساختمان بر از تراس‌های مسقف و بزرگی است که مشرف به حیاط بودند و شاگردان می‌توانستند از هوای آزاد حیاط استفاده کنند؛ در عین این‌که آن فضا سقف نیز داشته باشد.

تعجب می‌کردم که ما چه مدارس زیبایی داشته‌ایم، اما از آن‌ها در مدارس امروز استفاده نکرده‌ایم. شاید هم خیال می‌کنیم که این تیب مدارس، به مدارس مذهبی و یا حوزه مربوط است و یا این مدل طراحی‌ها دیگر مورد استفاده ما نیست. سعی کردم تصویرهای این مدارس را از اینترنت پرینت بگیرم و از اعضای جلسه بپرسم که چرا حیاط مدارس قدیم ما تا این اندازه با نشاط بوده است، ولی اکثر حیاط‌های مدارس کنونی اصلاً شادابی ندارد؛ یک حیاط صاف خط‌کشی شده است با دیوارهای هم شکل و آسفالتی که من همیشه از آن می‌رنجم. نکته دیگری که از این

## آن چه گذشت

مدرسه آقازرگ کاشان

گروه طراحی کوچکی را در مدرسه راه‌اندازی کردیم و مواردی را که دوست داشتیم و هم‌چنین مواردی را که فکر می‌کردیم در حیاط مدرسه اشکال دارد، به آقای معمار رایانامه زدیم. بعد از آن نیز قرار شد در جلسه طراحی معماری مدرسه، من به عنوان نماینده بچه‌ها شرکت کنم و... شروع جلسه دوازده روز دیگر بود. من در اینترنت جست‌وجویی کردم تا راجع به حیاط مدارس ایرانی و مدارس خارجی، مطالبی را به دست بیاورم. کارم را با پایگاه‌هایی که راجع به مدارس ایرانی مطالبی نوشته و یا عکس‌هایی گذاشته



در مدارس دوپست  
سیصد سال پیش  
حیاط‌های بسیار  
سرسبز و حوض‌های  
بزرگی وجود داشت که  
دائماً صدای آب آن‌ها  
در کل فضا می‌پیچید

عکس یکی از ایوان‌های این مدارس را نیز پرینت گرفتیم تا آن را هم به آقای معمار نشان دهم و بگویم چرا بچه‌های ما از حیاط با کیفیت سرسبز و سایه‌بان‌دار یا صدای آب، لذت می‌برند؟ آیا این مربوط به خصوصیت انسان است که باید در محیطی که قرار می‌گیرد با طبیعت مانوس باشد؟ واقعاً چرا؟ اگر نیاز انسان به فضای طبیعی و نشاط در حیاط مدرسه نیازی طبیعی باشد چرا معماران مدارس به این نکات توجهی ندارند و چرا معلمان و دست‌اندرکاران حوزه طراحی،

عکس‌ها توجه من را به خود جلب کرد، دیوارهای سوراخ سوراخ زیبا با طرح‌های متنوعی بود که اول نمی‌دانستم کاربرد آن‌ها چیست؟ اما بعد از کمی جست‌وجو متوجه شدم که این‌ها تهویه طبیعی ساختمان هستند و هوا را به صورت بسیار طبیعی وارد ساختمان و یا از آن خارج می‌کنند. بعد از آن متوجه شدم، با به جریان انداختن میحث انرژی و جریان یارانه‌ها، هزینه برق ساختمان‌ها در مدارس بسیار بالا خواهد رفت و مدیران مدارس و دست‌اندرکاران حوزه طراحی، باید به فکر راه‌های بهتر برای تهویه طبیعی ساختمان باشند و یا از وسایل تهویه مکانیکی برای گزینه دوم و در صورت لزوم استفاده کنند. این مطلب را نیز در دفترچهم یادداشت کردم.

باز در عکس‌ها، مدرسه خان شیراز و ایوان اصلی آن را دیدم که محل تحصیل و تدریس ملاصدرای شیرازی بوده است. ایوان مسقف رو به حیاط و سقف سرپوشیده بزرگی داشت. فضای کلاس امسال و پارسال خودمان را مرور کردم. ما از برگزاری جلسه درس در حیاط، به جای کلاس‌مان که در انتهای راهرو بود، بسیار راضی‌تر بودیم. وقتی کلاس درس تاریخ و یا علوم و یا حتی دروس دیگر در حیاط برگزار می‌شد، بچه‌ها شادمانی بیشتری داشتند. ما در حیاط احساس آزادی بیشتری از جهت هوای تمیز داشتیم. کلاس ما بعد از اتمام هر جلسه درس، بوی بدی می‌دهد. احساس می‌کنم همیشه احساس خفگی به انسان دست می‌دهد. وقتی به حیاط می‌رفتیم، می‌توانستیم راحت‌تر صحبت کنیم. صداهای دیگری نیز در حیاط بود، اما مزاحم درس ما نمی‌شد. بچه‌ها شادتر و شوخ‌طبع‌تر می‌شدند. اما من نمی‌دانم چرا؟ تنها یک مشکل بود و آن آفتاب شدید حیاط بود که وقتی کلاس ما بیشتر از یک ساعت و یا چهارپنج دقیقه طول می‌کشید، احساس داغی در بدن و یا خستگی می‌کردیم و مجبور می‌شدیم دوباره به کلاس‌مان در ساختمان برگردیم. وقتی این ایوان‌ها و بالکن‌های مسقف بسیار زیبا را در حیاط مدارس قدیمی دیدم، به ذهن رسید که کاش مدرسه ما نیز چنین ایوان‌هایی داشت تا بتوانیم بخشی از کلاس‌ها را در هوای آزاد برگزار کنیم. به همین خاطر،



مدرسه صدر اصفهان

این نیازها را از معماران نمی‌خواهند؟ آیا آن‌ها نیز به این موضوع واقف نیستند که محیط مدرسه روی ما دانش‌آموزان تأثیر دارد؟ چه قدر خوش‌حالم که این آقای معمار اصرار داشت مدیران و معلم‌های راهنمای ما در مدرسه حتماً در جلسه شرکت کنند تا بتوانند به راه‌حل‌های مناسبی برای مدارس ما بچه‌ها برسند.

مطلب آخر از این مجموعه را در شماره بعد بخوانید و با ما در تماس باشید. بی‌صبرانه منتظر نظرات شما در مورد مطالب معماری هستیم.

## آموزش و پرورش در جهان

و عموماً برای افراد ۳ تا ۱۸ سال فراهم کند در این برنامه تدریس، سنجش، لایتنک باندھی و یادگیری استندفرایندی که تصویری از پیشرفت دانش آموزان و تعیین مراحل بعدی یادگیری ارائه می‌دهد. ارزیابی باید از اهداف یادگیری حمایت و اصول برنامه تدریس برای تعالی را معکوس کند. معلمان روزانه به‌طور مستمر دانش آموزان را ارزیابی می‌کنند. مثلاً زمانی که دانش آموزان در کلاس تکلیف انجام می‌دهند، چیزی می‌نویسند یا می‌سازند، معلمان می‌کنند، به آن‌ها گوش می‌دهند، به چیزی که نوشته‌اند یا ساخته‌اند نگاه می‌کنند و به سؤالاتشان پاسخ می‌دهند، آن‌ها دانش آموزان را خوب شناسایی می‌کنند و پوشه‌ای از مراحل پیشرفتشان تشکیل می‌دهند.

مطابق با اهداف این برنامه، ارزش‌یابی مستمر عموماً به این معناست که تعیین کنیم دانش آموزان در یادگیری شان کجا قرار دارند، کجا دارند می‌روند و چگونه می‌توانند به بهتر از این برسند. به مقصد برسند مهم این است که معلمان از شواهدی برای نشان دادن میزان یادگیری استفاده کنند تا بازخورد معینی به دانش آموزان بدهند. رویکردهای یاددهی یادگیری را برای رفع نیازهای دانش آموزان تغییر دهند و حوزه‌هایی را که هنوز یادگیری در آن‌ها وضعیت قابل اطمینانی ندارد، مرور کنند.

دانش آموزان و کسان دیگری که درگیر یادگیری آنان قرار گرفته‌اند، به بازخورد باموقع و دقیق درباره آن‌ها یاد گرفته‌اند و این که چه میزان و چه حد خوب آن‌ها یاد گرفته‌اند نیاز دارند بازخورد باموقع تعیین می‌کنند. در مرحله بعدی لازم است چه کاری انجام شود و چه کسی به فرد کمک کند تا دانش، درک و مهارت خود را بسازد.

ارزش‌یابی برای یادگیری، دانش آموزان را تشویق می‌کند که مستقل تر شوند و چگونه یادگرفتن را یاد بگیرند. دانش آموزانی که در ارزیابی خودشان و هم‌کلاسی‌هایشان فعال هستند، مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یادگیرندگان منعطف و خودانگیزه را کسب می‌کنند. معلمان تعیین هدف می‌کنند، معیارهای موفقیت را با هم در میان می‌گذارند و از راه گفتگو و خودارزیابی، میزان یادگیری‌شان را می‌سنجند. در این فرایند دانش آموزان از: «آن‌ها چه یاد می‌گیرند، چه‌طور یاد می‌گیرند و چه چیزی به یادگیری‌شان کمک می‌کند» آگاه می‌شوند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد ارزش‌یابی برای یادگیری، نه تنها به تقویت یادگیری دانش آموزان کمک می‌کند بلکه این نگرش را در آنان تقویت می‌کند که «هر دانش آموزی می‌تواند پیشرفت کند».

پینوشته

1. Wikipedia.  
2. [http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Educational\\_assessment&action=edit&section=1](http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Educational_assessment&action=edit&section=1)  
3. <http://www.fscotland.org.uk/learningteachingandassessment/assessment-progress-and-achievement/index.asp>  
4. <http://www.fscotland.org.uk/learningteachingandassessment/assessment-progress-and-achievement/how-we-assess/learningteachingandassessment-autonomous-learners.asp>

# مار و پد یادگیری

کلیدواژه‌ها: یادگیری، ارزش‌یابی، آموزش.

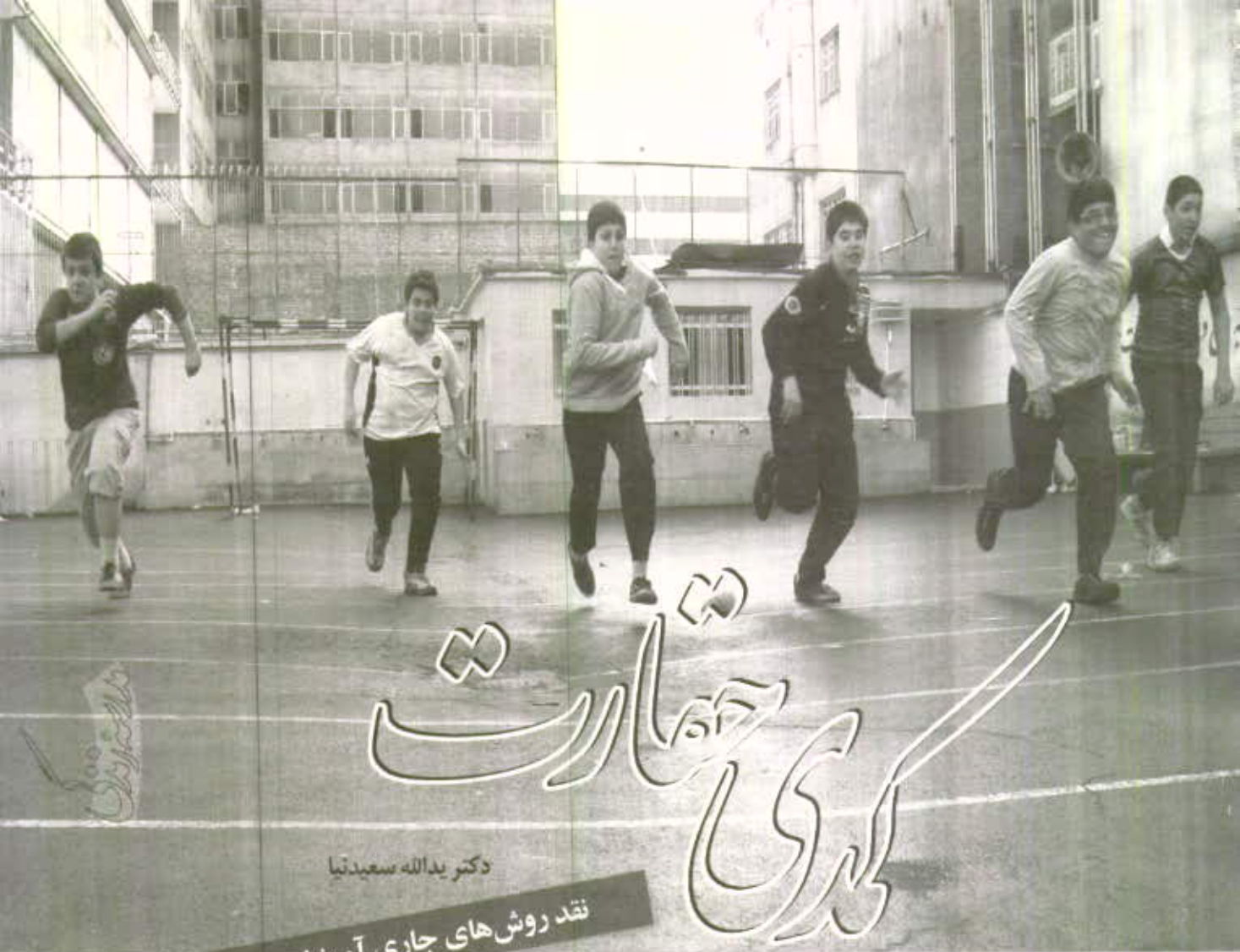
**تفاوت نظام ارزش‌یابی، تعیین‌کننده تفاوت‌های نظام‌های آموزشی با یکدیگر است. به راستی از ارزش‌یابی در دوره راهنمایی چه اهدافی را دنبال می‌کنیم؟ آیا معلمان، دانش‌آموزان و اولیا از این اهداف آگاه هستند؟ هدف تعیین این موضوع است که آیا دانش‌آموزان می‌توانند به‌سال بالاتر بروند یا هدف تقویت یادگیری آنان است؟ یا هر دو؟ در نوشته زیر شاهد خواهیم بود که چگونه ارزش‌یابی نقش بسزایی در کاهش تنش و اضطراب دارد و چگونه می‌توانیم زمینه‌ساز خودارزش‌یابی باشیم.**

در دانش‌نامه‌ایتری «ویکی‌پدیا» ارزش‌یابی آموزشی این‌گونه تعریف شده است: فرایند مستندسازی دانش، مهارت، نگرش و باور، معمولاً با اصطلاحات قابل‌اندازه‌گیری، ارزش‌یابی عموماً برای همه فعالیت‌هایی به کار می‌رود که معلمان برای کمک به یادگیری دانش‌آموزان و سنجیدن پیشرفت آنان استفاده می‌کنند. ارزش‌یابی برای یادگیری فرایندی است که تعیین می‌کند یادگیرندگان در چه مرحله‌ای از یادگیری‌شان قرار دارند، کجا باید بروند و تا چه اندازه باید تسلط بیابند. ارزش‌یابی برای یادگیری را معیار زیادی از نظام‌های آموزشی در سطح بین‌المللی ترویج می‌کنند.

در اسکاتلند هرکسی با عنوان «برنامه تدریس برای تعالی» شکل گرفته و هدفش آن است که نوعی برنامه تدریس منسجم، منعطف

**دانش‌آموزانی که در ارزیابی خودشان و هم‌کلاسی‌هایشان فعال هستند، مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یادگیرندگان منعطف و خودانگیزه را کسب می‌کنند**





# رقابت

دکتر یدالله سعیدنیا

نقد روش‌های جاری آموزشی در مدارس

کلیدواژه‌ها: رقابت، انگیزه، نیاز.

مدارس امتیاز می‌یابند. رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت بچه‌ها تبدیل شده است. والدین بسیاری نیز مدرسه فرزندشان را ناکارآمد می‌دانند، زیرا مدرسه به زعم آن‌ها نتوانسته است در بچه‌ها رقابت ایجاد کند.

چرا رقابت این جایگاه را به دست آورده است؟  
 دیکا (۲۰۰۱) می‌گوید تقریباً زیربنای همه رفتارهای انسان تلاش برای ارضای یکی از نیازهایش است. براساس نظریه مازلوس (۱۹۷۱) می‌توان دریافت که رقابت به دلیل ارتباط با کدام نیاز، به انگیزه (به معنای کلی آن) تبدیل شده است. احتمالاً موضوع به نیاز انسان به احساس ارزشمندی و محترم بودن مربوط می‌شود. مدارس برای دادن این احساس به بچه‌ها، ملاک جلوتر بودن آن‌ها را در درس و نمرات می‌گذارند و از هر طریق ممکن بر آتش این معرکه می‌دمند. متأسفانه آن‌ها این محرک را قوی و کارآمد یافته‌اند.

از آن جا که اساس ایجاد تغییر در نگاه سنتی، محرک‌ها هستند، استفاده از آن در این نظام مباح، لازم و مورد تأکید

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما معلمان، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان است. زیرا فکر می‌کنیم که این امر می‌تواند تلاش و تکاپوی علمی را بین دانش‌آموزان زیاد کند. در نوشته زیر، این نگاه بررسی و نقد شده است.

در این شماره که آخرین شماره سال تحصیلی ۸۹-۹۰ قبل از شماره پایانی است که به جمع‌بندی اختصاص داده خواهد شد، می‌کوشیم آخرین نکاتی را که در اصول جاری آموزش و پرورش سنتی وجود دارد و در شماره اول ذکر شد، نقد کنیم.

یکی از اصول بربرک در شیوه سنتی آموزش، استفاده از رقابت است. اکنون در نظام ما رقابت نه تنها به عنوان مؤثرترین انگیزه برای آموختن شناخته می‌شود، بلکه مدارس نام‌آورتر، با وسعت بخشیدن و نهادینه کردن رقابت، بر دیگر

## رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی‌داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد

متأسفانه رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت تبدیل شده است

اسماً سؤال این است که آیا جلوتر از دیگران بودن برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و تحقیر بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود؟ از آن‌جا که بحث در این خصوص بسیار جدی است، پرداختن بیشتر به موضوع، خالی از فایده نخواهد بود.

اگر بتوان نشان داد که رقابت واقعاً رساننده حس ارزشمندی است، همین کوهی که جوهرش با سوختن متأسفانه زایی دارد در نگاه جدید به انسان هم رقابت مداح می‌شود. ولی اگر این ارتباط توسط محیط و با نادانی دانش‌پیروسی به رقابت و برنده شدن ایجاد می‌شود، استفاده از آن در نگاه جدید، دخالت در رشد طبیعی انسان‌ها محسوب می‌شود و تازگی عوارض جانی منفی خواهد بود. مارلانو (۱۹۷۸) ارضای نیازهای اساسی را صرفاً به رفتارهایی که مناسب طبیعی و ناسی با رفع آن نیاز دارند، واکنش می‌کند و واکنش دارد که ارضای دهن رفتارهای نامناسب با رفع نیاز به آن، واقعاً نیاز را رفع نمی‌کند و لذا به دلیل باقی ماندن نیاز در فرد، عوارض روانی برای او ایجاد می‌کند.

واضح است که احساس ارزشمندی در انسان‌ها ابتدا به نحوه واکنش دیگران به رفتار فرد بستگی دارد تا بر بعد از مدتی این احساس درونی می‌شود. یعنی از واکنش خود فرد به رفتار خودش ایجاد می‌شود. بنابراین، در این نکته از مسیر رسیدن واکنش‌های مناسب دیگران برای رشد طبیعی کودکان اساسی است. مارلانو، در ۱۹۷۰ هر رفتار همراه با تلاش برای موفقیت، هر رفتار خلاقانه، هر رفتار منتهی به ارزش‌های انسانی، و سازش از دیگر رفتارهایی می‌باشد که واکنش مثبت بوجه و تحسین دیگران را برانگیزد و به نظر می‌رسد که همه این واکنش‌ها با ارضای نیاز به حس ارزشمندی فرد مناسب دارند. حتی توان مکرر شدن که گاهی کودکان به صورت طبیعی به رقابت علاقه نشان می‌دهند، همین علاقه است که در بزرگسالان، آن‌ها را به همان‌های رقابت ورزشی و اقتصادی و غیره می‌کشاند. این علاقه نیز می‌تواند به دلیل کسب حس ارزشمندی از برتر بودن از دیگران است. در این صورت، رقابت برای برخی رفتار، متناسبی به بی کسب حس ارزشمندی خواهد شد. نکته‌کننده می‌باشد این باشد که بسیاری از اوقات، خود فرد این راه را برای کسب احساس ارزشمندی برخی گرفته و ولی دیگران پس از مشاهده برقرار و فرد را تر

این مسیر ناخواسته قرار می‌دهند این «دیگران» برای وادار کردن فرد برای شرکت در این رقابت، راه‌های دیگر کسب احساس ارزشمندی را می‌بینند. مثلاً به رفتارهای مثبت سازنده و ارزشمند دیگر فرد توجه نمی‌کنند و تنها خودتر بودن از دیگران را ملاک توجه به فرد قرار می‌دهند. در واقع، در عمل برتری و برتری در رقابت، غالباً کارگر نمی‌شود از طرف حس ارزشمندی بند می‌کند. غالباً رفتار فرد را به محبت تلقی، و حتی احمق روانی عیبی بر برتری در رقابت‌های مدرسه قرار می‌دهند. در حالی که واضح است ارتباط این نیازها با رفتار بردن در رقابت کاملاً نامناسب است.

حاصل این بحث می‌تواند این باشد که هرگاه فردی رقابت را با خواست خود برگزیند و بخواهد با بودن در رقابت با دیگران، احساس ارزشمندی کسب کند، رقابت به جایگاه خود بازگشته است. این نوع رقابت، رفتاری طبیعی و متناسب با واقع نیاز است. به همین دلیل، عوارض روانی ندارد فردی که به خواست خود در رقابت ورزشی شرکت می‌کند، حتی اگر برنده شود. احساس حقارت نمی‌کند. بسیاری از ورزشکاران، اساساً در برخی رقابت‌ها می‌دانند که اول می‌شوند، ولی گاهی راه یافتن به مسابقه، به آن‌ها حس ارزشمندی و توان را داده است یا بهبود رکورد شخص، به آن‌ها حس کفایت می‌دهد. هر ورزشکار در میدان رقابت، رقابتی شخصی را با جمعی دنبال می‌کند که انزوا همان افراد حاضر در میدان هستند. مثلاً یک تیم دسته دوم، در مسابقه با یک تیم دسته اول، اگر شکست یک بر مغلوب، افتخار زیادی می‌کند. بهر این موضوع، در انتخابی بودن این رقابت‌هاست. اگر هر کس از این است که رقابتی را برگزیند، آن رقابت برای او تر هر صورت می‌تواند عامل رشد باشد. اما اگر این رقابت اجباری و تنها راه به دست آوردن نیازهای اساسی انسان باشد، حداقل برای غیربرنده‌ها شکننده و عوارضی مانند احساس کم‌پویی، ناتوانی، بی‌کفایتی و درماندگی خواهد داشت.

با این تحلیل، دیدنی که معمولاً برای برتر بودن در مدارس می‌آورند، وحدت خود را از دست می‌دهند. می‌گویند: «ما تمرین رقابت در مدرسه، کودکان را برای رقابت در جامعه آماده می‌کنیم». اما همان‌گونه که در تحلیل بالا مشخص می‌شود، رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی‌داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد. این رقابت‌های غیر انتخاب شده، حتی برای

برنده‌ها هم می‌تواند عوارضی داشته باشد از آن‌جا که آن‌ها ناخواسته این رفتار را برای ارتقای حس ارزشمندی انجام می‌دهند، در زندگی واقعی همواره به دنبال پشت سر گذاشتن دیگران برای کسب احترام هستند و با شکست‌های احتمالی بعدی، دچار سرخوردگی و احساس ناکامی می‌شوند.

اگر بتوان رقابت را از جنسی که مدارس ایجاد می‌کنند عمدتاً در طبقه رقابت‌های مصنوعی و ناخواسته برای کودکان جا داد، قطعاً می‌توان آن را جزو انگیزه‌های بیرونی برشمرد. جنگ بین روان‌شناسان در مورد انگیزه‌های بیرونی و درونی سابقه زیادی دارد. در نگاهی که این نوشتارها به انسان دنبال می‌کنند، تأکید روی انگیزه‌های درونی است. تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر و تأثر انگیزه‌های بیرونی و درونی روی انسان و رفتار وی انجام شده است که نتایج آن‌ها بر تأثیر تخریبی به کار بردن انگیزه‌های بیرونی بر انسان و کم‌رنگ کردن انگیزه‌های درونی تأکید دارند (نگاه کنید به امبیل، ۱۹۹۳). البته کم نیستند روان‌شناسانی که هنوز به ضرورت استفاده از انگیزه‌های بیرونی تأکید دارند (برای مثال نگاه کنید به ریس، ۲۰۰۵).

به هر حال، با انتخاب نگاه این نوشتارها، رقابت‌های مدرسه‌ای عمدتاً از نوع انگیزه‌های بیرونی محسوب می‌شود و یا نیازی که قرار است برآورده سازند، تناسبی ندارند. بنابراین، مدرسه‌ای که از نگاه جدید به انسان بیروی کند، کارهایی مانند زیر را نباید/ باید انجام دهند:

● نباید بچه‌ها را براساس معدل رتبه‌بندی و آن‌ها را اعلام کند.

● نباید به نقرات برتر درسی در صبحگاه جایزه دهند.

● نباید اسامی نقرات برتر را به دیوار بزنند.

● نباید مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به نقرات برتر جایزه بدهند.

● نباید برای بردن به اردو، برنامه امتیازی درسی و فوق برنامه درست کنند و نقرات برتر را ببرند.

● نباید فقط کارهای برتر هنری کلاس هنر را به دیوار بزنند.

● نباید فقط به برترین قاریان، در مسابقه همگانی قرآن-جایزه بدهند.

● نباید نمرات بچه‌ها را به ترتیب از خوب به بد یا برعکس در کلاس بخوانند.

● نباید ارزش‌یابی ۱ تا ۲۰ را که از نظر آماری هم اختلاف معناداری بین بیشتر آن‌ها نیست، در مدارس جاری کند.

● نباید براساس سطح درسی بچه‌ها به آن‌ها احترام بگذارند.

● نباید براساس سطح نمره بچه‌ها در مورد شخصیت آن‌ها قضاوت کنند.

● باید فضای مسابقه‌های گروهی بدون هیچ پاداش بیرونی را ایجاد کنند.

● باید امکان شرکت بچه‌ها را در رقابت‌های بیرونی، براساس خواست و انتخاب خودشان فراهم کند.

● باید امکان فعالیت‌های متعدد علمی، ورزشی و هنری را بدون رقابت برای سلیقه‌های متفاوت ایجاد کنند.

● باید همه در مدرسه مورد احترام باشند و درس نخواندن و معدل پایین، امری شخصی تلقی شود که ارتباطی با شخصیت فرد ندارد.

● باید امکان ارائه کارهای فردی و گروهی بچه‌ها را در حوزه‌های گوناگون مورد علاقه آن‌ها، بدون رتبه‌بندی و ایجاد رقابت، در قالب نمایشگاه و سمینار و غیره فراهم کند.

در اغلب مدارس پیشرفته دنیا، موارد فوق به صورت امری بدیهی و جاری در آمده است. در بازدید از این مدارس، هیچ اثری از کمد جوایز، اعلام نقرات برتر، نظام امتیازی، رقابت‌های فردی، و فضای برتری‌طلبی و قضاوت براساس وضعیت درسی دیده نمی‌شود. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که اساساً رقابت در کار نیست، اما به جرئت می‌توان گفت، فضای حاکم و فرض‌های نانوشته فرهنگی جاری بین معلمان و مسئولان مدارس و حتی دانش‌آموزان، فضای رقابتی نیست.

### منابع

- 1 Amabile, T. M. (1993). Motivational synergy: Toward New Conceptualizations of Intrinsic and Extrinsic Motivation in the Workplace. *Human Resource Management Review*, 3(3), 185-201.
- 2 Dick, B. (2001). Maslow Revisited: Maslow's Hierarchy of Needs Examined and Reformulated. [Electronic file]. Retrieved Jul. 08, 2007, from [http://www.aq.net.au/~zbdick/dlit/DLit\\_P02masrev.pdf](http://www.aq.net.au/~zbdick/dlit/DLit_P02masrev.pdf). A discussion paper, originally written in the 1980s, revised 1990, 1993, this version, 2001.
- 3 Maslow, A. H. (1970). *Motivation and Personality* 2nd ed. New York: Harper & Row.
- 4 Maslow, A. H. (1971). *The Farther Reaches of Human Nature*. New York: The Viking Press.
- 5 Reiss, S. (2005). Intrinsic Motivation Doesn't Exist, Researcher Says. Retrieved May. 12, 2007 from <http://www.physorg.com/news/4126.html>.

آیا جلوتر از دیگران بودن و برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و محترم بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود

نباید مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به نقرات برتر جایزه بدهند

# کسوان به خط

دو هفته پیش، دوشنبه روزی بود که اول صبح وقتی بستیم بای می سخانه اولی چیزی که نظرم را جلب کرد جرت زدن بسم **کیوان** بود یاد بعضی از اهل دود فنادم که دفعه‌های یک بار خم و راست می‌شوند و جسمانشان بی هدف در گامه می‌چرخد هر روز موقع برگشتن از کار، سر کوچک، توفیق زیارت بعضی از این اصحاب دود تصمیم می‌شود.

گفتند: «خسته‌ای بابا، جوت بخوانی.»

گفت: «سنگی دارد به این که شما به خط ساعت جواب بگویید جوانا!»

گفتند: «هنزل دیلماتها جواب می‌دهی شب می‌خوانیم بخوانیم، دندم چراغ اتاقت روشنه بند می‌شود یا نور بالا خوانته برده بود؟»

از سر دردمندی و رنج‌دگی نگاه کرد و گفت: «تا سحر بیدار بودم، مسئله‌های هندسه م موندن بود دو سه بار خوانم گرفته اما در حد یک ربع نیست دقیقه.»

گفتند: «آه وقت نا این حال و روز می‌خواهی بوی سر کلاش؟ بیسم اصلاً یک بچه نوم دبیرستان مکه چقدر تکلف داریم؟»

گفت: «شما معلمی بابا، شما بگو، جوبه که زدن می‌دهی چه درس می‌دهی، شما بگو.»

گفتند: «زیرت نشه بابا.»

وقتی بسم رفت، همسرم گفت: «می‌بینی بر این سه چه خبره آخه این همه تکلف؟ پر بوز هم داشت هندسه می‌نوشت، مکه چند ساعت در هفته باید مسئله هندسه حل کرد؟»

گفتند: «خوب یک رنگ بزن منسه تا برو بیست متاورشون بین چی می‌گه شاید کیوان مشکل داریم.»

گفتند: «چه مشکلی مثلاً؟»

گفتند: «شاید تو هندسه یا مثلاً تو درس هری دیگه مشکل دارد و همه وقتشو گذاشته روی این درس.»

صحبت ما دیگر ادامه پیدا نکرد و من هم بی‌تکلفی ما در این دو هفته دندم که هر شب چراغ اتاق بسم تا در وقت روشن است و هر صبح سر میز سخانه حسنه و کمال توگی به بان و پیرو می‌زند و می‌رود تا این که امروز صبح، بعد از بیرون رفتن، پایی همسرم شدم و گفتم: «چی شد پس حال؟ قرار بود بی گیری کنی مشکل این بسم را، این که بدتر شده.»

همسرم گفت: «رقم بی متاورشون، اما چیزی بهم بگفت.»

گفتم: «معنی چی؟ نا لاجره مشکل نباید حل شه؟»

گفتند: «خب دیگه.»

گفتم: «خب دیگه چی؟ شما کامل مشکل را باش توضیح دادی؟»

گفتند: «من کامل توضیح دادم، ولی فاندی نشانت اول کار یک فهرست بلند بالا آورد جلوی من و شروع کرد به بررسی بمرات کسوان که فلان جا کم کاری کنده تا در فلان درس خوب نمره نگرفته یا در اسجانات میان برم کمز را حد انتظار ملاحظه و از این جیرا، یادش رفته بود که این فهرست را دفعه قبل عیناً نشان داده و همین حرفها را عیناً رده ناه یکی بیست نکه مرد مؤس، کارنامه که قبلاً به من داده‌اند من که برای نمره نامه» من اوادم بگم این بسم خسته است، راحت است از درس جوبین لذت نمی‌برد.»

گفتم: «کیوان ریاضی رو چی دوست داریم، من خودم معلم ریاضی ام.»

گفتند: «خب مشکل ما همین شما هستید بسم جات عالی درس ریاضی رو دوست داشت، ولی قبلاً الان داره حالی از هر چی درسه بهم می‌خورم.»

گفتند: «خب به متاورش هماروسی کنی؟»

گفتند: «گفتم، اما گوش نکرد، خودش رو زنده اون راه به جواری رفتار کرد بعضی شما نمی‌فهمی، ما می‌فهمیم آخر سر همه غیر مستقیم گفت که ناراحتند بسم تو رو بردند بسم.»

گفتم: «معنی چی بیوسند؟ مکه بازار بره‌بارد می‌جویی بسم می‌خواهی بسم، صحبت به نتم.»

گفتند: «بیرون که می‌امدم معلم فیریکستان رو دندم آقای هاشمی تبار، گفتم شما رو به خدا آقای هاشمی، چه خبر شده؟»

چرا این قد به بچه‌های مردم فشار می‌آید؟ به حرف‌هایی زد زیاد چیزی نگفت، ولی از صحبت‌هاش معلوم بود که برنامه مدرسه تغییر کرده برنامه مدرسه اینه که به بچه‌ها بیشتر فشار بیارند مثل این که تو مسابقات علمی منطقه که همیشه اول می‌شون، این دفعه اول نشده‌ان. مدیرشون ناراحت شده. رئیس مجتمه‌شون زنگ زده به چیزایی گفته، بهشون برخوردن افتادن تو کوی خونی با مدرسه کمالی، فشار میارن که اول بشن... ببینم ناصر، شما هم تو مدرسه‌تون با بچه‌های مردم این طوری رفتار می‌کنین؟

من که حواسم درست جمع نبود گفتم: «کنوم کار؟»

گفت: «این که سوار بچه‌های مردم بشید شلاقشون بزنید تا تندتر بدوند تا اول بشید؟»

گفتم: «ها؟ نه ما این کارو نمی‌کنیم.»

دقیقه‌ای سکوت برقرار شد تا همسرم دوباره به حرف آمد و گفت: «ناصر بیا کیوان رو از این مدرسه برش داریم خوب نیست براش.»

گفتم: «خانم با هزار زحمت بردمش تو اون دبیرستان. از همه سابقه معلمی ام مایه گذاشتم. برمش کجا؟ به کنکورش فکر کردی؟ فردا کنوم دانشگاه قبول می‌شه؟ کنوم رشته...؟»

حرفم را دیگر ادامه ندادم. همسرم داشت برای خودش چایی می‌ریخت و من دیدم که قطره اشکی در لبوان جایش چکید دیگر حرفی برای گفتن نمانده بود. مثل همیشه که وقتی کم می‌آوردم، سریع از خانه می‌آمدم بیرون، این بار هم کیفم را برداشتم و زیر لب خندانگه‌داری گفتم و زدم بیرون.

احساس ضعف می‌کردم. تمام مدت توی مترو با خودم فکر می‌کردم، گذر زدی قهرمان، همیشه افتخارت این بوده که پیش هیچ مسئله ریاضی کم نیاورده‌ای. هر چی پیشت آورده‌اند حلش کرده‌ای. پیش دانش آموز و همکار سرت را بلند گرفته‌ای که همیشه بر هر مسئله‌ای پیروز شده‌ای و حالا... حالا همان مسائل ریاضی دارند شکست می‌دهند اما نه روی کاغذ، روی صفحه زندگی. وقتی رسیدم مدرسه، بچه‌ها داشتند به صف می‌رفتند سر کلاس، ردیف به ردیف صف به صف مثل همیشه. با خودم گفتم: «و ما هنوز دوره می‌کنیم شب را و روز را، هنوز را.»

غرق در شعر و داستان خودم بودم که آقای محمودی، معاون آموزشی مدرسه، سلامی کرد و صبح بخیری گفت.

گفتم: «سلام از بنده است آقای محمودی، ببخشید حواسم نبود.»

گفت: «خیلی تو فکر بودید آقای باقری، خیره آن شامانه.»

گفتم: «بله ذهنم مشغول بود حالتون چه‌طوره؟»

گفت: «شکر، الحمدلله اگر اجازه بدهید، قبل از این که سر کلاس بروید، نکته‌ای را بگویم. دیر هم شده و بچه‌ها منتظر هستند، زیاد وقتتان را نگیرم، شما حتماً در جریان آزمونی که دو هفته پیش بین مدارس راهنمایی منطقه برگزار شد، هستید. نتایج‌ش سه روز پیش آمد، شما را من ندیدم که بگویم، متأسفانه نتیجه‌اش خیلی خوب نبود نه که در درس شما بد باشد، کلاً بچه‌ها آن

طوری که می‌خواستیم، نبودند تپیل شده‌اند من به بقیه همکاران هم گفتم، لطفاً از بچه‌ها بیشتر کار بکشید. تکلیف بیشتری بدهید بیشتر بی‌گیری کنید. به ناله‌های این‌ها هم توجه نکنید. بچه‌ها همیشه از زیادی تکلیف می‌نالند به حرف این‌ها باشد باید مدرسه را بکنیم پارک شادی. شما تکلیف زیاد بدهید به کار یکشیدشان، اگر نوشتند بیت‌دانشان بیرون. ما خودمان می‌دانیم چه کار کنیم. پدر و مادرشان را می‌آوریم مدرسه. تعهد می‌گیریم ازشان. شما سخت بگیرید، بقیه‌اش با ما. این برای ما خوب نیست که مدرسه ما دوم بشود. راستش از مجتمه هم زنگ زده‌اند.»

بقیه صحبت‌های آقای محمودی را خیلی متوجه نشدم. گیج‌و‌مگنگ رفتم سر کلاس، کسی برپا گفت. کیوان به احترام معلم بلند شد. کیوان با اشاره معلم نشست. کیوان کیفش را باز کرد. کیوان مرا نگاه می‌کند. کیوان منتظر چه بود؟





# موزه ملی توانمندسازی کلاس درس باشند

از آن جایی که براساس سیاست‌های آموزشی مالزی، هنر زمینه تمام دروس تلقی می‌شود، در واقع موزه هنری و بسیاری از موزه‌ها، بخشی از کلاس درس محسوب می‌شوند و با هماهنگی صورت گرفته بین وزارت آموزش و پرورش و مسئولان موزه‌ها، فضاهایی مناسب، جذاب و سورپرایز برای دانش‌آموزان فراهم شده است.

## معرفی

این موزه در سال ۱۹۹۸م به عنوان بزرگترین موزه در جنوب شرقی آسیا، در زمینی به مساحت سی هزار مترمربع، در اطراف باغ مرکزی کوالالامپور تأسیس شد. موزه هنرهای اسلامی مالزی بیش از هفت هزار اثر باستانی مربوط به دوران اسلامی را در خود جای داده است. همچنین، کتابخانه‌ای استثنایی از آثار هنر اسلامی دارد و اسنادی هنری بی نظیری شامل هنرهای دینی، جواهرات، لباس‌ها و دیگر لوازم را شامل می‌شود.

## بخش‌های هنری

### • معماری

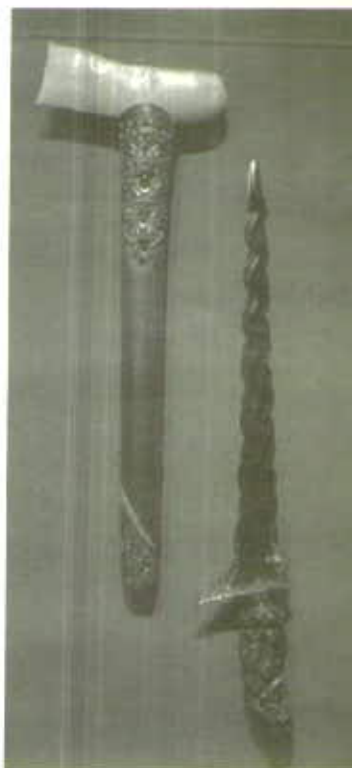
در موزه هنرهای اسلامی، در مجموعه‌ای جامع، مدل‌هایی از آثار معماری اسلامی مانند مسجدالحرام، تاج‌محل، مسجد فبا و مسجد سبح لطف‌الله، در مقیاس واقعی ساخته شده و عظمت مکان‌های مقدس اسلامی را به بهترین شکل به نمایش گذاشته‌اند.

بسیاری از مردم گمان می‌کنند، موزه‌ها مکان‌های آرام و ساکنی هستند که اشیای قدیمی و تاریخی در زیر پوششی از گردوغبار در آن جا به نمایش گذاشته شده‌اند و مسئولان بزرگسال در موزه‌ها افرادی جدی هستند که مهمانان خود را به سکوت دعوت می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند که بدون ایجاد سروصدا و دست زدن به اشیای موزه، از آن مکان بازدید کنند. ما در این گزارش در نظر داریم این نگاه و تصور را نسبت به موزه عوض کنیم.

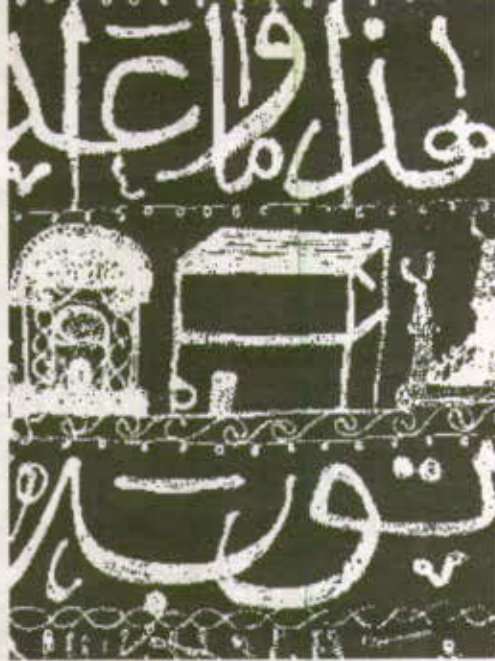
## نگاهی به موزه هنرهای اسلامی مالزی و کاربردهای آموزشی آن

موزه هنرهای اسلامی مالزی، همکاری بسیار نزدیکی با وزارت آموزش و پرورش مالزی دارد و مسئولان آن تلاش کرده‌اند فضایی جذاب، پرجاذبه، غنی و خوب دانسی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

در واقع در این موزه دانش‌آموزان می‌توانند بسیاری از درس‌های خود را مرور کنند. کارشناسان موزه نیز که در حرفه و شغل خود بسیار خبره هستند و آموزش‌های لازم را برای همراهی و کمک به دانش‌آموزان دیده‌اند، به کمک معلمان می‌آیند و آن‌ها را در ارائه برنامه‌های معرج، جذاب و مؤثر برای یادگیری بیشتر یاری می‌کنند.







### ● قرآن و دست‌نویسته

در بخش گالری‌های قرآن، تکه‌هایی از قدیمی‌ترین نسخه قرآن قرار دارد که روی پوست گوساله نوشته شده است و با بهره‌گیری از خط زیبای کوفی، رنگ‌های به کار رفته در آن به آب طلا آغشته شده‌اند.

### ● هنر هند

با حضور و ورود بابو، بنیان‌گذار امپراتوری مغول، تاریخ هنر اسلامی در هند وارد درخشان‌ترین دوران خود شد. آن‌ها دستاوردهای هنری زیادی را در معماری بر جای گذاردند و آثار ماندگاری خلق کردند. بخش زیادی از آثار آن دوره، در موزه به نمایش گذاشته شده است.

### ● هنر چین

هنر اسلامی در چین هم هویت مخصوص به خود را دارد. اغلب آثار باقی‌مانده با بهره‌گیری از روش‌های چینی، هویت اسلامی خود را به نمایش می‌گذارند. خوش‌نویسی متون اسلامی با ترکیب هنر چینی، آثار بی‌بدیلی را به وجود آورده است.

### ● جهان مالزیایی

مجمع‌الجزایر مالایی به عنوان شرقی‌ترین مرز اسلام، از ۵۰۰ سال پیش پذیرای دین مبین اسلام بوده است. ورود بازرگانی از مرز مالاکا و اندوناز او با شاهزاده‌های مالزیایی، تاریخ و مبدأ ورود اسلام به مالزی تلقی می‌شود. نسخه‌های خطی قرآنی، منسوجاتی که غالباً ترکیب و هندسه خاص اسلامی خود را دارند و بهره‌گیری از چوب و فلز و ساختن خنجرهای منحصر به فرد با ترکیب هنری خاص، از سنت‌های دیرباز جهان مالزیایی است.

### ● منسوجات

بسیاری از سلسله‌های حاکمان اسلامی، منسوجاتی خاص را تولید کرده‌اند که با بهره‌گیری از هنرهای اسلامی مانند گل و بوته‌های طراحی شده در کشمیر تولید شده است. این منسوجات نشانگر موقعیت هنرهای اسلامی بوده و در زمان خود از مرغوب‌ترین مواد اولیه تهیه شده است.



### ● سکه

سکه‌های اسلامی در سراسر جهان هویت خاص خود را دارند. سکه‌هایی به جا مانده از دوران قدیم، هنر طراحی و ساخت خاص کشورهای اسلامی را در انواع سکه به نمایش می‌گذارد.

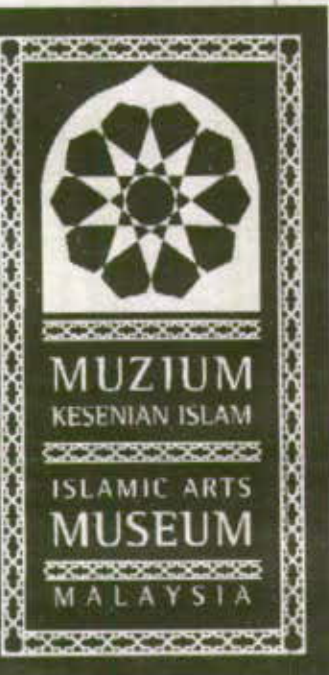
### ● کتابخانه موزه

کتابخانه موزه به عنوان مرکزی پژوهشی و هنری، در خدمت مطالعات مربوط به هنر، تمدن و فرهنگ اسلامی در سرتاسر جهان است. سازمان‌دهی و حفظ منابع مربوط به میراث ادبی، هنر و معماری اسلامی، از اهداف این کتابخانه است. در حال حاضر بیش از ده‌هزار عنوان شامل مجلات علمی، هنری، کاتالوگ، کتاب، عکس و تصویر و نسخ خطی، مجموعه‌های نفیس و بی‌نظیر را درباره تاریخ تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی، در خود جای داده‌اند.

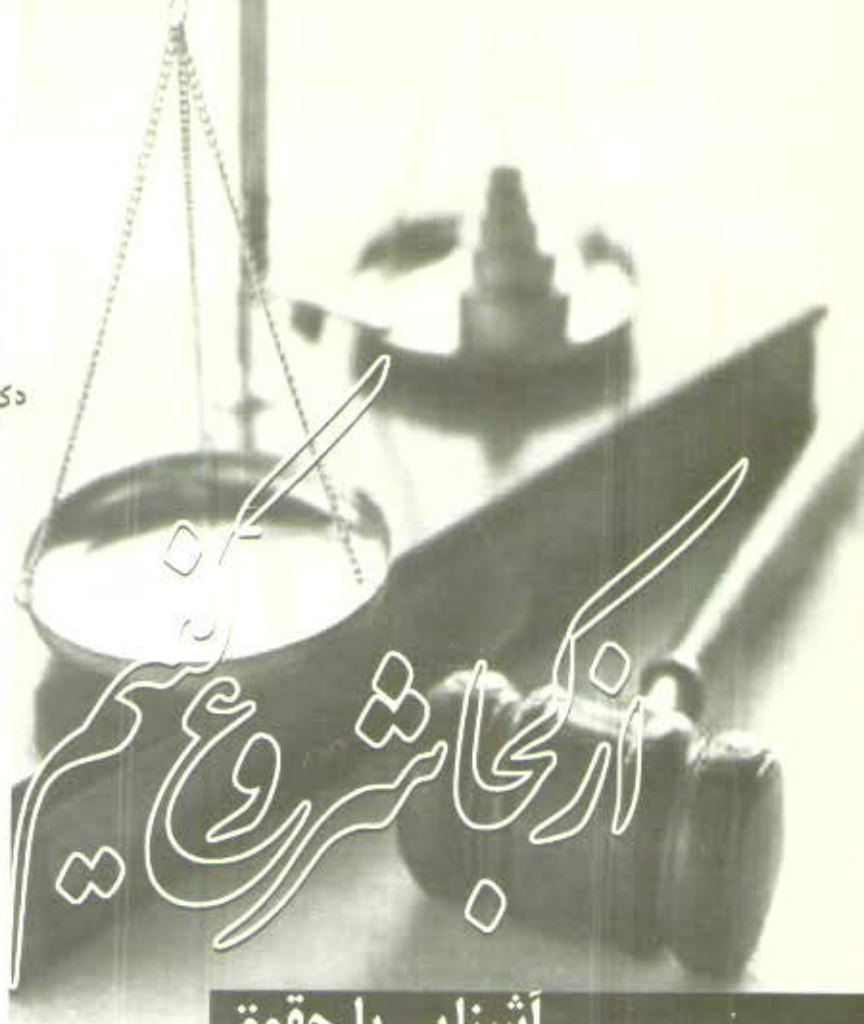
### ● بخش ویژه کودکان و نوجوانان

موزه هنرهای اسلامی مالزی، محلی برای اکتشاف و یادگیری کودکان در مورد تاریخ اسلام است و کتابخانه آن نیز مکانی هیجان‌انگیز برای سفر در تاریخ و کشف ناشناخته‌هاست. دانش‌آموزان از طریق «جهان جادویی خواندن» با گذشته پر افتخار خود آشنا می‌شوند.

1. <http://www.iamm.org.my>



دکتر محمدعلی شامانی



# از کجا شروع کنیم

## آشنایی با حقوق

### کلیدواژه‌ها: جرم، شکایت، حقوق

در شماردهای پیشین، قتل، سرقت، کلاهبرداری، سرکشی و غیره را مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم.

در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم.

در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم. در این شماره نیز به بررسی جرم و حقوق و تعاریف آن‌ها می‌پردازیم.

لازم است از تفاوت‌های شکایت و اعلام جرم سخن بگوییم. «جرم از وقوع جرم، جانی چه جبرائیل است و آن مصور است» باشد. شکایت و نیز غیر از صورت اعلام جرم است.

شکایت، برای شروع به تحقیقات کافی است و بر اساس قانون، نه مستنطق می‌تواند در پی تیراگ استخفاف و زور باشد.

«شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است» فاجعه در دهه نمی‌تواند از انجام آن خودداری نماید.

تا گفته ماند که هر اعلام جرمی برای شروع تحقیقات کافی نیست. اعلام جرم وقتی می‌تواند برای شروع به تحقیقات باشد و اساسی باشد که اعلام کننده آن سعی به هدایت غسی وقوع جرم یا جلوگیری از وقوع جرم می‌کند.

از همین رو، گزارش‌ها و نامه‌هایی را که هورت گزارش دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست، نمی‌توان برای شروع به رسیدگی قرار داد. مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اختلال در نظم عمومی است.

بنگانی که قانون‌گذار به مراجع برای حقوق خود و برقراری عدالت قضایی به جوی به آن توجه کرده است. که «شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است» و آن بدان معناست که مراجع انتظامی، قضات یا دادستان‌ها، نه محققان آن که شکایت را دریافت کردند مکلف به رسیدگی هستند و حق امتناع ندارند. قانون گفته است که «سازمان قوه قضاییه و قضات، در تمام اوقات شب و روز، مکلف به پذیرش شکایت هستند».

### پی‌نوشت

- ۱- چهارم اصل حقوق عمومی در جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی.
- ۳- ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی.
- ۴- ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی.
- ۵- ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی.



صراحت از آن‌ها بخواهید که دیگر درباره موضوع نمره بحث نکنند. بقیه دانش آموزان هم وقتی ببینند شما مطمئن هستید اشتباهی رخ نداده است این شیوه را امتحان خواهند کرد.

**● درباره نحوه موفقیت دانش آموز معترض در امتحان بعدی با او صحبت کنید**

اگر بتوانید اعتراض یکی از دانش آموزان را به بحث درباره این موضوع هدایت کنید که چگونه می‌تواند برای امتحان بعدی نمره بیشتری کسب کند، شرایطی بحرانی را به موقعیتی سودمند تغییر داده‌اید. به خاطر داشته باشید بعضی از دانش آموزان ظاهراً نسبت به نمره‌شان اعتراض می‌کنند اما در واقع می‌خواهند علت عدم موفقیت خود را بدانند. در کنار دانش آموز مورد نظر بنشینید و بگویید: «می‌دانم که از نمره‌ات راضی نیستی. من هم از تو بیشتر انتظار دارم و می‌خواهم به تو کمک کنم که دلیل نیاوردن امتیاز لازم را بفهمی و با جبران کردن آن بتوانی در امتحان بعدی موفق

ابراز ناراضی‌ت دانش آموزان نسبت به نمره‌هایی که از آزمون‌ها کسب می‌کنند، امری رایج و تجربه‌شده است. غالباً دانش آموزان به دلیل برآورده نشدن انتظارات خود در امتحان و با هدف گرفتن نمره بیشتر، به معلمان خود اعتراض می‌کنند. این موضوع از مخاطره‌آمیزترین بخش‌های مدیریت کلاسی است. برخورد صحیح با دانش آموزان معترض و بعضاً عصبانی، نیازمند حفظ آرامش و به کارگیری روش‌های خردمندانه است؛ حال آن‌که هیچ‌کس دوست ندارد اختیاراتش محدود شود و شیوه ارزیابی‌اش مورد مؤاخذه قرار بگیرد.

در ادامه، راهنمایی‌هایی برای مواجهه با این موضوع ارائه خواهد شد:

**● ریزنمرات را به‌طور واضح و دقیق در اختیار دانش آموزان قرار دهید**

یکی از بهترین راه‌های مقابله با اعتراض دانش آموزان - به عبارت دیگر برای جلوگیری از آن - داشتن نظام دقیق نمره‌دهی است که جزئیات در آن به روشنی مشخص شده باشند. روی برگه‌های امتحانی، به‌طور واضح شرح دهید که در هر سؤال، از دانش آموزان چه چیزی خواسته شده است. بهتر است نمره در نظر گرفته شده برای هر سؤال را نیز مقابل آن درج کنید. هنگام تصحیح برگه‌های امتحانی، علت کسر نمره را توضیح دهید. به این ترتیب، هنگامی که یکی از دانش آموزان به نمره خود اعتراض می‌کند، قادر خواهید بود به‌طور مستند و با ذکر جزئیات او را متقاعد کنید.

**● به دانش آموزان معترض کمک کنید آرامش خود را حفظ کنند**

هیچ‌گاه به هنگام عصبانیت و ناراحتی یکی از دانش آموزان، درباره نمره با او بحث نکنید. از او بخواهید توضیحات شما را با دقت بخواند و در صورتی که باز هم متقاعد نشد، بیرون از کلاس با شما صحبت کند.

**● اعتماد به نفس خود را حفظ کنید**

هنگامی که با اعتراض درباره نمره مواجه می‌شوید، این احتمال را در نظر بگیرید که خطایی از جانب شما رخ داده و شاید لازم باشد نمره دانش آموز را تغییر دهید. صمناً به خاطر داشته باشید، ممکن است حق با شما باشد و هیچ اشتباهی در کار نباشد. هیچ‌گاه در مقابل اعتراض دانش آموزان، از خود نقطه‌ضعف نشان ندهید. اگر یکی از دانش آموزان تصور کند شما را مرعوب کرده است، بارها از این موضوع به نفع خود بهره خواهد برد. در چنین مواردی، می‌توانید به دانش آموز معترض بگویید: «بسیار خب من حرف‌های تو را شنیدم، متأسفم که این موضوع تا این اندازه تو را ناراحت کرده است. برگه‌ات را به من بده تا نگاه دیگری به آن بیندازم. فردا آن را به تو برمی‌گردانم.»

اعتراض‌ها زمانی آزاردهنده می‌شوند که دانش آموزان برای گرفتن نمره پافشاری و سعی کنند با بحث‌های بی‌اساس نمره نهایی خود را افزایش دهند. در این گونه موارد، با قاطعیت رفتار کنید و به آن‌ها اجازه ندهید رفتار نامناسبی از خود بروز دهند. می‌توانید با

ترجمه: معصومه خیرآبادی

# فلات نمره‌گیری

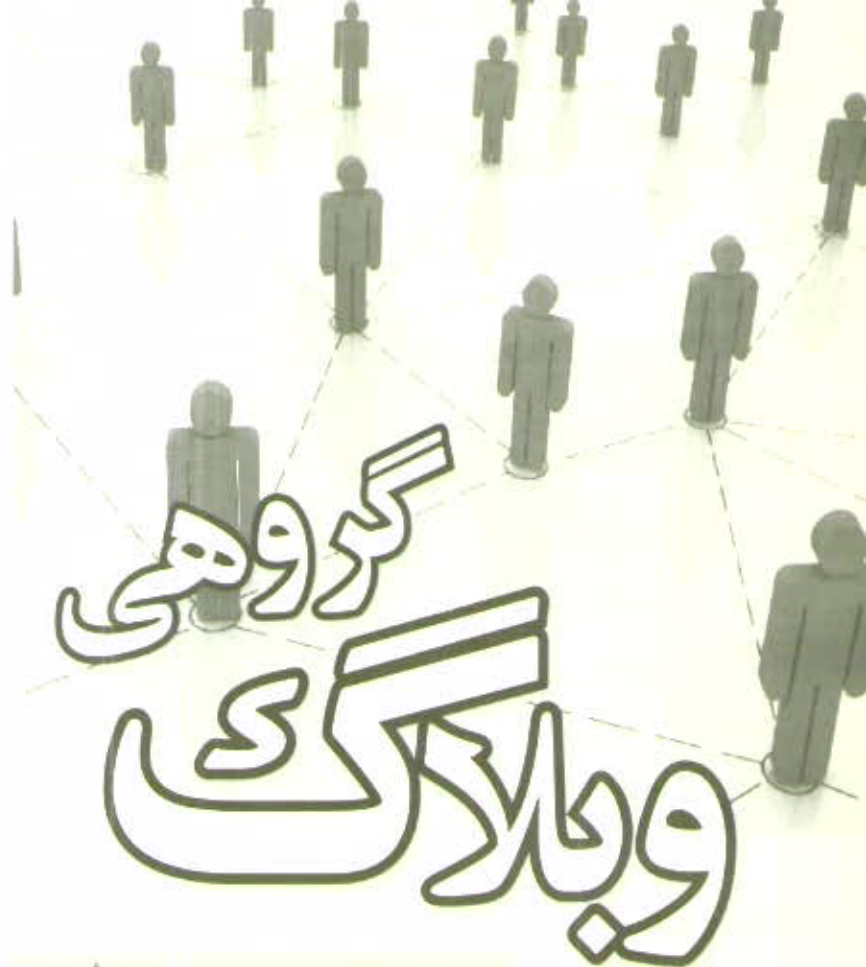
بشوی. در مقابل اعتراض دانش آموز، حالت تدافعی به خود نگیرید و با صمیمیت، تلاش بیشتر و گرفتن نمره بالاتر در آزمون بعدی را از او بخواهید.

**● از مقایسه کردن نمره‌های دانش آموزان اجتناب کنید**

به دانش آموزان اجازه ندهید نمره خود را با نمره بقیه هم کلاس‌هایشان مقایسه کنند، زیرا این کار باعث بی‌اعتمادی می‌شود و فضای دوستانه کلاس را از بین می‌برد.

مقابله با اعتراض دانش آموزان نسبت به نمره امتحانی‌شان، برای هر معلمی ناخوشایند است. اما اجازه ندهید این موضوع شما را تحت‌تأثیر قرار دهد. با دقت به هر اعتراضی گوش دهید و این آمادگی را داشته باشید که اگر خطایی در نمره دادن رخ داده باشد، آن را اصلاح کنید. با وجود این، هنگامی که از عدم وجود خطا مطمئن شدید، قاطع باشید و اجازه ندهید دانش آموزان با تحت فشار قرار دادن شما نظر خود را تحمیل کنند.

**منبع**  
این مقاله نوشته نالومی رااکلر گلادن با عنوان «اعتراض‌های دانش آموزان نسبت به نمره: نکاتی درباره چگونه مواجهه با دانش آموزان عصبانی که به نمره خود اعتراض دارند» و برگرفته از پایگاه اینترنتی: [www.suite101.com](http://www.suite101.com)  
این پایگاه اینترنتی که در نگارش مقاله «تلفن همراه در مدرسه: موهبت یا معضل» نیز از آن استفاده شده بود، شامل مقالات آموزشی فراوانی است.



### سپیده شهیدی

## آیا لازم است هر دانش آموز یک وبلاگ داشته باشد؟

بله! برای این که وبلاگ فعال باقی بماند باید دائماً به روز شود یعنی حداقل هفته‌ای دو تا سه پست در آن گذاشته شود. وبلاگ‌هایی که به‌طور منظم به روز نمی‌شوند، تعداد زیادی از خوانندگان خود را از دست می‌دهند و وجود خوانندگانی که به صورت مرتب مطالب وبلاگ را معیت می‌کنند، برای فعالیت و غایب‌ان بسیار مهم است. بسیاری از دانش‌آموزان ممکن است در وقت مدرسه، برای فعالیت نگه‌داری وبلاگ خود، هفته‌ای دو یا سه پست در آن قرار دهند. از طرف دیگر، برای معلم هم نظارت بر حضور و غیاب پست‌ها در هفته، کاری بسیار سخت و زمان‌بر است.

بنابراین، یک راه مناسب استفاده از وبلاگ کلاسی است یا همه دانش‌آموزان امکان قرار دادن مطلب در آن داشته باشند. بعضی سرویس‌های ارائه‌دهنده وبلاگ، به کاربران امکان می‌دهند که وبلاگ گروهی داشته باشند. به این معنا که پس از ایجاد وبلاگ توسط معلم، از طریق رایانه، برای دانش‌آموزان نام‌هایی به منظور عضویت در وبلاگ فرستاده می‌شود و هر فرد می‌تواند با آسانی و رمز عبور خود وارد وبلاگ شود و مطالبی را در آن قرار دهد. معنی به عنوان مدیر وبلاگ این امکان را دارد که مطالب را ویرایش یا حذف کند. در حالی که سایر اعضا چنین امکانی را ندارند.

## آیا استفاده از وبلاگ بیشتر به منظور پرورش مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان است؟

بله! وبلاگ در حقیقت محیطی برای ایجاد تعامل میان دانش‌آموزان و معلمان است که در آن از مهارت‌های نوشتاری

استفاده زیادی می‌شود. ولی بهانه آن محدود نمی‌شود. علاوه بر ایجاد مطالب در وبلاگ، باید دانش‌آموزان را مستحق خواندن مطالب وبلاگ‌های دیگر هم کرد. از این رو می‌توان شباهت تعدادی از وبلاگ‌های آموزشی یا دانش‌آموزی را در زمینه‌های موضوع جمع‌آوری کرد و نیز اختیار دانش‌آموزان را در نادانیا مطالب آن‌ها را دنبال کردن کار می‌تواند تا به هدف اصلی انجام شود.

- ۱. دانش‌آموزان نحوه کار دیگران را می‌بینند و آن را با کار خود مقایسه می‌کنند. این شیوه می‌تواند در بهبود عملکرد آن‌ها مؤثر باشد.
- ۲. همه‌ها می‌توانند در وبلاگ‌های یکدیگر موضوعات تازه‌ای پیدا کنند که به آن‌ها علاقه‌مند بود. تاکنون به آن‌ها برخورد نداشت.
- ۳. دانش‌آموزان با نویسندگان مطالب وبلاگ‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند و از این طریق برای وبلاگ خود به نوعی مخاطب جذب می‌کنند.

در تمامی اهداف بالا یک هدف اصلی دنبال می‌شود و آن برقراری ارتباط و تعامل میان دانش‌آموزان است. **نظراتی (comment) که برای پست‌ها گذاشته می‌شوند، مهم و قابل بررسی‌اند!**

نظرات قسمت مهمی از وبلاگ‌های کلاسی است. تحلیل می‌دهند. در حقیقت همین بخش است که با معنی‌شوند وبلاگ را مکتبی صرفاً برای ارائه اطلاعات، به نوعی تحت کنترل خود آن‌ها باید به آن توجه ویژه شود. آموزش نحوه نظر گذاشتن در وبلاگ است. نظر گذاشتن به دانش‌آموزان فرصتی می‌دهد تا شیوه تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر را بیاموزند. آن‌ها که مهارت گفت‌وگو را از راه‌های آموزشی برای برقراری ارتباط مؤثر در جامعه سنتی هستند. نظرات وبلاگ می‌تواند مکان مناسبی برای برآوردن به آن باشد. یکی از مزایای این شیوه گفت‌وگو این است که دانش‌آموز می‌تواند به اشتراک کافی فکر کند و سپس نظر خود را بپوشد. به این ترتیب او می‌آموزد که از ارائه نظرات حساب‌بازد، بدون تفکر و استخفاف بر هر فردی هم‌چنین، دانش‌آموز باید یاد بگیرد که نظرات خود را به سبب دیگری مخبرانه بیان کند و نیز طریقت‌پذیری انتقادی مطرح شده را داشته باشد و به آن‌ها محترمانه پاسخ دهد.

به علاوه، گاه نظراتی که در ارتباط با موضوع مطرح شده در وبلاگ گذاشته می‌شوند، یادگار آن است که دانش‌آموزان مطالب را خوب متوجه نشده یا اشتباه برداشت کرده‌اند. هم‌چنین، گاهی بر اساس موضوع مطرح شده، سوالات یا مطالب جدیدی توسط دانش‌آموزان پرسیده می‌شود که خود می‌تواند به عنوان موضوع جدید مطرح شود.

موضوع دیگر آن است که باید به دانش‌آموزان آموزش داد تا خوب به نظراتی که برای مطالب آن‌ها گذاشته می‌شود پاسخ دهند. پاسخ دانش‌آموزان مستقیم به خوانندگان، دانش‌آموز توجه خود به مخاطب را نشان می‌دهد و این باعث می‌شود مخاطب چهارم برای بازدید از وبلاگ مراجعه کند. به علاوه، این گونه پرسش و پاسخ‌ها فرصت خوبی برای به چالش کشیده شدن دانش‌آموزان است. هم‌چنین، در هر بار پرسش و پاسخ، دانش‌آموز مجبور است دانش‌های خود را مرور کند و این خود باعث ماندگاری بیشتر مطالب در ذهن او خواهد شد.

وبلاگ گروهی

نوی یکی از مناطق آموزش و پرورش شهری، مدرسه‌ای وجود داشت که از همه مدرسه‌های دنیا بی‌نظم‌تر بود. بچه‌های آن به بی‌ادبی شهره شده بودند و هیچ‌کس حاضر نبود ناظم آن مدرسه بشود. این مدرسه معلم هم نداشت. تا این‌که بالاخره یک مرد پیدا شد و گفت: «این مدرسه هم قسمت ماست.»

همه تعجب کردند! حتی خود مرد! بچه‌های مدرسه هم همین‌طور.

مرد حرف زده بود و داشت به قولش عمل می‌کرد. اما کسی متوجه موفقیت او نمی‌شد. انگاری آمده بود تا به بی‌نظمی بچه‌ها دامن بزند:

هر موقع که دوست دارید، رنگ را بزنید و بیاید بیرون؛  
هر موقع خواستید بیاید و هر موقع خواستید نیااید مدرسه؛  
هر موقع دلتان خواست با خودتان مهمان به مدرسه بیاورید؛  
هر موقع دلتان خواست به مدرسه دوستانتان بروید؛  
هر موقع دلتان خواست بازی کنید؛  
هر موقع دلتان خواست درس بخوانید؛

و هزاران هر موقع و هر جای دیگر که به بچه‌ها وعده داده بود. دیگر کسی پرونده بچه‌ها را زیر بغلش نمی‌داد. دیگر آقا ناظم بچه‌ها را کتک نمی‌زد و هزاران اگر و مگر دیگر در کار نبود. تنها شرطی که بچه‌ها می‌توانستند در این مدرسه بمانند، این بود که توی مسابقه بزرگ با مدارس دیگر برنده شوند. این تنها شرطی بود که اگر بچه‌ها آن را رعایت می‌کردند، حق داشتند در این مدرسه آزاد بمانند.

ماه‌ها به این منوال گذشت. کسی نبود که از او پرسند شرایط مسابقه چیست، درباره چیست و هزار و یک سؤال دیگر. بچه‌ها برای مسابقه‌ای که نمی‌دانستند چیست، آماده می‌شدند. فقط می‌دانستند رقابتی قدرتمندی دارند و داور کل، به هیچ ترفندی گول آن‌ها را نمی‌خورد پس باید بدون هیچ تعارفی برای مسابقه آماده می‌شدند. از آن‌جا که بچه‌ها نمی‌دانستند مسابقه چه چیزی را باید بدهند و کسی هم به آن‌ها نمی‌گفت که آن مسابقه چیست، مجبور شدند توی همه رشته‌هایی که می‌شد از آن‌ها امتحان گرفته، تمرین کنند.

یکی از بچه‌های قلتر مدرسه گفت: «هر کس کاری بلد، دستا بالا»

دست‌ها بالا رفت و بچه‌ها یکی یکی مسئول کار شدند. هر که بهتر بلد بود، سرپرست گروه می‌شد. این گروه‌ها کم‌کم بزرگ و بزرگ‌تر شدند تا آن‌که هر کدام یک اتاق لازم داشتند. اسم هر اتاق، کارگاه مسابقه نام گرفت. با آن‌که در روزهای آغاز ورود آقا ناظم، عملاً کلاسی در مدرسه وجود نداشت، اما خود بچه‌ها برای آن‌که تمرینات مسابقه را انجام دهند، ناخواسته جایی درست کرده بودند عین کلاس.

با آن‌که همه بچه‌ها می‌دانستند هر موقع بخواهند می‌توانند بیایند و بروند و بازی کنند و... اما دیگر کسی هر موقع هر کاری دلش می‌خواست نمی‌کرد. نظم توی بندیدن سلول‌های آن‌ها شکل گرفته بود. نه تنها هر کس خودش منظم شده بود، بلکه اگر احیاناً کسی از زیر کار در می‌رفت و منظم کار نمی‌کرد، مورد عتاب و خطاب بقیه قرار می‌گرفت.

روز مسابقه فرا رسید. بچه‌های مدرسه آماده بودند اما هنوز نمی‌دانستند باید با چه کسی و کجا مسابقه بدهند.

سرپرست‌های کارگاه‌ها با هم به اتاقک متروکه‌ای رفتند که زمانی نامش دفتر بود. دنبال آقا ناظم گشتند. کسی آن‌جا نبود. آقا ناظم مدت‌ها بود که به شهر دیگری سفر کرده بود. یک یادداشت روی میز بود با این مضمون:

؟؟؟

؟؟؟

؟؟؟

؟؟؟

شاگردان زرتنگ کارگاه‌ها، نامه آقا ناظم را خواندند و فهمیدند. عده‌ای هم که کوتن بودند، زمانی طول کشید تا بفهمند.

## کتابیون رجیبی راد

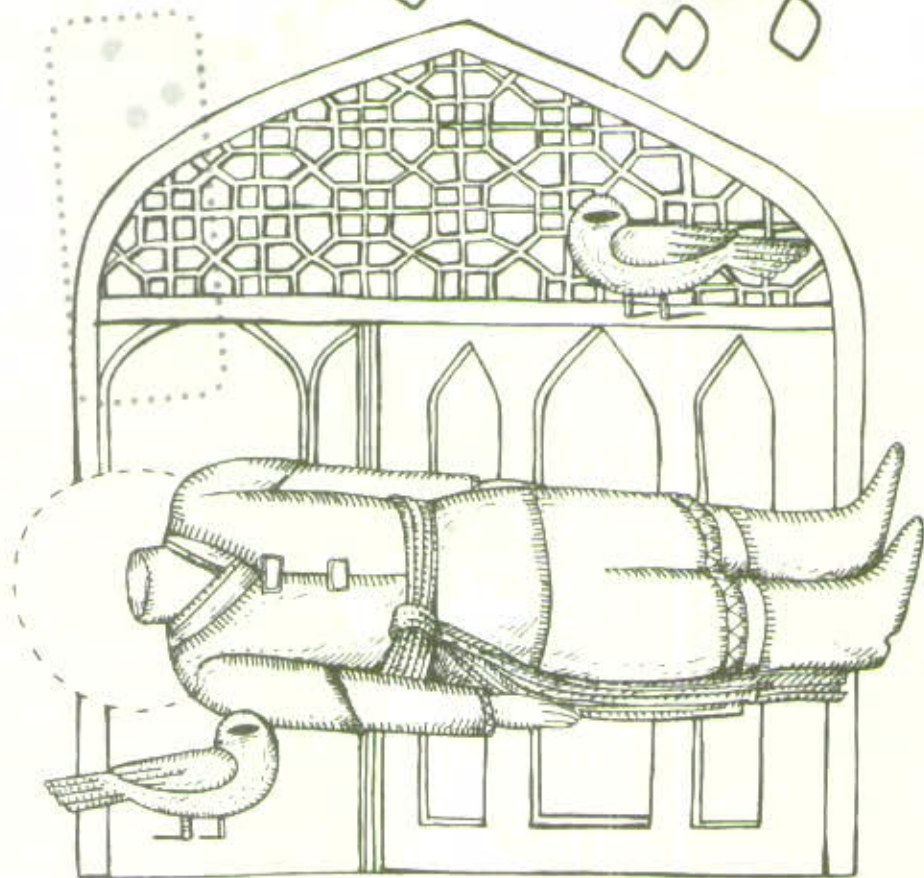
# ناظم بی نظمی



۱۹ شماره

## آموزش در دوران اسارت

# کربلایی با صفت



کنند، گوشه‌ای از کار را بگیرند و اردو را پیش ببرند. دلشان می‌خواهد مسئولیتی داشته باشند و خودشان همدیگر را اداره کنند. پشت همه این‌ها تجربه‌هایی است که با هیچ کلاس و درس و کتابی به دست نمی‌آید و حالا اردوی کربلا!

تا به حال اردو رفته‌ای؟ مگر می‌شود نرفته باشی؟ خوب فکر کن، روزهایی را که دانش‌آموز بودی به یاد بیاور! اردوهای مدرسه برای خودش حال و هوایی دارد. اگر اردوی زیارتی باشد که دیگر هیچ! بچه‌ها دوست دارند کاری

حالا فکرتش را بکن اردوی زیارت کربلا بروی، آن هم برای بار اول، تنها باشی، اسیر هم باشی و دیگر هیچ، خیلی می‌جسید، احساس می‌کنی ته دلت خالی شده، بی‌رنگ شدی. انگار هیچ چیز نداری، اصلاً هیچ کس نیستی، بی‌حال دنیا و آدم‌هایش، دو دستی صریح را می‌جسبی و سینه‌ات را می‌جسبانی به پنجره‌اش، حرف نمی‌زنی، می‌گذاری خودش بگوید فقط، همان یک زیارت اسارت این طور مزه می‌کند. تازه قطع‌نامه تصویب شده بود، دیگر کسی دل و دماغ هیچ چیز را نداشت که عراقی‌ها خبرمان کردند: «می‌خواهیم بیربمان کربلا».

سکوت بی‌روح اردوگاه شکسته شده بود. انگار همه بلند شده بودند که بنویسند و کاری نکنند به سرعت گروه‌های کاری تشکیل شدند همه سازمان‌دهی شده و مرتب یک گروه، نوار رنگی نور بتوها را جدا می‌کرد، می‌شست و بسته‌بندی می‌کرد که پارچه تیرکی شوند یک گروه مسئول پیدا کردن پیراهن‌های پاره‌شد که از آن‌ها جانماز بنویسند یک گروه پنجه‌های زیر پیراهنی‌ها را می‌کشیدند و آماده می‌کردند برای دوختن گیوه و کلاه خیاط‌خانه وصله بینه‌های هر روزش را تعطیل کرده بود و فقط جانماز می‌دوخت چند روز بیشتر نمانده بود همه باید لباس‌های تمیز و اتو کرده یک دست زرد با کتانی می‌پوشیدند هر کس نداشت، از بقیه می‌گرفته هر شب مسئولان گزارش می‌دادند باید با عزت می‌رفتیم زیارت.

بچه‌ها را گروه‌بندی کردیم، هر گروه بیست و پنج نفری، یک مسئول انتظامات و یک مترجم داشت که رابط بچه‌ها و عراقی‌ها بودند. کارها شروع شد، ارشدها و روحانی‌ها هر شب برای بچه‌ها سخن‌رانی و توجیه‌شان می‌کردند که ممکن است از این سفر استفاده تبلیغاتی شود و بنابراین همه باید هماهنگ و مراقب باشند.

بچه‌های آشپزخانه برای تو راه بچه‌ها ساندویچ درست کردند، گوشت سرخ کرده و گوجه فرنگی را لای نان بیچینند دادند دست مسئول هر گروه از درمانگاه قرص و داروی ضداسهال و ضداستفراغ گرفتیم، و وسایل دوخت‌دوز برای گل‌دوزی دور جانمازها را از خیاط‌خانه و بطری آب و حوله که بچه‌ها در قطار بتوانند نشسته هم وضو بگیرند.

هفت و نیم هشت شب راه افتادیم، هر ۲۵ نفر با مسئولشان سوار یک اتوبوس شدند. بعد از شش ساعت، بیرون اردوگاه پشت دیوارهای بلند و سنگی موصل را می‌دیدیم، کوچه می‌دیدیم، خیابان می‌دیدیم، آدم‌هایی به جز خودمان، بدون لباس زرد و بدون شماره بزرگ اسارت پشت سینه، خم شده بودیم روی پنجره، دست‌ها را دور صورتان چسبانده

بودیم به شیشه، زور می‌زدیم که ببینیم چشم‌هامان ضعیف شده بود. به سختی منظره را تشخیص می‌دادیم، سال‌ها بود فاصله‌های دور را ندیده بودیم.

بعد سوار قطار اتوبوسی شدیم. تجربه جدیدی بود: قطار، سفر، زیارت. چیزهایی که بیش از ده سال بود ندیده بودیم. برای لحظه لحظه سفر برنامه‌ریزی کرده بودیم، با همه این‌ها یک جور سردرگمی و ناپاوری تو دل همه بود.

وقت شام میزها را باز کردیم، به هر کس یک نایلون کوچک دادیم که بیننازد روی میزش، به هر کس چند قاشق برنج و قیمه، نصف پرتقال، نصف یک خرما، کمی نان و دوغ رسید. قاشق‌هامان را در آوردیم و همه با هم شروع کردیم. انگار در شیک‌ترین هتل، بهترین غذا را سرو کرده بودند. سربازها با حسرت به این همه آرامش و صفا نگاه می‌کردند؛ حتی چندتایی‌شان با چشم‌های خیس، یکی از سربازها رفت و با یک ظرف برگشت. هشت تا دلمه از تو ظرف بیرون آورد، گذاشت روی نایلون. مسئول گروه تشکر کرد. گفت: «خودمان غذا داریم».

سرباز اصرار کرد، رد احسان خوب نبود. دلمه‌ها هشت تا بود و ما بیست و پنج نفر. هفت هشت سال بود که هیچ کدامان دلمه ندیده بودیم. یادمان رفته بود چه مزه‌ای است. بیست و پنج تکه‌شان کردند. سرباز دوباره برگشت و دید چه طور به هر کس یک بند انگشت رسیده است. خجالت کشید: «والا من نمی‌دونستم، این رو فقط به خودت دادم. نداشتیم برای همه بیارم، کم بود، والا عیبیه، بد، خجالت می‌کشم».

ما هرچی داریم با هم می‌خوریم، تو اردوگاه هم همین طوری زندگی می‌کنیم. همه چی کمه، خیلی کم، ولی مال همه‌است.

چند ساعت بعد رسیدیم بغداد، دوباره سوار اتوبوس‌ها شدیم و راه افتادیم سمت کربلا. دم‌دم‌های طلوع آفتاب بود. خیابان‌ها از باران شب قبل خیس بود و آسمان صاف و تمیز. خیلی طول نکشید انتهای خیابانی، اتوبوس داخل یک پیچ شد. یک آن گنبد طلایی و بزرگ با پرچم سرخ‌ش که زیر باران تاب می‌خورد، جلوی حدقه چشمانمان بیرون زد. از همان جلو، تک‌تک بلند شدیم روی پا. یکپهو انگار سکوت با همه چیزش شکست. گریه‌های آرام شیون شد، فریاد شد، کم‌کم صحن هم دیده می‌شد. حس می‌کردی قلبت می‌خواهد خودش را بپرت کند بیرون. نمی‌دانی چه می‌کنی، گریه می‌کنی؟ داد می‌زنی؟ ساکتی؟ نگاه می‌کنی؟ یک جمله می‌گویی: «آقا، کاروان اسرا اومده زیارت!»

# تاریخ آموزش و پرورش در ایران

فاطمه محمودیان



بود و علاوه بر آن، دروسی مانند روان‌شناسی، منطق و اصول آموزش و پرورش نیز تدریس می‌شد برای این که محصلان سال آخر این مدرسه، در ضمن تحصیل، با فن تعلیم و تربیت نیز آشنا شوند، وزارت معارف یکی از مدارس ابتدایی را به دارالمعلمین مرکزی ضمیمه کرد و محصلان دارالمعلمین، زیر نظر استادان خود در آن مدرسه تدریس می‌گرفتند. دارالمعلمین مرکزی با سال ۱۳۰۷ هـ.ش ۱۳۳۷ هـ.ق دایر بود و فارغ‌الحاصلان آن در تهران و شهرستان‌ها در مدارس به تدریس مشغول می‌شدند.

همزمان با تأسیس دارالمعلمین مرکزی که در آن معلمان مرد تربیت می‌شدند، مرکز دیگری به نام دارالمعلمیات، به منظور تربیت معلمان زن برای تدریس در مدارس دخترانه که در حال رشد فزاینده بودند، تأسیس شد. دارالمعلمیات که دوره آن پس از تکمیل ابتدایی چهار سال بود، سه سال دروس متوسطه تدریس می‌شد و شاگردان در سال چهارم، علاوه بر فراگرفتن اصول تعلیم، به منظور تدریس فن تدریس، در کلاس‌های ابتدایی ششماهه دارالمعلمیات به تدریس می‌پرداختند.

## دارالمعلمین عالی

در سال ۱۳۰۸ برای تربیت دبیر دبیرستان‌ها، دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل شد. دارالمعلمین عالی مستقل بر دو بخش ادبی و علمی بود. بخش ادبی شامل رشته‌های فلسفه، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و بخش علمی نیز شامل رشته‌های شیمی، ریاضی، فیزیک و نجوم بود. طول تحصیل در دارالمعلمین عالی سه سال تعیین شده بود چون در آن زمان هنوز استاد برای دروس متفاوت در سطح عالی در تهران کمیاب بود، با گذر چند معلم از فرانسه برای تدریس برخی مواد استخدام کردند و در تحسین سال افتتاح دارالمعلمین، پنج تن از آنان به تدریس مشغول شدند که کم‌کم قسمت متوسطه از قسمت عالی جدا شد. در سال ۱۳۱۲ نام دارالمعلمین عالی به دانش‌سرای عالی تغییر کرد و در آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۴ بتوانان نیز به دانش‌سرای عالی وارد شدند.

## دانش‌سرای عالی

برنامه دانش‌سرای عالی ابتدا به صورت نهادی تمامه تدریس می‌شد به این معنی که دانشجوین در ابتدای سال تحصیلی دو تا



**کلیدواژه‌ها:** آموزش و پرورش، دارالمعلمین و دارالمعلمیات، دانش‌سرای، تربیت معلم.

**با توسعه و افزایش مدارس جدید، ضرورت ایجاد مراکزی به منظور تربیت معلمان مورد نیاز کشور مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت.**

## دارالمعلمین و دارالمعلمیات (مرکزی)

در سال ۱۲۹۷ هـ.ش ۱۳۳۶ هـ.ق دولت برای نخستین بار «دارالمعلمین مرکزی» را برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه تأسیس کرد. محل دارالمعلمین که ریاست آن را **میرزا ابوالحسن خان فروغی** و نظارت آن را **میرزا اسماعیل خان مبرات** بر عهده داشتند، ابتدا در حیابان نادری و سپس در عمارت «شرکت قهرنگ» واقع در تخت‌رامرد بود. دارالمعلمین مرکزی دو شعبه ابتدایی و عالی داشته برنامه تحصیلی دارالمعلمین مرکزی مطابق برنامه تحصیلی دوره متوسطه





سه موضوع از برنامه کلی رشته خود را انتخاب می کردند و موظف بودند که تا پایان سال آن ها را تمام کنند و به علاوه یک رساله نیز با اطلاع و نظر استادان خود بنویسند اگر در درس و رساله پذیرفته می شدند می توانستند برای سال دوم شهادت نامه دیگری انتخاب کنند به علاوه در سال سوم می باید رساله ای هم در یکی از موضوعات علوم تربیتی بنویسند دانشجویان برای فراگرفتن فن تدریس، در مدارس ضمیمه دانش سرای عالی تدریس می کردند دانش سرای عالی از سال ۱۳۱۰ مدرک لیسانس اعطا کرد.

### دانش سرای مقدماتی

در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مقرر شد طی پنج سال، ۲۵ دانش سرای مقدماتی در سراسر کشور دایر شود. این دانش سراها در سال ۱۳۳۳ منحل شدند.

### دانش سرای راهنمایی تحصیلی

اساس نامه تأسیس دانش سراهای راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۴۹ به تصویب «شورای عالی آموزش و پرورش» رسید تا نیروهای لازم برای تدریس در دوره راهنمایی تحصیلی را آموزش دهند. دارندگان دیپلم متوسطه از طریق آزمون ورودی به این مراکز راه می یافتند و پس از گذراندن دوره ای دو ساله، به عنوان دبیر دوره راهنمایی در رشته های گوناگون تدریس می کردند.

### تشکیل سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی

پس از این که در سال ۱۳۴۳ دانش سراهای مقدماتی منحل شدند دانش سرای عالی نیز منحل شد و به جای آن سازمان «تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» تأسیس شد. این مرکز از سه مؤسسه «تربیت دبیر»، «تربیت مدیر» و «راهنمای تعلیمات و تحقیقات و مطالعات تربیتی» تشکیل شده بود. در سال ۱۳۴۶ بار دیگر سازمان مذکور به دانش سرای عالی تغییر نام داد و با چهار مؤسسه به کار ادامه داد: مؤسسه تربیت دبیر، مؤسسه تربیت مدیر و راهنمای تعلیمات، مؤسسه تدریس ریاضی، مؤسسه تحقیقات تربیتی. در سال ۱۳۵۶ مسئولیت اداره دانش سرای عالی به وزارت علوم محول شد.

### دانشگاه تربیت معلم

در سال ۱۳۵۳ با تصویب «شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی»، دانش سرای عالی به دانشگاه تربیت معلم تبدیل شد و اداره آن به صورت هیئت امنایی درآمد. این دانشگاه که دوره های آموزشی لیسانس، فوق لیسانس و دکترا را ارائه می کرد، اهداف زیر را در دستور کار قرار داده بود:

- تربیت معلم برای تمامی دانش سراهای مقدماتی، راهنمایی و عالی؛
- تربیت مدیران و کارشناسان امور آموزشی؛
- تربیت دبیران رشته های گوناگون امور آموزشی؛
- تربیت متخصصان راهنمایی و مشاوره؛

### ● تهیه مواد و مصالح درسی؛

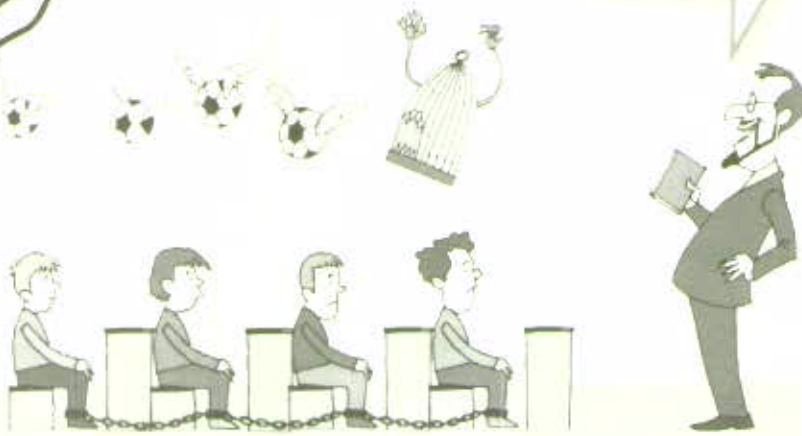
### ● انجام تحقیقات تربیتی و روانی.

### منابع

۱. درازی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام، سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۲. صافی، احمد. تربیت معلم در ایران و هند و پاکستان، مدرسه، تهران، ۱۳۷۱.
۳. حدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا عصر حاضر، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، تهران، ۱۳۴۲.
۴. صفوی، امان الله. تاریخ آموزش و پرورش ایران باستان تا ۱۳۸۰ هـ.ش. رشد، تهران، ۱۳۸۳.



خوب بچه‌ها! به خاطر این که مربی ورزش نداریم  
و درس ریاضی تون عقبی مونده. از ورزش خبری  
نیست. توی کلاس می‌مونیم و ریاضی تشریح  
می‌کنیم.



په! اکبر آقا! کلاس دوم ورزش دارن. مربی هم  
ندارن. بی زحمت بپوشون تو حیاط چند تا کد  
به این توپ بزنن. بلکه آروم بشن.

مربی‌ان تربیت بدنی مدارس باید از میان افراد  
متخصص و آموزش دیده انتخاب شوند.

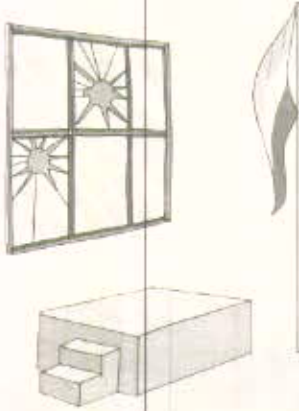


در ابتدای کلاس تربیت بدنی، دانش‌آموزان باید با انجام حرکات  
گرمشی و کششی بدن خود را آماده کنند.



# تجرباتي: ۲۰

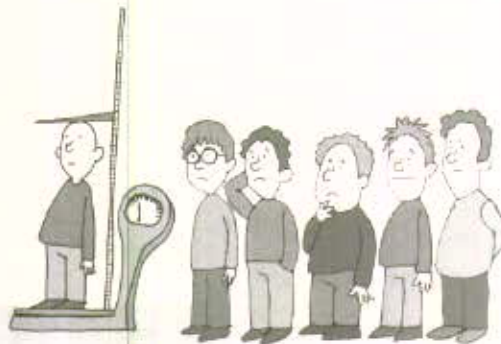
په منظور پيش کيږي از حوادث ناگوار، محل ورزش دانش آموزان بايد محيطي کاملا امن و عاري از هرگونه موقعيت حادثه ساز باشد.



غير از فوتبال، ورزش هاي ديگري هم در دنيا وجود دارد که مي توان دانش آموزان را با آنها آشنا کرد.



نه! اين يکي هم به درد رضا زاده شدن نمي خوره.



يکي از وظيفه مربي تربيت بدني، کشف استعدادها و هدايت آنها در مسير صحيح است.



# بی سواد بی سواد!

## باز هم بی سواد!

**محمد حسن خان اعتماد السلطنه** در یادداشت‌های روزانه خود راجع به بی سواد و بی اطلاعی او می‌نویسد: «۶ رجب ۱۲۹۸: در نهار، **عبدالملک** صحبت انداخت که سفیر عثمانی تعریف از شاه می‌کرده است، خانه **میرزا سعیدخان (مؤمن الملک)**، وزیر امور خارجه، شاه فرمودند که استعجاب کرده بوده است! امین السلطنه که سبب ترقی او زشتی صورت و خرافت سیرت است، شخص بی سواد و بی فهمی است؛ جز خنده قاعده، معلومات دیگری ندارد و سالی سی هزار تومان مداخل دارد، دو سه بار پرسید: استعجاب چه معنی دارد؟

بالاخره من به تگ آمدم و گفتم: حیوانی است که چهار گوش و سه چشم دارد خیلی خفیف شد»  
و البته جین آدم بی سواد، به مناسبت خویشی با امین السلطان، مشاغلی چون خانه‌داری خاضی و تدارکات عسکریه را نیز اشغال کرده بود که بسیار پردرآمد بود.

## اگروزهای خراب!

در زمانی که بود جمهوری تازه فرمانده لشکر یکم شده بود، ارتش چند اراکه زره‌پوش از آلمان خریداری و وارد کشور کرد.  
با رسیدن زره‌پوش‌ها، رضاشاه به فرماندهان ارشد دستور داد تا با ابزار و آلات واحدهای مکانیزه، مانند زره‌پوش‌های تازه خریداری شده، آشنایی حاصل کنند به همین خاطر **کریم آقاخان بوذرجمهری**، یک روز تمام وقت خود را صرف پرسسین و آشنایی با قطعات زره‌پوش‌ها کرد، افسر

در عصر قاجاریه حتی بی سوادترین و بی‌ماده‌ترین افراد می‌توانستند به بهانه داشتن نسبت با صدر اعظم و یا وزیران و شاهزادگان، به مقامات مهم برسند. یکی از این افراد که در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به مقام‌های مهمی نظیر «اداره بیوتات سلطنتی» و «تدارکات قشون» رسید **حاج محمدعلی خان امین السلطنه** بود. وی ابتدا شوهر خواهر **امین السلطان** (انابک) بود و بعد داماد مظفرالدین شاه شد. دختر انابک را هم به عقد ازواج پسر بزرگ خویش **خازن الدوله** درآورد. این شخص مردی بی سواد و عامی بود. آقای **مهدی بامداد** در کتاب شرح حال رجال ایران می‌نویسد:

«در باب بی سواد و عامی بودن او، یکی از اشخاصی که با وی محشور بود، به نگارنده نقل کرد و می‌گفت که حاج امین السلطنه به قبری عوام و آمی بود که غالب الفاظ را به غلط انا می‌کرد؛ از آن جمله می‌گفت: در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۶ خورشیدی) که در تهران تراموایی اسی ایجاد شده بود، یکی از روزها که [در خانه] روضه‌خوانی داشت، به روضه‌خوان گفت: امروز خوب است برای من روضه تراموای بخوانی.

روضه‌خوان از این حرف او خیلی تعجب کرد و متحیر گردید که روضه تراموای چه روضه‌ای است و پیش خود تصور کرد که ممکن است برای تراموای هم به تازگی روضه‌ای درست شده باشد و یا درست کرده باشند و او مسوق نیست. بعد معلوم گردید مقصود وی از روضه تراموای، روضه **ظرم‌احمد بن عدی** از اصحاب امیرالمؤمنین **علی و حسین بن علی** علیهما السلام است.»

بهداشت مدرسه

دکتر احمد مختاریان  
پزشک و دبیر منطقه ۲ تهران

# بخوریم یا نوش جان کنیم

به همین دلیل، بعضی دانش‌پنداران مواد غذایی را به پنج دسته تقسیم می‌کنند:

۱. قندها = کربوهیدرات‌ها = هیدروکربن‌ها
۲. چربی‌ها = لیپیدها = روغن‌ها
۳. پروتئین‌ها
۴. ویتامین‌ها
۵. مواد معدنی

● **قندها:** ترکیباتی هستند که غالباً فقط از کربن، هیدروژن و اکسیژن ساخته شده‌اند. مزه آن‌ها شیرین است. مهم‌ترین قندها شکر (ساکارز)، قندهای موجود در میوه‌ها (فروکتوز)، قند شیر (لاکتوز) و نشاسته (قند موجود در برنج و سیب زمینی) هستند. ارزش غذایی قندها در تولید انرژی سریع آن‌هاست. هر گرم قند، تقریباً چهار کالری انرژی تولید می‌کند. معمولاً قندها ارزش ساختمانی ندارند.

● **چربی‌ها:** ترکیباتی هستند که مانند قندها فقط از کربن، هیدروژن و اکسیژن ساخته شده‌اند، ولی برخلاف قندها شیرین نیستند. مهم‌ترین چربی‌ها کلسترول و تری‌گلیسریدها هستند. چربی‌ها به دو دسته با منشأ حیوانی و گیاهی تقسیم می‌شوند. ارزش غذایی آن‌ها بیشتر در زمینه تولید انرژی است. معمولاً هر گرم چربی، حدود ۹ کالری انرژی تولید می‌کند. البته چربی‌هایی مانند کلسترول، ارزش ساختمانی دارند و حضور و میزان کافی آن‌ها در بدن برای تثبیت و استحکام و اعطای پدیداری دیواره سلولی و رگ‌ها ضروری است. هر گونه تغییر در مقدار کلسترول، باعث تغییرات زیان‌آور در دیواره سلولی و رگ‌ها می‌شود.

● **پروتئین‌ها:** ترکیباتی هستند که از کربن، اکسیژن، هیدروژن و نیتروژن ساخته شده‌اند. پروتئین‌ها به دو دسته با منشأ حیوانی و گیاهی تقسیم می‌شوند. ارزش غذایی پروتئین‌ها بیشتر جنبه ساختمانی است و در تولید انرژی سهم جدی ندارند.

● **ویتامین‌ها:** ترکیباتی هستند با ساختمان‌های گوناگون که به مقدار کم مورد نیاز بدن هستند و غالباً در تنظیم فعالیت‌های سلولی نقش دارند. ویتامین‌ها به دو دسته محلول در آب (ب-ت) و محلول در چربی (ا-د-ای-ک) تقسیم می‌شوند. ارزش تولید انرژی

وقتی به ساختمان بدن انسان و دیگر جانوران نظر کنیم، درمی‌یابیم که یکی از گسترده‌ترین و بزرگ‌ترین دستگاه‌ها در بدن آن‌ها دستگاه گوارش است. این دستگاه در حالت کلی از چند بخش اصلی تشکیل شده است: دهان، نوله گوارشی و غدد گوارشی. دستگاه گوارشی در انسان به طور مشخص مرکب از دهان، دندان‌ها، زبان، مری، معده، روده باریک، روده فراخ و غدد گوارشی بزاقی، لوزالمعده، کبد، کتسه صفرا و غدد درون ریز است. وظیفه‌های اصلی این دستگاه عبارتند از: ۱. هضم غذا و ۲. جذب غذا.

زمانی این دو وظیفه به خوبی برآورده خواهند شد که دو عامل وجود داشته باشد. یکی این که اجزای دستگاه گوارش سالم باشند و بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند و دوم این که آن چه وارد آن می‌شود، از ویژگی‌های قابل قبول یک ماده غذایی بهره‌مند باشد. سلامت و بهداشت این دستگاه در شماره‌های پیشین بررسی شد. بحث ما در این نوشتار ویژگی‌های ماده غذایی مناسب است.

تعریف بسیار ساده‌ای که می‌توان برای غذا ارائه کرد، چنین است: «هر ماده شیمیایی که از طریق دستگاه گوارش وارد بدن شود و بتواند نیازهای بدن را در زمینه انرژی و مواد ساختمانی برطرف کند، غذا نامیده می‌شود.»

بسیار هر ماده شیمیایی که فاقد این دو کارکرد باشد، غذا محسوب نمی‌شود. برای مثال، سم‌ها، داروها و واکنش‌ها غذا نیستند زیرا در تأمین انرژی و مواد ساختمانی بدن نقشی بر عهده ندارند. منظور از مواد ساختمانی، ترکیباتی هستند که در ساختمان اجزای بدن وارد می‌شوند، مانند فسفر که در ساختمان کروموزوم‌ها دیده می‌شود و با آمینو اسیدها که در ساختمان ماهیچه‌ها حضور دارند به این برسند. مواد غذایی به چند گروه تقسیم می‌شوند:

۱. موادی که فقط تأمین انرژی را به عهده دارند؛ مانند برخی قندها و چربی‌ها
۲. موادی که فقط تأمین مواد ساختمانی بدن را عهده‌دار هستند؛ مانند پروتئین‌ها، ویتامین‌ها و مواد معدنی
۳. موادی که هم در تولید انرژی و هم در تأمین مواد ساختمانی بدن دخالت دارند؛ مانند برخی چربی‌ها (کلسترول)

مربوطه مرتباً توضیح می‌داد که این فرمان است. این شاسی این موتور، و این عیاشات است. این دالکو و این هم «اگزور» است.

عبارت «اگزور» در ذهن بود. جمهوری نقش سست و به بادش ماند. در آن ایام هر جبهه یکی دو بار مانور لشکر انجام می‌شد و غالباً هم سنا با وایمن‌دش (محمد رضا) می‌آمد و تمرین. که به اصطلاح انگلیسی «اگزورسایس» گفته می‌شد. نمایش می‌کرد. در یکی از روزها وقتی افسر مربوطه گزارش داد که هنگ سوم لشکر یکم برای «اگزورسایس» رفته است، بود. جمهوری با ساقه قلی که از کلمه «اگزور» داشته، به فکر فرو رفت. ولی چیزی نگفت. زیرا سیهوت بود چه‌طور این کلمه این جور در جاهای متفاوت به کار می‌رود و غافل از اختلاف تلفظ آن‌ها بود.

بدین جهت، روز بعد که باز تمرین برگزار و کلمه سران لشکر و وزیر جنگ و رئیس ازگان حرب هم در محل مانور حاضر بودند، به محض آن که تمرین ضعیف از کار درآمد و حاضران از مانور بد و خراب‌کاری سربازان ابراز ناراحتی کردند، بود. جمهوری که بسیار ناراحت شده بود، فوراً افسران را خواست. در حضور جمع آن‌ها، چند قدم عقب و جلو رفت و گفت: «شما بدسوخته‌ها امروز آبروی مرا بردید. آخر این چه وضع کار است؟ مخصوصاً در روزی که باید بهتر عمل کنید «اگزورتان» خراب است و انسان شرم دارد به آن نگاه کند!»

### سر لشکر مستهلک شده!

سر لشکر کریم آقاخان بود. جمهوری به علت بی‌سوادی همیشه سعی داشت لغات مشکل و جدید را که می‌شنید به خاطر بسیاری و برای اظهار فضل، در موقع خود آن را برای دیگران بازگو کند. از قصه روزی موسیو مکروویچ خان (رئیس حسابداری شهرداری تهران) ضمن تقدیم صورت حساب سال گذشته، گفته بود: «قربان! برای حفظ آبروی خود بلذیه هم که شده، باید کاری کرد تا حساب بدهکاری‌های بلذیه هر چه زودتر مستهلک شود.»

بود. جمهوری عبارت «مستهلک» را به خاطر سپرد و از آن پس در بی‌فرستی بود تا به عیاشی رؤسای شهرداری را احتضار و دانستن این لغت را به رخ آن‌ها بکشد!

اتفاقاً در همان تاریخ از سوی رضاشاه بهلوی احتضار شد. شاه از وضع شهر و ساختمان‌های خراب و خیابان‌های کثیف اظهار نارضایتی کرد. بود. جمهوری پس از مراجعت از تبار فوراً به شهرداری رفته، رؤسای تبار را جمع کرد و

ناراحتی رضاشاه را به اطلاع آن‌ها رساند. در این حین بادش آمد که واژه مستهلک را باید به هر نحوی شده به کار ببندد! این بود که در ادامه سخنان خود گفت: «من از شما توقع دارم کاری کنید که شهر تهران وسیع آبرومندی پیدا کند و این بار که حضور اغلا حضرت همایونی شرفیاب شدم، تهران به طور کلی مستهلک شده باشد تا آبروی ما جلوی خودی و بیگانه نریزد!»



### بی‌نوشت

۱. مهین، دست‌نویس‌های روزی از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۹  
 ۲. بود. جمهوری که از آن زمان بود. سلطنت رضاشاه مستهلک شده لشکر اول  
 ۳. همین بود. جمهوری تهران بود. و سواد عالی و بلاغت از سروروش می‌برد  
 ۴. لغت بیگانه‌ها که در آن روز به موسیو مکروویچ، عامل آن بود حکایتی عجیب  
 علی بن ابی‌طالب



**تغذیه کامل، مناسب و صحیح، تغذیه‌ای است که بتواند انرژی و مواد ساختمانی را متناسب با سن، جنس و نوع فعالیت‌های بدنی فرد تأمین کند**

مواد زیر برای همیشه قهر کنید: سس، کالیاس، سوسیس، غذاهای پرچربی، کیک خامه‌ای و نوشابه (کوکا و...) در مقابل رابطه‌ای صمیمی با ماست، دوغ، سبزیجات تازه و خشک شده) و به ویژه کشک برقرار کنید. حتماً پس از صرف ناهار و شام، مقداری میوه به عنوان دسر بعد از غذا میل کنید. در مورد میوه‌ها سعی کنید حتماً میوه همان فصل را بخورید، نه میوه خارج از فصل را. تا حد امکان میوه‌ها را پس از شستن با پوست بخورید (حجالت نکشید).

۴. شام را شبیه ناهار میل کنید. خیال نکنید که شام خیلی سبک غذای مناسبی است. بهترین زمان صرف شام حدود ساعت ۱۹ تا ۲۰ است.

۵. در انتهای شب، قبل از خواب، مقدار بسیار کمی میوه یا شیر بخورید.

**چند نکته**

- \* هنگام درس خواندن در منزل، سعی کنید حتماً مقداری خرما یا کشمش کنار خود داشته باشید.
- \* استفاده از لیمونرش و دیگر ترشی‌ها در هضم و جذب غذا تأثیر فراوان دارد.
- \* پس از هر وعده غذایی اصلی، بهتر است چند دقیقه به صورت درازکش استراحت کنید.
- \* از پرخوری بپرهیزید.
- \* از ریزه‌خواری بپرهیزید.
- \* از درهم و برهم خوردن بپرهیزید.
- \* غذا را کاملاً و حداقل یک دقیقه بجوید.
- \* لقمه‌ها را کوچک بردارید.
- \* از خوردن سوپ و آش غافل نباشید، اما حجم آن کم باشد.
- \* تا حد امکان بیشتر مسیر خانه تا مدرسه و مدرسه تا خانه را پیاده طی کنید.
- \* بهتر است بلافاصله بعد از ناهار یا شام چای نوشید، زیرا مانع جذب عناصر فلزی به ویژه آهن می‌شود.
- \* غذاهای دارای حبوبات و ترکیبات گیاهی، به مراتب بهتر از غذاهای گوشتی هستند.
- \* اگر کجند و یا روغن آن را در رژیم غذایی خود وارد کنید، از فواید آن بهره‌مند خواهید شد.

آن‌ها نزدیک به صفر است. پس خوردن آن‌ها قدرت فرد را افزایش نمی‌دهد.

● **مواد معدنی:** ترکیباتی هستند که در ساختمان آن‌ها کربن وجود ندارد. این مواد نیز به مقدار کم مورد نیاز بدن است و غالباً در ساختمان سلول‌های بدن و تنظیم فعالیت‌های سلولی نقش‌های جدی دارند. مهم‌ترین آن‌ها سدیم، پتاسیم، کلسیم، آهن، کلسیم، منیزیم، فسفر و روی هستند. این مواد ارزش انرژی‌زایی ندارند! مغز فسفر نمی‌سوزاند، بلکه قدر را به انرژی تبدیل می‌کند!

با توجه به این توضیحات درمی‌یابیم که غذای مناسب و کامل، غذایی است که نسبت درستی از ترکیبات پنج‌گانه بالا را داشته باشد.

تغذیه کامل، مناسب و صحیح، تغذیه‌ای است که بتواند انرژی و مواد ساختمانی را متناسب با سن، جنس و نوع فعالیت‌های بدنی فرد تأمین کند. هر کسی که از تغذیه فوق بهره‌مند باشد دچار «سو تغذیه» است. متناسبه در جامعه گویای بشری، اکثر قریب به اتفاق مردم، دچار این بلا و مصیبت سلامتی‌سوز هستند. چاقی و لاغری مفرط، از موارد سو تغذیه محسوب می‌شوند. بهترین راه‌حل برای برطرف کردن معضل سو تغذیه، رعایت دو نکته است:

۱. افزایش آگاهی مردم درباره انواع مواد غذایی.
۲. ایجاد تغییرات بنیادین در شیوه‌های تغذیه‌ای.

امید است مطالبی که در ادامه این نوشتار می‌آید، بتواند همه ما را در رهایی از «سو تغذیه» یاری کند. اجرای دو نکته ذکر شده، نیازمند همت، پشتکار و هم‌جنس اراده استوار و از همه مهم‌تر جسارت و روشن‌بینی و ترسین و دلیری است. نبود این پنج عامل باعث شده است تا تقریباً همه انسان‌ها از تغذیه سالم، صحیح و کامل برخوردار نباشند. به هر روی، آن‌چه که فعلاً وظیفه نویسنده مقاله است، فقط ذکر پاره‌ای نکات است که دانش‌آموزان باید در مدرسه و منزل در زمینه تغذیه رعایت کنند.

۱. حتماً صبحانه‌ای کامل میل کنید. هر چند دیگران چنین می‌کنند. بهترین زمان صرف صبحانه، حدود ساعت ۶ بامداد است. صبحانه کامل حداقل حاوی ۱۰ تا ۱۵ لقمه متوسط و شامل مقداری نان، کره، عسل یا مربا، پنیر، گردو، شیر و مقدار کمی جای است. بهتر است هر یک روز در میان، یک عدد تخم مرغ (آب پز یا نیمرو) به صبحانه اضافه شود تا حداکثر از شکر استفاده نکنید.
۲. حتماً از میان وعده‌های سبک و پر انرژی استفاده کنید. بهترین زمان حدود ساعت ۹ تا ۱۰ صبح است. در میان وعده، بهتر است فقط از ترکیبات دارای هیدروکربن‌ها مانند خرما، کشمش، انجیر خشک، آجیل‌های بو نپزاده (حام) و یک عدد میوه فصل استفاده کنید. هرگز و هیچ‌گاه به ویژه در مدرسه، از بیسکویت، جیس، بیک، شکلات، آب‌انبات، فرب بوداده (پاپ‌کورن) و امثال آن‌ها استفاده نکنید.
۳. ناهار را سبک و حتماً متنوع میل کنید. بهترین زمان حدود ساعت ۱۲ تا ۱۴ است. مادران گرامی توجه داشته باشند که غذاهای متنوع سستی ایران عزیز را تهیه ببینند. مادران هنرمند حداقل طی مسدود هفته (۱۵ روز) غذای تکراری نمی‌پزند. سعی کنید مقدار مصرف ماکارونی، ساندویچ، برنج و گوشت را به حداقل ممکن برسانید. از مصرف ماهی در دفعات غافل نباشید. توصیه می‌شود با

# یک دانه نور یک خرمین آفتاب

گفتگو: فاطمه رضایی

گفتگو با بیژن مرادی، مدیر مدرسه استان شیراز

رضایت خدا و شادی خلق او را در نظر دارند، برای ما غریب یا شاید غیرممکن است، اما آن‌ها یک نمونه کوچکش را ساخته‌اند و امیدوارانه به آینده‌ای چنین فکر می‌کنند. این افقی است که آیات قرآن بیش روی آنان گشوده است. آقای «بیژن مرادی»، مدیر مدرسه راهنمایی غیردولتی شهید چمران، خود در این باره می‌گوید:

از حدود سی سال پیش که معلم مترجم شدم، در دهه بود که آیات قرآن برای عمل کردن است و به این فکر می‌کرده که تلاش کنم حداقل ده آیه را به عمل درآورم. ده سال قبل که با دست خالی مجبور تأسیس مدرسه را گرفته، به دنبال عملی کردن این آرزو بودم. اول از هر کاره طریقی به سرف «قولوا للناس حسنی» از سوره بقره که مردم را به زیبا سخن گفتن دعوت می‌کند، بوجوانان مدرسه را با نام‌های نیکو صدا کرده‌ام: دوست من، رفیق من، مرد من، یار امام زمان (عج) و یار امام حسین (ع). خداوند نا آن عظمت، حضرت ابراهیم (ع) را یار خودش (خلیل الله) صدا می‌زند. از من مدیر چیزی کم نمی‌شود که دانش آموز مدرسه را دوست خودم خطاب کنم.

در آغاز ماه محرم بودیم. طبل و سنج بچه‌ها کنار زمین فوتبالشان بود. آن‌ها که هر یک هفته در میان برنامه رفتن به استخر، باغ، جاهای دیدنی شیراز و... را دارند، امروز بیرون آمده‌اند تا در هوای باز نوحه‌خوانی و سینه‌زنی کنند؛ شاید برای این که مزاحم همسایه‌های مدرسه نشوند. بعد دور هم آتش نذری بخورند و آخر سر هم با بازی و تفریح، خستگی پانزده روز درس خواندن را از تن به در کنند. شنیده بودیم که مدرسه آقای مرادی به شکل ویژه‌ای توسط خود بچه‌ها اداره می‌شود. پس در این مورد از ایشان سؤال کردیم.



در کوهپایه‌های شهر شیراز اورا یاد دانش آموزانش دیدیم. در جاده‌ای خاکی و زمینی که قرار است تا چند سال آینده خیابان و پارکمان شود. اما برای او و بچه‌هایی که در آن زمین مشغول فوتبال بودند، فرقی نمی‌کرد. آن‌ها نه به یک خانه و شهر، که به ساختن دنیایی فکر می‌کردند که «آرمان شهر» انسان‌های بزرگ در طول قرن‌ها بوده است. تصور ساختن دنیایی که در آن انسان‌ها به هم اعتماد کامل دارند، همدیگر را با نام‌های نیکو صدا می‌زنند، و در هر قدمی که برمی‌دارند و هر کلامی که بر لب می‌آورند،



## آقای مرادی، آیا مسئولیت‌های مدرسه بین بچه‌ها تقسیم شده است و هر کدام وظیفه‌ای معین دارند؟

نه. همه در همه کارها سهیم هستند. «النظافة من الایمان» از دستور العمل‌های اولیه اسلام است و شعار مدرسه ماست؛ طوری که ما سرایدار یا یابای مدرسه نداریم. همه موظفانند کلاس و مدرسه را تمیز نگاه دارند. کلاس‌ها موقت شده است و بچه‌ها کفش‌های خود را درمی‌آورند. اگر چند وقت یک بار مدرسه به گردگیری و جارو نیاز داشته باشد، از بین بچه‌ها افرادی داوطلب می‌شوند و کار را انجام می‌دهند. بعد از گذشت ده سال، یک میز یا صندلی پیدا نمی‌کنی که روی آن خطی کشیده شده باشد. بچه‌ها هر کدام مسئول کار خود و نیز امور مدرسه هستند. تلفن زنگ می‌زند از دانش‌آموز می‌خواهم جواب دهم. کسی به مدرسه مراجعه می‌کند از یکی از بچه‌ها می‌خواهم که مؤدیانه سلام دهد و سؤال کند با چه کسی کار دارند. من و همکارانم راهنما و مشاور هستیم و کار سازمان‌دهی و کنترل را بر عهده داریم.

فروشگاه مدرسه فروشنده ندارد. قیمت اجناس مشخص شده است. هر کس مراجعه می‌کند، جنس خود را برمی‌دارد و پولش را می‌گذارد. در این سال‌ها، یک مورد خطای عمدی از آن‌ها ندیدم.

## آقای مرادی، صمیمیت محیط شما می‌تواند به خاطر تعداد کم دانش‌آموزان باشد؟ این که شما می‌توانید هر صبح با بچه‌ها دوستانه دست بدهید و احوال‌پرسی کنید، یا آن‌ها را از روی کفش‌هایشان حضور و غیاب کنید، آیا به این علت نیست که تعداد آن‌ها کمتر از شصت نفر است؟

یک زمانی ۱۲۰ دانش‌آموز داشتیم و بعد از آن ۳۰۰ نفر. صاحب مکان قبلی امتیاز گرفت و خودش مستقل شد. دو سال پیش، بعد از مراجعه بسیار به استانداری و تقاضای جا و زمین، در نهایت باعجه کوچکی را اجاره کردم و سه کانکس شش در چهار مخصوص کلاس خریدم و امسال یک کلاس اول و دو کلاس دوم دارم. روش کار ما در این چندین سال، با تغییر تعداد دانش‌آموزان، عوض نشده است. بچه‌های ده سال پیش من امروز سال دوم دانشگاه هستند. از اکثر آن‌ها خبر دارم. نشانی و شماره تلفنشان را دارم و گاه به خانه‌هایشان می‌روم. سالی یک بار آن‌ها را با دانش‌آموزان مدرسه در باغی و مکانی دور هم جمع می‌کنم تا از خاطراتشان برای بچه‌ها بگویند.

## بچه‌ها وقتی از این دنیای کوچک و زیبا به دنیای واقعی که کاملاً متفاوت است پا می‌گذارند، دچار مشکل نمی‌شوند؟ این مدینه فاضله با دنیای بیرون خیلی متفاوت و بلکه در تناقض نیست؟

پیش از این در جواب چند استاد دانشگاه که برای دیدن مدرسه آمده بودند و همین نظر را داشتند، گفتم: فعلاً همین از دست من بر می‌آید. اگر همین را هم کنار و دست روی دست بگذارم، چگونه باید جوابگوی کاری باشم که می‌توانستم و انجام ندادم. سعی می‌کنم تا آن‌جا که در حد فهم بچه‌هاست تفاوت دنیای بیرون را به آن‌ها یادآوری کنم. تلاشم این است که بتوانم آن‌ها را تا شکل‌گیری کامل شخصیتشان تا دبیرستان، همراهی کنم.

## تا پایان دبیرستان هم که آن‌ها را همراهی کنید، باز وارد محیط اجتماع می‌شوند. یک نفر با این تعالیم، میان مردمی که آموخته‌های او را ندارند، چه می‌تواند بکند؟

من معتقدم با یک گل هم بهار می‌شود. صبر و حوصله و استقامت می‌خواهد. دقیقاً آن‌جا که فکر می‌کنی به شب سیه و ناامیدی رسیدی، صبح سفید طلوع می‌کند. یک بار بچه‌ها را به حوزه علمیه بردم. روحانیون با فاصله نشسته و در حال امتحان دادن بودند. چند نفر هم در جلسه مراقب بودند. بچه‌ها با تعجب پرسیدند چرا این‌ها با فاصله نشستند و مراقب دارند؟ مگر روحانی نیستند؟ دانش‌آموزان من همیشه کنار هم نشستند و امتحان داده‌اند. در طول این ده سال، فقط یک نفر تقلب کرد که آن هم کار و حرفش درسی برای من بود. همیشه می‌گفتم تقلب ضایع کردن حق دیگران و نابودی آینده خود است. تقلب دانش‌آموز را دیدم و چیزی نگفتم. فردای آن روز آمد و گفت: اگر چیزی بگویم، مرا کتک نمی‌زنید؟ گفتم: هیچ وقت کسی را کتک نزنم. گفتم: به من دست دهید و قول دهید که عصبانی هم نمی‌شوید. چون برای شما و زن و بچه‌تان بد است! از من بیعت گرفت. عصبانی نشوم، چون نگران زن و فرزند من بودم. ادامه داد: من تقلب کردم. دیشب به کارم فکر کردم و پشیمانم. اگر به من صفر ندهید، به همه بچه‌ها می‌گویم و بعد از این مدرسه می‌روم.

بچه‌ها روزی یک ساعت در مدرسه می‌خوانند. این استراحت و خواب نیست. در حالی که دراز کشیده‌اند، من جریانات مربوط به عالم دیگر را به آن‌ها یادآوری می‌کنم. از پل صراط و حق الناس می‌گویم. تا توان داشته باشم و نور آمیدی و یک دانش‌آموز باشد، ادامه می‌دهم.

## در کنار این تعالیم، والدین آن‌ها نیز آموزش می‌بینند تا بچه‌ها کمتر دچار دوگانگی محیط شوند؟

ابتدای سال کتابی برای مطالعه به والدین می‌دهم. از آن جایی که تدریس بعضی درس‌ها مثل دینی و تربیتی با خودم است. زیر سؤال‌هایی که به بچه‌ها می‌دهم تا به خانه ببرند. پرسشی برای والدین نیز می‌نویسم. جای پاسخ آن را هم در

نوجوانان مدرسه را با نام‌های نیکو صدا کرده‌ام: دوست من، رفیق من، مرد من، یار امام زمان (عج) و یار امام حسین (ع)

بعد از گذشت ده سال، یک میز یا صندلی پیدا نمی‌کنی که روی آن خطی کشیده شده باشد

با بچه‌ها باید زیبا سخن گفت. حتی به کار بردن لفظ معمول «شیطان» برای بچه‌ها درست نیست



بگ دست و قوی کار می کنند، ما معدل ۱۴ هم داریم و گفته ایم که در این مدرسه نمره بخود به دانش آموز نمی دهیم، چرا که ظلم در حق جامعه و خود او محسوب می شود. هنگام پذیرش، حدود یک ساعت شرایط مدرسه را برای والدین توضیح می دهیم، اتفاقاً دنبال خانواده هایی هستیم که هنگام مراجعه، از ظاهرشان پیداست که خیلی مذهبی نیستند اگر بتوانیم ذهن این افراد را یک درصد هم به موضوع دین معطوف کنیم، شاید توانسته باشیم قدمی بزرگ برداریم، بود و نه درصد از دین ما حاذبه است.

### وقتی خانواده ها خیلی مذهبی نباشند، دانش آموز دچار تناقض بین محیط خانه و مدرسه نمی شود و آزار نمی بیند؟

نه، بچه هایی را با این شرایط داریم که بیشتر روی خانواده ها بشان تأثیر گذار بوده اند. یکی از والدین تعریف می کرد در شب بیدار، در منزل یکی از اقوام مهمان بودند جمعیت در کنار پذیرایی و صحبت و خنده، به تمامی ماهواره هم مشغول بودند که فرزندشان مقابل صفحه بزرگ تلویزیون می ایستد و با مهربانی و لحنی می گوید: حیف از جثمان زیبای شما نیست که این صحنه ها را می بیند؟ همین حرف تعدادی را از جلوی تلویزیون بلند می کند.

از بچه ها خواسته ام اگر خواستند چیزی را به بزرگترها بگویند که نمی توانند و ممکن است به آن ها گفته شود بچه ای، نمی دانی و... بگویند: مرادی این را گفته.

با بچه ها باید زیبا سخن گفت، حتی به کار بردن لفظ معمول «شیطان» برای بچه ها درست نیست، شیطان را نکرده درگاه خداست و انسان خلیفه خدا! بچه ها را از خدا نمی توان دور کرد **غیر از جنبه های مذهبی، اخلاقی و تربیتی بچه ها و در کنار رفتارهای زیبایی مثل هم یاری و اعتماد متقابل و امثال آن، چه فعالیت های علمی و آموزشی دیگری دارید؟**

ساعت آموزشی ما از هفت صبح تا پنج بعدازظهر است، به همین نسیه، ساعات درسی ما نیز بیشتر است. مثلاً به جای پنج ساعت ریاضی، در هفته نه ساعت ریاضی داریم و با علوم به جای چهار ساعت در هفت ساعت ارائه می شود این ها درس هایی است که به آن ها علوم پایه می گویند، به نظر من، ورزش هم پایه است تلاش داریم همه درس ها به شکل شایسته و لازم آموزش داده شوند.

**کم کم به ما نشین رسیده بودیم و باید با بچه ها خدا حافظی می کردیم، به آقای مرادی غبطه می خوردم که چه زیبا در دل بچه ها نشسته است و به تبع آن در دل خدا، شکر کرد معلمی را از انبیا اموخته و کلام خدا را در زمین مستعد دل بچه ها کاشته تا بهترین ثمر برداشت کند.**

کتاب تعیین می کنم که با مراجعه به فلان صفحه از این کتاب، به جواب می رسید صفحاتی را تعیین می کنم که سوال برانگیز باشد و پدر و مادرها علاقه مند شوند یکی دو صفحه دیگر را با آن نگاه کنند تا آخر سال، ده مرتبه، ده سوال از والدین می پرسم و به این ترتیب قسمت های مهم کتاب خوانده می شود.

### آیا بچه ها هنگام ثبت نام، از نظر درسی یا مذهبی بودن خانواده ها گزینش می شوند؟

خیر، بعضی مدارس بچه ها را از غیرسال معدل، از من و وضعیت مالی و میزان هم یاری والدین و... می گذرانند. بچه های بیش فعال و مشکل دار را هم کنار می گذارند و با دانش آموزان

# عشرت با محمد

## مهدی مروجی

می‌تواند تا حدودی ناشی از انتظارات برنامه‌داری باشد که موجب شده بود آنان بدون داشتن وقت کافی برای انجام تکالیف به سوالات پاسخ گویند و یا در اثر نبودن فرصت برای خلوت کردن با خود نتوانسته بودند به استعدادها و توانایی‌های خود پی ببرند.

متأسفانه این شناخت‌زدگی به نوعی در معلمان تحت پوشش طرح نیز احساس می‌شد بدین معنا هم‌چنان که اشاره شد، کافی نبودن زمان و شتاب برای عقب نماندن از اجرای برنامه‌ها طبق آیین‌نامه‌ها - بدون در نظر گرفتن موقعیت‌های جغرافیایی - آنان را سخت‌نگران کرده بود که نکتند در موقع مقرر نتوانند برنامه‌های درسی را آن‌طور که آیین‌نامه‌ها خواسته‌اند اجرا کنند به همین جهت وقتی به طور صمیمی بای صحبت آن‌ها می‌نشستی، هم‌هواش سخن از نبود فرصت بود و یا کاهش حجم محتوا و یا این که کارها باید به سرعت انجام گیرند.

«عجله» افزون بر مدرسه، خانواده را هم در نوردیده است. زیرا فقر زمان را در پرستش‌نامه‌های والدین دانش‌آموزان تحت پوشش این طرح نیز به طور ملموس دریافت کردم.

جای شگفتی این‌جاست که ما در حالی زیر فشارهای ناشی از «عجله» دست و پا می‌زنیم که آموزه‌های دینی‌مان، به طور مکرر ما را به تفکر، تأمل و تدبیر در انجام کارها توصیه می‌کنند باید توجه کرد، تفکر و تأمل، از طرفی برخلاف «عجله» زمان بر است و از سوی دیگر، به فرمایش امام علی (ع) مبدأ بصیرت و کلید هدایت آدمی است و تولید علم را در پی خواهد داشت.

به زعم ایشان، عملی که در آن تفکر و تدبیر نباشد، ارزشی ندارد و خیری در آن نیست. تفکر است که علم فرد را به فهم تبدیل می‌کند. تأمل و تدبیر، رشد تکامل و شکوفایی استعدادهای انسانی را در پی دارد و غفلت از آن‌ها موجب از دست دادن سرمایه می‌شود. بنابراین، با این سرعت محوری نباید توقع داشت که دانش‌آموختگان ما در مسائل روزمره زندگی فردی و اجتماعی، چون اتساع‌هایی فکور و مسئول تصمیم بگیرند و عمل کنند!

اگر خواهان فراگیرندگانی با تفکر مستقل و مسئولانه، زرف‌نگر با تواضع علمی، منظم، متفکر به دیدگاه‌های فردی خود استعطف‌پذیر و در یک کلام مؤمن و متعهد هستیم، اگر خواهان تعدیل بسیاری از مشکلات جامعه چون اضطراب، فشارهای روحی و فقر زمان هستیم، اگر در این برهه از زمان خواهان جامعه‌ای در خور اسلام ناب محمدی (ص) هستیم، باید مهلت دهی به تکوین ایده‌ها و آموزش همراه با تفکر را که بنیان آموزش و پرورش مولد است. یکی از رویکردهای آموزش و برنامه‌ریزی درسی قرار دهیم و به عنصر هویت‌ساز تفکر ارج بگذاریم. بنابراین باید «چگونگی سرعت» را با تفکر و تدبیر مدیریت کنیم.

مطالعه طرح ارزش‌یابی برنامه‌داری جدید فارسی سوم راهنمایی، از اول اسفند سال ۸۸ به طور رسمی آغاز، و گزارش نهایی آن در ۲۹ شهریور ۸۹ به مرکز اسناد دفتر برنامه‌ریزی و نالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه شد. در مدت نزدیک به هشت ماهی که بنده و همکارانم در تلاش برای تهیه گزارش نهایی بودیم، «مفهومی» که بیشترین فراوانی را در داده‌های پاسخ‌دهندگان یعنی صاحب‌نظران، معلمان، مشاهده‌گران، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و از همه مهم‌تر سفارش‌دهندگان این طرح داشت، مفهوم «عجله» بود. برای نمونه، به این گزاره‌ها توجه کنیم:

- گزارش باید تا اردیبهشت ارائه شود. در غیر این صورت برای برداشش با مشکل مواجه خواهیم شد.

- هر چه زودتر گزارش را ارائه کنید تا برای چاپ به موقع، مشکلی ایجاد نشود.

- فرصت بسیار کمی برای چاپ و انتشار آن داریم. بنابراین باید گزارش نهایی هر چه سریع‌تر داده شود.

- زمان برای ارائه مطالب بسیار کم است و ما ناچاریم آن‌ها را به سرعت انتقال دهیم.

بنده و همکارانم این گزاره‌ها را از عزیزانی که به نوعی این طرح و گزارش نهایی به آن‌ها گره خورده بود، می‌شنیدیم.

بنده همواره با خود می‌اندیشیدم، چرا باید این همه از سرعت استقبال شود؟ و چرا چنین آگاهانه کیفیت را فدای «سرعت» کنیم؟

باید عرض کنیم متأسفانه امروز «سرعت» فقط یک واژه یا مفهوم بنیون بار ارزشی نیست. بلکه یک «علامت اختصاری» برای روش و شیوه‌های زندگی است که بسیاری از اختلالات مثل: سطحی‌نگری، تحلیل‌های بنیون استدلال، فشار، شناخت‌زدگی، بی‌صبری و در نتیجه غالب شدن کمیت بر کیفیت را با خود وارد زندگی ما کرده است. به طوری که می‌توان گفت، این پدیده یکی از موانع مهم رشد و شکوفایی در آموزش و پرورش کشور به حساب می‌آید.

رختۀ ناآسکار «عجله» این ویروس ضدتفکر و عاقبت‌بینی در برنامه‌های درسی، موجب شده است که نعتیها فراگیرندگان نتوانند درباره‌ی چرایی و چگونگی آن‌چه که یاد می‌گیرند، فکر کنند. بلکه معلمان محترم هم (با توجه به مشاهدات و گزارش‌های مشاهده‌گران در نشت استان - به علت ناکافی بودن فرصت و به دلایلی دیگر مثلاً زیاد بودن حجم محتوا که به کم بودن زمان کمک می‌کنند) نتوانند آن‌چه را که باید یاد بدهند، یاد دهند. این معضل آموزشی و پرورشی را نه تنها در مشاهدات، بلکه در نظرخواهی از صاحب‌نظران، معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان تحت پوشش برنامه، دریافت کردم.

افزون بر آن‌ها، در مشاهداتمان، بعضی از دانش‌آموزان را نامطمئن به خود و قابلیت‌هایشان، عصبی و گاهی مضطرب یافتیم. این آسیب‌ها

فارسی

موسسه عالی پژوهش‌های تربیتی



# تعمیر برای زندگی بهتر



ویژنامه آموزشی درسی علوم اجتماعی

ویژگی‌ها و اهداف برنامه درسی تعلیمات اجتماعی

محمد مهدی ناصری

از نویسندگان کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی



برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی آخرین بار در سال ۱۳۸۶ بر اساس سنج تحقيقات به عمل آمده، نظرها و پیشنهادهاي صاحب نظران، دبیران، گروه‌های آموزشی، و بنا بر دانش آموزان مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته است. بر مبنای معیارهایی که در این برنامه به وجود آمده، گنجه‌های درسی تعلیمات اجتماعی این دوره نیز به ترمیم اصلاح و بازبینی مجدد شد و وارد حیطه آموزشی گردید. طراحان این برنامه سعی داشتند تا دانش آموزان را بطریق آشنایی و کاربرد مهارت‌های اجتماعی و کسب نگرش‌های لازم در این زمینه، بعضی از مفاهیم را به دستاورد و نتوانند آن‌ها را در ساختن بهتر موضوعات و مسائل اجتماعی بی‌مفهوم خود به کار گیرند.

برای رسیدن به این اهداف، آگاهی، ویژگی‌ها و اهداف برنامه درسی تعلیمات اجتماعی، روش‌های متفاوت یادگیری، ارزش‌های مورد نظر این برنامه و نیز توانایی به کارگیری آن‌ها در فرایند یاددهی یادگیری، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. در این نوشتار به مروری بر ویژگی‌های برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره درسی اشاره می‌شود. آگاهی از این ویژگی‌ها و موقعیت‌های مطرح شده در کتاب درسی و طریقه مواجهه با آن‌ها در فرایند آموزش می‌تواند در تحقق اهداف برنامه بسیار مؤثر واقع شود.

## ۱. تکیه بر رویکرد یادگیری مشارکتی

آنچه از آنکه آموزش به تعریف رفتار دانش آموزان منجر شود و آن‌ها را در جهت اهداف آموزشی مورد نظر برنامه سوق دهد، تا به حال ذهنی محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سعی شده است که دانش آموزان در کسب مفهوم، مهارت و نگرش مشارکتی داشته باشند. بر این اساس، در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی موقعیت‌هایی طراحی شده‌اند که دانش آموزان را به تعامل و مشارکت وایمی‌دارند. سهم شش دانش آموزان در فرایند آموزش، امکان این تغییر رفتار را فراهم می‌سازد. محتوای درسی‌ها روی یادگیری مستقیم دانش آموزان در کسب مهارت یادگیری تأکید دارد و آنان را به مشارکت و تعامل فعال فرا می‌خواند.

در سازمان‌دهی محتوا و تجربیات یادگیری سعی شده است که از دانش همه اطلاعات در کتاب درسی اجتناب نبود و زمینه برای تحقیق، ابتکار و خلافت دانش آموزان مهیا و از تکیه بیش از حد بر حافظه خودداری شود. از راه‌های متفاوت، فرصت جستجوگری برای دانش آموزان ایجاد شده است. با کشف هدف‌سازی، روشی و

مخلاقه به ادامه کار در آن‌ها به وجود آمده‌اند. همین منظور فعالیت‌های سه‌گانه در هر درس وجود دارد. اجزاء این فعالیت‌ها به صورت گروهی، فردی و دسته‌ای لازم از آن‌ها برای بهره‌وری از دانش درگیران، عاملان یا آن‌ها و در نتیجه کسب مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی، علاوه بر اهداف شناختی برنامه در هر درس است. کسب این مهارت‌ها و نگرش‌ها در موفقیت این دانش آموزان در زندگی اجتماعی بی‌شک اساسی دارد.

تشخیص و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی، نظیر ایمانا با دیگران، احترام، همکاری، همسازي، گوش کردن به حرف دیگران، رعایت نوبت، تراز حسد دفاع از نظر خود با تبرک و دلیل، مسوولیت، ایفای نقش مؤثر در گروه، تحمل برای دیگران، دانسته‌پذیری، سفارش عقاید به افراد، تشویق دیگران، قدرتی از دیگران با دانش نگرش مثبت نسبت به احکام گوناگون به صورت گروهی، از خودگذشتگی، رعایت قوانین و مقررات و سایر ضروریات زندگی اجتماعی به حساب می‌آید و فراگیری آن‌ها، جز از راه تعامل اجتماعی مستقیم از آن‌ها که روش‌های یادگیری مشارکتی، فردی و موقعیت‌های



وبسایت ما آموزش درسی علوم اجتماعی

فعالیت‌های گروهی، یکی از ملاک‌های این نوع از ارزش‌یابی به حساب می‌آید.

با توجه به تأکید بر نامه و کتاب بر مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری، استفاده از روش‌های آموزشی که بر فعال کردن دانش‌آموزان و مشارکت دادن آن‌ها در این فرایند مبتنی است، لازم به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، انجام فعالیت‌های کتاب باید محور همه فعالیت‌های آموزشی در کلاس تعلیمات اجتماعی قرار گیرد.

## ۲. تکیه بر رویکرد پرورش خلاقیت

آن‌چه که در تعاریف «خلاقیت» مشترک است، تأکید بر «توان» عمل خلاقانه است. خلاقیت قابلیت است که به درجات متفاوت در همه افراد وجود دارد و وظیفه ما شکوفا ساختن آن است. اما میزان آن به عوامل متعددی نظیر کوشش و تمرین، پشتکار، روش تفکر، یادگیری مهارت‌های مورد نیاز و... بستگی دارد. برای پرورش این استعداد، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به نکاتی از این دست توجه شده است:

الف) از آن‌جا که دانش‌آموزان برای انجام کار خلاقانه به انگیزه نیاز دارند، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سعی شده است، موضوعات، مسائل و مثال‌ها با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ باشد. توجه به علاقه‌های یادگیرنده سبب برانگیختن میل و رغبت درونی وی می‌شود. او موضوع و مسئله طرح شده را مسئله خود می‌داند و با آن فعالانه برخورد می‌کند.

ب) آموزش مهارت‌های مورد نیاز در انجام کار خلاقانه از عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت است. دانش‌آموزان می‌توانند با انجام فعالیت‌ها، این مهارت‌ها را کسب کنند؛ مهارت‌هایی چون مشاهده دقیق، طرح سوالات مهم، اظهار نظر، طبقه‌بندی موضوعات، تحقیق و بررسی، حل مسئله و...

ج) پرورش تفکر و اگر در انجام فعالیت‌ها از عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت است. به همین دلیل در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، فعالیت‌ها و سؤال‌هایی طراحی شده‌اند که ممکن است پاسخ‌های متفاوتی داشته باشند. برای مثال می‌توان به فعالیت‌هایی که در متن درس با عناوین متفاوت وجود دارند، تعیین عناوین فرعی برای بعضی از درس‌ها، تلاش در پاسخ به عناوین اصلی هر درس که به صورت سؤالی مطرح شده‌اند، تصمیم‌گیری درباره مفاهیم و مطالب مهم و غیرمهم در بخش «خلاصه کنید» (که از انواع فعالیت‌های خوداپرازگرا به حساب می‌آید) و نیز تکمیل نمودارهایی که در پایان بعضی از فصل‌های کتاب وجود دارند، اشاره کرد.

## ۳. تکیه بر یادگیری فعال

اگر یادگیری را تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار انسان تلقی کنیم، این تغییرات جز از طریق فعالیت یادگیرنده حاصل نمی‌شود. در آموزش از طریق فعالیت یادگیرنده، تفکر نقش اساسی دارد. آن‌چه که فرد می‌خواهد بشناسد یا بیاموزد، باید به صورت مسئله درآید. در این روش، فرد به تحلیل موقعیت می‌پردازد تا مسئله مورد بحث یا موضوع مورد سنجش را مشخص کند. در عین حال، ترکیب عناصر یک موقعیت یا درک ارتباط مسئله مورد بحث با مسائل دیگر نیز جزو فعالیت‌های اساسی در کل جریان یادگیری محسوب می‌شود.

مناسی را برای تعامل دانش‌آموزان فراهم می‌آورد، نقش مؤثری در فراگیری این مهارت‌ها و نگرش‌ها ایفا می‌کند.

در این نوع یادگیری، مدت زمانی که فرد متوجه موضوع است، افزایش پیدا می‌کند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که نه تنها نظر خود را مستدل بیان کنند بلکه با نظرات مخالف نظر خود نیز برخورد معقولانه داشته باشند. نتیجه چنین برخوردی به واری، تعدیل و اصلاح نظر فرد منجر می‌شود. هم‌چنین می‌آموزند که با توجه به افکار و عقاید دیگران درباره موضوع، آن را به صورت عمیق‌تر و از زوایای مختلف درک کنند. دانش‌آموزان به سبب تعامل با یکدیگر در فعالیت‌های گروهی طراحی شده، با موضوع و مسئله مورد نظر در سطوح بالاتر یادگیری (فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و...) درگیر می‌شوند. کار با دیگران و کسب موفقیت گروهی، موجب بالا رفتن حس اعتماد به نفس در افراد می‌شود. هنگامی که فرد احساس کند دیگران به مشارکت او در انجام فعالیت‌ها احتیاج دارند، به نوعی احساس عزت نفس می‌کند.

فعالیت‌هایی که در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی عهددار چنین نقشی هستند عبارت‌اند از:

الف) در ضمن هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین متفاوت مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بنویسید»، «دلیل بیاورید» و... آمده‌اند. انجام این فعالیت‌ها با نظارت و هدایت دبیران و مشارکت و تعامل دانش‌آموزان میسر می‌شود.

ب) بخش «خلاصه کنید» از دانش‌آموزان می‌خواهد که در خارج کلاس، نکات مهم و اساسی هر درس را خلاصه کنند. سپس در جلسه بعد با نظارت و هدایت دبیر محترم و مشارکت دانش‌آموزان، این خلاصه‌ها در شکل فعالیت گروهی با یکدیگر مقایسه و اصلاح شوند.

ج) در متن هر درس، در جاهای مناسب سؤال‌هایی گنجانده شده‌اند. هدف از طرح این سؤال‌ها، برانگیختن کنجکاوی دانش‌آموزان و فعال کردن و مشارکت آن‌ها در یادگیری مفاهیم و مهارت‌ها و رسیدن به هدف‌های مورد انتظار است.

د) عناوین اصلی هر درس به صورت سؤال مطرح شده‌اند. این سؤال‌ها زمینه مناسبی را برای فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. ضمناً عنوان بخشی از بعضی درس‌ها، به انتخاب دانش‌آموزان تعیین می‌شود. این فعالیت نیز بهتر است به صورت گروهی و با مشارکت همه آنان انجام پذیرد.

ه) در انتخاب تصویرها و عکس‌ها به قابلیت آن‌ها در آموزش مفاهیم، القای ارزش‌ها و نیز فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری توجه شده است. توضیحات و سؤال‌هایی که زیر تصویرها درج شده‌اند، زمینه‌ای برای فعال کردن و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری به شمار می‌روند.

و) برای بخش «بپرسید و پاسخ دهید»، لازم است دانش‌آموزان به صورت فردی خارج از کلاس و بعد از مطالعه مجدد مطالب، چند سؤال اساسی درباره آن مطرح کنند و خود به این سوالات پاسخ دهند. سپس در جلسه بعد با نظارت و هدایت معلم و مشارکت دانش‌آموزان این سوالات بررسی و اصلاح شوند. اهداف هر فصل و هر درس می‌تواند معلم را در کار هدایت دانش‌آموزان یاری دهد. هر یک از فعالیت‌های یاد شده باید در ارزش‌یابی مستمر این درس مورد توجه قرار گیرد. زیرا میزان مشارکت دانش‌آموزان در



در کتاب‌های درسی  
تعلیمات اجتماعی  
موقعیت‌هایی طراحی  
شده‌اند که دانش‌آموزان  
را به تعامل و مشارکت  
واهی دارند.



وقتی ساخت با یادگیری از طریق طرح مسئله صورت گیرد، فرد در حده تشخیص مسئله برمی آید و معمولا نسبت مناسبی با اجزای مسئله را مشخص می‌کند. در نتیجه آن هر چه با هم ترک کند، نحوه برخورد با آن گونه مسائل را حسن استفاده از تجربت خود در نظر گیرد و آن گاه برای حل مسئله اقدام کند. نویسنده تجربت شخصی در ارتباط با مسئله را سازمان دهد و از تجربت دیگران استفاده کند پس آن‌ها را در طرحی منطقی قرار دهد و در این طرح سعی در ارائه راه‌حل یا نظریه‌ای کند که با واقعیت موجود تازگی دهد. دانشمند است.

در آموزش مبتنی بر فعالیت یادگیرنده، فهم دانشی تکرار نمی‌شود. همین برسیه به سه فرد موضوع مورد مطالعه را شرکت می‌کند، بلکه نه از پائینی آن می‌پوشاند و در نتیجه آن قضاوت می‌کند. مثلا اگر از او پرسید که همکاری چیه تأثیری بر شرفیت کار گروهی دارد، تا دلیل می‌تواند شرح دهد. در این صورت معنای اجتماعی، ایجاد رسد شخصی و آماده کردن فرد برای زندگی اجتماعی، هدف اساسی است. تا توجه به این که مسائل جامعه و آن چه که فرد با آن‌ها روبرو خواهد شد، فاین پس می‌سازد و محکی است او تا مشکلات آینده‌ی مواجه شود، باید افراد نظری آموزش بسازد که بتواند موضوعی خود را در موقعیت‌های گوناگون زندگی به کار گیرد. لازمه رسیدن به این مهم آن است که افراد در جریان آموزش فعالیت‌های سرگرم‌کننده باشند و ضمن تقویت توانایی تفکر، بعضی از مهارت‌های جسمی را بر عصب و تجربه گسب کنند. در کتاب‌های علمیات اجتماعی دوره راهنمایی از جهات متفاوت امکان و فرصت فعالیت یادگیرنده فراهم شده است. برپای اساسی این فعالیت‌ها موجب تحقق یادگیری مؤثر خواهد شد که با هدایت و نظارت دبیر عالی و عامل به این مورد، به نحوی مطلوب انجام گیرد و با بی‌گیری کافی و استفاده از روش‌های فعال تدریس، دانش‌آموزان به فعالیت منظم وادار شود.

در آموزش مبتنی بر فعالیت یادگیرنده، فهم جانشین تکرار می‌شود

ارتباط با دیگران نوعی مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و مشارکت کارهای گروهی حاصل شود

#### ۴. توجه به رویکردهای محیط‌های اجتماعی توسعه‌یابنده

موسور از محیط‌های اجتماعی توسعه‌یابنده می‌است که محیط‌های اجتماعی مورد نظر در برنامه‌های علمی و عملی اجتماعی به شرح زیر یک پایه با به دیگر توسعه‌یابنده می‌کند. از این روی مجموعه محیطی مانند حلقه‌های یک پنجره به یادگیرنده اعمال پیدا می‌کند و یادگیری را امکان می‌سازد. در این برسیه در کتاب معنای اجتماعی نامه اول رابطه فرد با خانواده مطرح می‌شود و پس از آن، «گروه» و انواع متفاوت آن مورد بحث قرار می‌گیرد. چنانچه دانش‌آموز در خانواده به نقش مجموعه حقوق و وظایف و خانگانه خود می‌بازد در ساختن عشق و جایگاه خود در گروه‌های اجتماعی دیگر موفقیت نسبی می‌کند. در واقع، فرد الگویی را از آن که در خانواده گسب می‌کند، به تدریج به محیط‌های اجتماعی بزرگتری برسیه خواهد کرد.

در کتاب علمیات اجتماعی پایه دوم، ارتباط دانش‌آموز به عنوان یک شهروند، گروه‌های رسمی، سازمان‌ها و مؤسسات گوناگون، اساسی محسوب می‌شود. تشکیل می‌دهد. علمیات اجتماعی پایه دوم، یاددهی اساسی و حقوق و وظائف اساسی اجتماعی فرد را در جامعه تدریس می‌کند. دانش‌آموز در پایان تدریس راهنمایی

در محیط‌های آشنده که می‌تواند به طور رسمی در فعالیت‌های سیاسی شرکت کند. برپای این رویکرد، در تنظیم محتوا، به اصول تکرار، فراشناختی و وحدت و انسجام معنی، آن‌ها و مهارت‌ها توجه شد است.

مطالب اصلی اول، نوشتن، هدایت، هدایت‌ها و ارزش‌ها در هر یک از پایه‌های راهنمایی تکرار می‌شود. برای مثال، همکاری، نظم و رعایت حقوق دیگران، از جمله مواردی هستند که در حلقه‌های سه‌گانه می‌باشد، دانش‌ها و تجربت‌ها در هر سه پایه تکرار شده‌اند. مطابق این نوم، تکرار مناسب سه‌گانه با پیچیدگی و توسعه تدریجی در این پایه‌ها همراه است. برای مثال، همکاری بعد از خانواده در محیط‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و -لاخره در جامعه مطرح می‌شود. مطابق این نوم، هدف‌های سه‌گانه در سه پایه راهنمایی از انسجام درونی برخوردار و همه در یک جهت و بر یک محور قرار دارند. هر هدف مربوط به حلقه می‌باشد، با هدف‌های اساسی و تکراری مربوط به آن، تقویت می‌شود. اصولا این سه حلقه با یکدیگر معنا پیدا می‌کند و معنی یکدیگر می‌دهد.

#### ۵. تأکید بر فعالیت‌های ذهنی در کنار فعالیت‌های علمی

در جریان برنامه‌های آموزشی، به فهم چند، به فهم پس برکت می‌شوند. در این فرایند باید توجه داشت که دانش‌آموز به مشاهده حسی به عنوان محصول و مؤلفه ذهن خود می‌نگرد، به چیزی محسوس و سنگانه از سوی معنیداری واقع و حسی. فعالیت‌های یاددهی در ساختن مشاهده، فعالیت ذهنی دانش‌آموز است. در کتاب‌های معنای اجتماعی تا تکرار روش‌های متفاوت فرستاد و امکان حسی فعالیت‌های دانش‌آموزان فراهم آمده است. هدف از طراحی معنوی در این‌ها به صورت سؤالی، تحریک کنجدهی دانش‌آموزان برای یادگیری مفاهیم و رسیدن به هدف‌های آموزشی مورد نظر بوده است. همچنین دانش‌آموزان موفق‌اند در پایان هر درس بعد از مطالعه دقیق آن، چند سؤال می‌تواند از آن طرح کند و بگوید که خود به این سؤالات پاسخ دهند. همین عنوان حسی از بعضی درس‌ها توسط دانش‌آموزان در انجام حسی «خلاصه‌گسب» در پایان هر درس نیز همین جهت را دنبال می‌کند.

گرچه فعالیت ذهنی در یادگیری مؤثر نفسی اساسی در یاددهی به معنای کافی نیست، حسی به آن یاددهی و معنای فعالیت عقلی را نیز در ارتباط با توسعه یادگیری فراهم خواهد بود. برای مثال، اگر بخواهیم مفهوم «گروه» را آموزش دهیم، ضمن ایجاد امکان برای فعالیت‌های ذهنی دانش‌آموزان، می‌توانیم از آن‌ها بخواهیم به طور گروهی مسئله‌ای را بررسی و مطالعه کنند و تشخیص آن را به صورت گروهی سه‌گانه ارائه دهند. در این فصل، دانش‌آموزان به‌همراه به مفهوم گروه در الگویی یادگیری مشارکتی بی‌می‌تواند، تا که به همسایگان گروهی در واقع می‌شوند. همچنین، به‌همراهی از طریق ایجاد سازمان و همکاری با دیگران، پیروی از هنجارهای گروهی و -پس گسب می‌کند. در فعالیت‌های عقلی معنی پیدا کند که ارتباط آن‌ها با مفاهیم مورد نظر حفظ شود و کار هر فعالیت ذهنی، یک فعالیت عقلی می‌باشد. با آن برپای می‌سازد.



ویژگی نامه آموزش درس علوم اجتماعی



خلاقیت قابلیت است که به درجات متفاوت در همه افراد وجود دارد و وظیفه ما شکوفا ساختن آن است

الف) دانستن وظایف و حقوق هر نقش؛

ب) یادگیری نگرش‌ها، احساسات و تمایلات متناسب با آن نقش؛

ج) تمرین و کسب مهارت در آن نقش.

ممکن است فرد از یک مهارت اجتماعی آگاهی داشته باشد و به آن نیز علاقه‌مند باشد ولی در عمل توانایی بروز آن را نداشته باشد. برای مثال، «کارگروهی» را در نظر بگیرید. ممکن است توجوه دو شرط اول را داشته باشد ولی در عمل نتواند به عنوان یک عضو مؤثر در گروه ایفای نقش کند و توانایی لازم را در ایجاد تعامل و ارتباط با دیگران نداشته باشد.

ارتباط با دیگران یک مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و مشارکت در کارهای گروهی حاصل شود. مقوله‌های دانستی‌ها و مهارت‌ها به صورت دو مقوله مستقل و جدا از هم نیستند. مهارت‌ها خود ابزاری برای آموختن هستند و جدا کردن آن‌ها در بسیاری موارد امکان‌پذیر نیست. همچنین، پرورش نگرش مثبت نسبت به ارزش‌ها و هنجارها، مانند همکاری، نظم، پشتکار، انعطاف‌پذیری، مشورت، رعایت حقوق دیگران، وظیفه‌شناسی، مقاومت در برابر مشکلات، از خودگذشتگی، قبول اشتباهات و اقدام در جهت رفع آن‌ها، و... از ملزومات تعلیمات اجتماعی هستند.

در برنامه تعلیمات اجتماعی، گرچه بر آموزش مفاهیم اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توجه می‌شود، لیکن سعی شده است که با فراهم کردن زمینه‌های متفاوت، جنبه‌های عاطفی و مهارتی مورد تأکید قرار گیرند. فعالیت‌های کتاب، فرصت و زمینه لازم را برای تعامل با دیگران، تمرین و کسب مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. آگاهی، تمرین و کسب مهارت نیز در ایجاد نگرش تأثیر خواهند داشت. انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی، دانش‌آموز را یاری می‌کند تا توانایی، مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی گوناگون (نظیر برقراری ارتباط، رعایت نوبت، ابراز عقیده، انتقادپذیری، تشویق دیگران، انتقاد از عقاید نه افراد، احترام، همکاری، تحمل آرای دیگران، ایفای نقش مؤثر در گروه، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، گوش دادن، همدلی و...) را کسب کند.

#### منابع

۱. راهنمای برنامه درس تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۰.
۲. رشد گی. کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۷.
۳. اروسون، الوند، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه شکرگن، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۴۹.
۴. کاولاین، دونالد ای، شیوه‌های یادگیری به کودکان، ترجمه سیداکبر سرخسی، مرکز نشر و ترجمه کتانه تهران، ۱۳۴۹.
۵. اسپارک، برنارد، آموزش در دوران کودکی، ترجمه محمدحسین مطری‌زاد، معاونت فرهنگی استان قزوین، مشهد، ۱۳۴۶.
۶. شریعتی‌نژاد، علی، جامعه و تعلیم‌نویس، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.
۷. تعلیم‌نویس، در اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.
۸. ملکی، حسن، برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، انتشارات مدرسه تهران، ۱۳۷۸.

## ۶. تأکید بر ارتباط فعالیت دانش‌آموز با خانواده

در صورتی که برنامه درسی بتواند با خانواده دانش‌آموز ارتباط برقرار کند، آثار مثبتی به دنبال خواهد داشت. زیرا اولاً، دانش‌آموز به خانواده خود علاقه‌مند است و ارتباط با آن‌ها برای انجام بعضی از فعالیت‌های یادگیری باعث ایجاد انگیزه و در نتیجه یادگیری مؤثرتر خواهد شد. ثانیاً، دانش‌آموز به علت سهولت ارتباط با اعضای خانواده و ارتباط مداوم با آن‌ها، بهتر می‌تواند به کمک تعامل با آن‌ها، به حل مسائل اجتماعی خود بپردازد. ما تکیه بر این اصل، در بحث «فعالیت‌های خارج از کلاس» در پایان هر درس، ارتباط با خانواده بیش از قسمت‌های دیگر کتاب مورد توجه است. دانش‌آموز موظف است برای انجام بعضی از این فعالیت‌ها با والدین خود صحبت کند، از تجارب آن‌ها استفاده کند، با آن‌ها مشورت کند و...

## ۷. ارتباط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی

آموزش و تربیت اجتماعی باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود. محتوای کتاب درسی نباید به طور خشک و بی‌ارتباط با واقعیات بی‌ارمون و زندگی اجتماعی او باشد. دانش‌آموز باید احساس کند که کتاب درسی آشنایی است که در آن مسائل زندگی او طرح می‌شوند و در برخورد با مسائل نیز کاربرد لازم را دارد و می‌تواند به آن تکیه کرد. در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به این اصل مهم توجه شده است. برای مثال، محیط خانوادگی، محیط مانوس و عینی دانش‌آموز است و او عضوی از خانواده است. با پدر، مادر، برادر و خواهر تعامل مداوم دارد، موقعیت‌ها و مشکلات خانواده را درک می‌کند و رفتار اعضای خانواده خود را مشاهده می‌کند. بنابراین مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی در ارتباط با خانواده، می‌تواند فضای قابل لمس‌تری را برای دانش‌آموز به وجود آورد. وقتی از همکاری در خانواده صحبت می‌شود، برای او قابل درک است و همکاری و عدم همکاری را به خوبی تشخیص می‌دهد.

گروه‌های دوستی و گروه‌هایی که در مدرسه یا در محل زندگی بوجوان تشکیل می‌شوند نیز برای او گروه‌هایی آشنا هستند. وقتی که از مشورت، نظم، تحمل سختی‌ها و مشکلات و... در این گروه‌ها صحبت می‌شود، در واقع از زندگی روزمره و محیط‌های اجتماعی بی‌ارمون وی سخن می‌گوئیم. ما اگر از فعالیت‌های گروهی مثل فوتبال یا گومپوردی به عنوان نمونه در درس‌ها استفاده می‌شود، برای آن است که این فعالیت‌های گروهی، از انواع فعالیت‌های هنجاری و مورد علاقه سنین نوجوانی هستند می‌تواند از طریق آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به دانش‌آموزان آموزش داد و جامعه‌پذیری آن‌ها را آسان کرد.

## ۸. تأکید بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و کسب نگرش‌های ضروری

یکی از ویژگی‌های برنامه درسی تعلیمات اجتماعی این است که دانش‌آموزان از طریق محتوای آن، نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی گرایش مثبت پیدا کنند و جامعه‌پذیر شوند. ما از طریق جامعه‌پذیری کردن افراد آن‌ها را آماده می‌سازیم تا بتوانند در جامعه حال و آینده زندگی کنند و نقش‌ها و وظایف خود را شناسند و به آن‌ها عمل کنند. در فرآیند جامعه‌پذیری سه محور وجود دارد:



ویژه‌نامه آموزش درسی حرفه‌وفن

مروری بر تجربه طرح مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی حرفه‌وفن

# حرفه‌وفن شیرازی

محمدرضا حشمتی  
عکاس: علی‌رضا عباسی



ان قدر جذاب و زیباست که چشم‌ها را خیره می‌کند! شیراز را می‌گوییم! معماری اتار به جا مانده از سده‌های قبلش، از مردمانی می‌گوید که به سنت‌های خود پای بند بوده‌اند؛ همان سنتی که ما به تعدادی از آن‌ها وفادار نماندیم، اما از فرزندانمان توقع داریم آن‌ها را احیا کنند. سال‌هاست برای رسیدن به این هدف برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم. طرح مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی حرفه‌وفن، یکی از این برنامه‌هاست. قرار است مهارت‌های زندگی، به سبب سنتی در ابعاد کشوری و جهانی آن آموزش داده شود. اقلیم، فرهنگ بومی، استعداد و نیازهای حرفه‌ای استان و آن‌چه که باید دانست آموزش اصفهانی، شیرازی، مسهدی و... درباره مردم و حرفه‌های استاتس بدانند، از دیگر مؤلفه‌های تألیف مجموعه کتاب‌های حرفه‌وفن است. این طرح در دو استان کشور، شیراز و مازندران، به صورت آزمایشی اجرا شده است. پس به شیراز رفتیم تا در یک نشست دوستانه با مؤلفان طرح، از روند کار بپرسیم و با تجربه‌های ایشان آشنا شویم. قبل از آن، در کارگاه «آموزش انضمامی» که آقای سعید سجانی

به همت انجمن علمی معلمان حرفه‌وفن استان فارس تشکیل داده بودند، شرکت کردیم. گفت‌وگویی صمیمی با دانش‌آموزان و معلمان یکی از مدرسه‌هایی که کتاب استانی حرفه‌وفن به صورت آزمایشی در آن تدریس می‌شود، از دیگر برنامه‌های بازدید یک روزه ما بود. آقای بحرالعلومی مجری طرح ارزش‌یابی طرح نیز در یک نشست علمی از نتایج پژوهش‌های انجام شده در طول تدریس کتاب‌های جدید برایمان گفت. اما آن‌چه که در ادامه ارائه می‌شود، نشست مؤلفان طرح است که با حضور آقایان مجید بذرافکن، مدیر گروه راهنمایی تحصیلی استان فارس؛ محمدمهدی دباغ، کارشناس آموزش راهنمایی استان فارس؛ محمدجواد زارعی، کارشناس مسئول گروه آموزشی استان فارس؛ عادل افرا، مؤلف کتاب حرفه‌وفن؛ منصور کریمی‌نسب، مؤلف کتاب حرفه‌وفن و خانم‌ها؛ نویسن جاودان، مؤلف و هماهنگ‌کننده طرح تألیف کتاب‌های استان فارس و سارا فرزانه، مؤلف کتاب حرفه‌وفن، تشکیل شد.

از سال ۸۲ که روش اجرای طرح اعلام شد تا سال ۸۶ که کتاب‌های سال اول تولید شد، دوره‌ای چهار ساله طی شده است. طولانی شدن این مسیر تا سال ۸۹ هم سوالی است که ذهن را به خود مسعول می‌کند. اما اولین موضوعی که مطرح شد، اهداف طرح بود. خانم جاودان در این باره گفت:

«رنگ و بوی فرهنگ و سبیل رسد محیطی انسان باید که کتاب‌های حرفه‌وفن دهنه می‌کنند که در آن، نگرانی‌هایی که ویژه استان هست به کتاب‌ها لحاظ شده است. مثلاً یکی از عناوین مهم، طرح موضوع گردشگری است که در آن، سبیل، هم استان اقلیمات خودش را دارد.»

آقای دباغ، دیدگاه کلی مؤلفان را این گونه تبیین کرد:

«متخصص یادگیری و فرآیند یادگیری در نظر گرفته شد. مؤلفه‌هایی خواننده جامعه و با خودی هم ابعاد جهانی یادگیری در برآیند آموزشی و تألیف مطالبه کار گرفته شد. می‌خواهیم





ویژه نامه آموزش در س حرفه‌وفن

استان فارس برترین تولیدکننده گندم است. در بخش کشاورزی کتاب، به این ویژگی استان اشاره کردیم و در کنار آن پرورش گل‌های آپارتمانی هم مطرح شد. ای کاش این فرصت فراهم می‌شد که برخی از بخش‌ها را حذف می‌کردیم تا بتوانیم بیشتر و بهتر به برخی از موضوعات از جمله دانش فناوری بپردازیم. آموزش روش‌های حسستوجو در اینترنت، استفاده از خدمات عابر بانکه، فروشگاه‌های مجازی و... به نظر ضروری می‌آیند.»

**آقای بذرافکن نیز با تأکید بر این موضوع که برخی مطالب کتاب ضروری نیستند و می‌توان با حذف آن‌ها با توجه به نیاز استان، مطالب کاربردی‌تری را مطرح کرد، گفت:**

«این منطقی نیست دانش آموز با مراحل تولید زیتون آشنا شود، در حالی که در استانش زیتون کشت نمی‌شود و او نمی‌داند مهم‌ترین محصولات کشاورزی شهرش کدام‌اند و چگونه می‌توان میزان تولید آن‌ها را افزایش داد.»

**آقای بذرافکن پیشنهاد دادند قوانین دست و پا گیر را کم کنیم تا توانایی‌های بالقوه معلمان، بالفعل شود. آقای اقرا به رعایت نشدن اصل عدالت و قطبی بر خوردن در کنار مسئولان اشاره کرد و افزود:**

«متأسفانه تهران فقط خودش را می‌بیند! در حالی که معلمان هر استانی توانایی و وجهه اجتماعی شهر و منطقه خودشان را دارند.»

مطالبی را در کتاب درسی عنوان کنیم که در زندگی کاربرد داشته باشند و پشت درهای مدرسه نمانند.

اعتراض‌های همیشگی معلمان این بود که محتوای کتاب‌های حرفه‌وفن سنگین است و با سطح یادگیری و نیاز دانش‌آموزان هر استان تناسب ندارد. سال ۸۴ شوهنامه اعلام شد و بعد از برگزاری جلسات متعدد با حضور صاحب‌خطران و کارشناسان، بعد از گذشت چهار سال، کتاب سال اول در سال ۸۶ تولید و در سال ۸۸ به صورت آزمایشی در چهار منطقه استان، «فسا، خفر، پاسارگاد و ناحیه سه» اجرا شد. کتاب سال دوم نیز سال گذشته تدوین شد.»

**در ادامه آقای دباغ اعضای تیم استانی را این گونه معرفی کرد:**

«دو صاحب‌نظر تربیتی، روان‌شناس، ویراستار علمی و دو کارشناس موضوعی، از صاحب‌خطران ارزش‌یابی تحصیلی و روش تدریس نیز دعوت شده است. ضمن آموزش تیم، ناظر طرح نیز باشند. علاوه بر آن، در هر واحد تا یک کارشناس مجرب همکاری شده است. قابل ذکر است که اغلب افراد گروه معلم هستند.»

**ایشان یکی از ضعف‌های طرح را عدم تفویض کامل سمت‌ها و اختصاص به موقع و صددرصدی اعتبارات معرفی کرد. در ادامه، آقای بذرافکن با طرح این موضوع که یکی از مهم‌ترین نکات این طرح بزرگی، شناخت ویژگی و ظرفیت‌های مخاطب و استان است، گفت:**

«هدف از آشنایی دانش‌آموزان با حرفه‌وفن، فقط گرفتن سمره قبولی نیست، بلکه آشنایی با روش‌های درست زندگی در محل و منطقه خود، از اصول اولیه است. چه خوب است حتی مسئولان استان، تألیف این کتاب را به منطقه و شهرهای خود واگذار کنند تا هر استان با توجه به فرهنگ بومی و مسائل زیست محیطی خود، کتاب را تألیف کنند. در چس موقعیتی، دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه مشکلات منطقه و شهر خود را حل کنند. وقتی کتاب حرفه‌وفن ویژه استان باشد، دانش آموز و معلم نسبت به آن تعلق خاطر پیدا می‌کنند و می‌دانند که نقد و بررسی آن‌ها برای برابری شدن محتوای کتاب، خیلی سریع‌تر از قبل مورد توجه قرار خواهد گرفت. این یعنی توجه و احترام به ویژگی‌های مخاطب و نیازهای او. اگر این طرح درباره سایر کتاب‌ها هم اجرا شود، محتوای کتاب‌های درسی با توجه به شرایط دانش‌آموزان هر استان، هم کاربردی‌تر و هم سریع‌تر اصلاح و به روز می‌شود.»

**در هر سه کتاب حرفه‌وفن دوره راهنمایی، ارتباط عمودی حفظ شده است. در ارتباط افقی، سرفصل‌ها از طرف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مشخص شده‌اند. خانم جاودان چند توضیح کوتاه در این باره ارائه کرد:**

«حتی چارچوب‌ها هم از قبل تعیین شده بود و ما نمی‌توانستیم تغییر اساسی ایجاد کنیم. مثلاً در بخش دام‌پروری فقط توانستیم پرورش بکبک را مطرح کنیم. یا در قسمت تحقیق از بچه‌ها خواستیم درباره صنعت چوب با چند صنعت موجود در منطقه زندگی خود تحقیق کنند. در قسمت برق نیز دو نیروگاه سبک ترکیبی و نیروگاه خورشیدی استان را معرفی کردیم و از دانش‌آموزان خواستیم تحقیق کنند در استان چند نیروگاه دیگر وجود دارد و سوخت آن‌ها چیست.»

**آقای کریمی نسب یکی از مؤلفان بخش الکترونیک، از فرایند تألیف این بخش گفت:**

«هر عطایی که می‌نوشتیم، به معلم‌های حرفه‌وفن می‌دادم تا درباره آن نظر دهند. برای این که بتوانیم از کلمات قابل فهم برای دانش‌آموزان استفاده کنیم، کتاب‌های دوره ابتدایی و کتاب‌های علوم و ادبیات دوره راهنمایی را مطالعه می‌کردم. به تمام پیش‌نیازهای تألیف مطالب قابل فهم توجه داشتم. این پتانسیل در تمام معلمان استان بود، ولی در فرایند رفت و برگشت مطالب تألیفی به دفتر، اشکالاتی مطرح شد که در نهایت، کار نه باب میل ما بود نه مورد توجه وزارتخانه.»

شاید اشکال کار در تعریف موازین بود. برای مثال، کار عملی که در کتاب کشوری حرفه‌وفن سال سوم طرح شده بود، با معلومات



**رنگ و بوی فرهنگ و مسائل زیست محیطی استان باید در کتاب‌های حرفه‌وفن دیده می‌شد. در کنار آن، نیازهای شغلی که ویژه استان هستند نیز در کتاب‌ها لحاظ شده است**



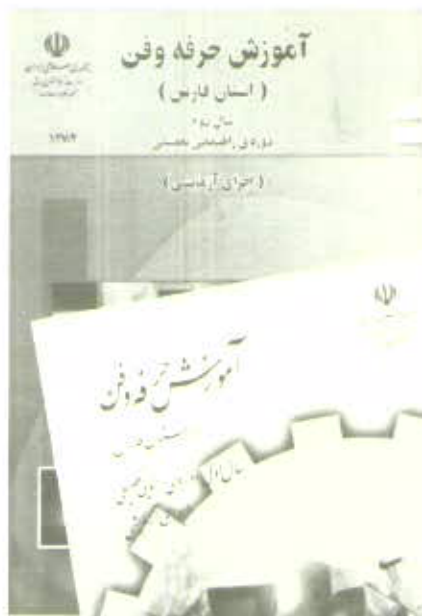
ویژه نامه آموزش در سن حرفه و فن

دانشجوی برده چهارم مهندسی الکترونیک مشاهده است. حتی اگر پیش نیازها هم مطالعه می شد، اما هم مطالب سنگینی بود و معلوم نمی توانست این بخش را به دانش آموزان خود بیاورد. در حرفه دیگر، مؤلف هر بخش خانم سوسنگی از چند مطالب مربوط به خود که چند مطالب سنگین و دشوار شده است، معلم حرفه و فن یاد کند. تخصص داشته باشد تا بتواند بدین کند و با من هم ممکن است آن شاغله کتاب معتم حرفه و فن نوشته، مورد بهره داری استان قران خواهد گرفت. یک نکته دیگر که گفتن ضروری است اشکالات موجود در کار حرفه و فن بود که از توی دفتر تألیف تا به وقت شده بود از یک طرف از مؤلفان می خواستند با توجه به فرهنگ علمی استان بوسند و از طرف دیگر چارچوبها اشکال محتمل می دانست.

**خانم جاودان نیز یکی از اشکالات را طولانی بودن مدت بررسی مطالب عنوان کرد:**

«برای که نگاه مطالب به تهران فرستاده می شود، دفتر تلفظ پنج تن ماه بعد پاسخ می دهد. این نوبه سه سال طول کشید. نشست‌هایی با مؤلفان داشتم، اما مقدور به چر نشدند.»  
**در ادامه، خانم فرزانه یکی از نکات مثبت طرح را فرصت بروز توانایی‌های معلمان استان دانست و افزود:**

«ویژگی دیگر طرح این است که مؤلفان معلم هستند و سطح یادگیری و توانایی‌هایی دانش‌آموزان را با توجه به شرایط و نیازهای استان خود می شناسد. اما اگر دفتر تلفظ فرزند حکومتی تألیف کتاب‌های درسی مانند صفحه از می انجمن می داد، سال مؤلف بود. در کتاب سال اول، طرح را است بود. به همین خاطر اشکالات کمتر بود. اما در تلفظ کتاب سال بود. این مشکل وجود داشته به همین خاطر اسطفا بی کتاب دیده شده است.»



**برخی مطالب کتاب ضروری نیستند و می توان با حذف آنها با توجه به نیاز استان، مطالب کاربردی‌تری را مطرح کرد**

اقای زارعی در بحثی کوتاه به تمرکززدایی نظام آموزش و پرورش پرداخت و از مسئولان نظام خواست تألیف کتاب‌های دیگر را هم به مؤلفان توانمند استان‌ها واگذار کنند.

«صدا یک می می داد و یک صدای مطبوعی می می از سوی مرکز بر سس ماسک‌ها و جاز جویها ملاحظه می شود تا مسئولان استان‌ها این تقویت کنند. هر زمان با این می مطبوعی هم باید درست کند. سوال‌ها تألیف جوی در این زمینه دارند.»

**خانم فرزانه به یکی دیگر از تجربه‌ها اشاره کرد:**

«دانشگاه جامعه نسبت به هر حرفه‌ها، نسبت به غیر بود برای مثال بخش بودک به سس... عین شده نمی شود. در حالی که یک حرفه است و به عنوان صنعت مطرح می شود البته ماسک می کردن. در کتاب حرفه و فن استان این بخش را به طرف کشید.»

**در طرح پیشنهاد شده است مؤلفان، دوازده نمره ارزش‌یابی عملی و هشت نمره ارزش‌یابی نظری ارائه کنند. اما به نظر می رسد این ارزش‌یابی صورت نکرفته است. خانم جاودان در این باره می گوید:**

«اهداف آموزش و پرورش از کارکردی بخش مطالب آموزشی به سمت وسوی فعالیت نظری می رود. برای مثال مسئولان کارگاه در مدارس حذف کرده اند.»

**اقایان کریمی نسب و اقرا نیز به دو نقطه ضعف موجود در نظام فعلی اشاره کردند:**

«۱۶. کسانی به عنوان مسئول کارگاه انتخاب می شود که به دلایل مختلف توانایی درسی‌ها را ندارند. ۲۰. به علت محدودیت تعداد دبیران متخصص حرفه و فن از تیراژ رشته‌های دیگر برای تدریس دعوت می شود.»

این در حالی است که در بسیاری از نقاط نظام آموزش و پرورش، نسبت کارکنان حرفه و فن دانش آموزان نوزده هفتاد به نسبت فنی و حرفه‌ای هفتاد هفتاد است. حتی که شون فقط ۲۰ تا ۲۵ درصد از دانش آموزان به این سمت هدایت می شوند.»  
**اقای کریمی نسب می گوید:**

«تحقق اصل هدف بزرگ تا حدی تا حدی حرفه و فن که در واقع هنر آموزش فنی و حرفه‌ای است. همین می شود استفاده جوی فنی و حرفه‌ای ناشناخته است. در این بخش می توانست آموزش را با مهارت‌های زندگی است. گسترش آموزش رسته‌های جدیدی که موفق شده‌اند و از دانشگاه سوسنگی می گوید. گر این رسته را اصلاح می کردند، بهر می توانست زندگی خود را بسازند.»

**در پایان نشست، مؤلفان محترم استان فارس همگی بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که با وجود فراز و نشیب‌های طرح، بهترین فرصت فراهم شد تا معلمان حرفه و فن با توانایی‌هایی که دانستند کتاب را با توجه به ویژگی‌های استان تألیف کنند. این یک شروع بود که می تواند ادامه داشته باشد و استان‌های دیگر از تجربه‌های آن استفاده کنند.**

آموزش حرفه و فن  
موسسه تخصصی آموزش و پرورش استان فارس  
۱۳۸۲



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

## انجمن علمی معلمان حرفه و فن

# استان فارس

نوشین جاودان  
دبیر انجمن



انجمن علمی معلمان حرفه و فن استان فارس، اولین انجمن علمی در دوره راهنمایی در سراسر کشور است که معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی وقت وزارت آموزش و پرورش، گواهی تأسیس آن را در مورخه ۸۲/۷/۲۹ صادر کرد.

این گواهی تأسیس، بنا به درخواست چهار نفر از سرگروه های حرفه و فن استان فارس آن زمان به نام های **نوشین جاودان**، **خلیل نوبگویی**، **زهره فرشچیان** و **محمد رجحانی** صادر شد.

اساس نامه این انجمن در ۴۰ صفحه با اهداف آموزشی، علمی کاربردی و آنچه که می تواند اهداف یادگیری را در بر داشته باشد، تنظیم شده است و شرایط عضویت در انجمن، داشتن مدرک فوق دیپلم به بالا در رشته های حرفه و فن، صنایع غذایی، کشاورزی و طراحی دوخت است.

حقی عضویت در این انجمن توسط هیئت مدیره تصویب می شود. این انجمن از سال ۸۲ تا ۸۸ در استان فارس مشغول فعالیت است.

این انجمن بدون حمایت های مادی و معنوی ادارات آموزش و پرورش و تنها با پشتوانه مادی و معنوی اعضای خود اداره می شود. تعداد اعضای آن به طور میانگین ۱۶۰-۱۲۰ نفر است و هر ساله علاوه بر بازدیدهای علمی درون استانی، یک بازدید برون استانی که شامل بازدید از ذوب آهن اصفهان، نیروگاه هسته ای بوشهر، کارگاه های صنایع دستی جزیره قشم و در سال ۸۹ بازدید از کارخانجات کشتی سازی و فراساحل بندرعباس، تشکیل کارگاه آموزشی، تهیه گاهنامه (که بیشتر توسط همکاران شهرستان ها تهیه شده است)، صدور تشویق نامه های سازمانی برای اعضای فعال، ارائه گواهی کارآموزی برای همکاران، تهیه کارت شناسایی و فعالیت های دیگر در برنامه سالانه انجمن گنجانده شده است.

امید است که توانسته باشیم قدمی هر چند کوچک برای کمک به عزیزان و دبیران حرفه و فن برداشته باشیم و در سایر استان ها نیز چنین انجمن هایی ایجاد شود تا بتوانیم به تشکیل (اتحادیه) انجمن های علمی معلمان حرفه و فن اقدام کنیم و یادگیری و پویایی دبیران عزیز را استمرار بخشیم و به روز گردانیم و راهی برای ارتباط مفید بیشتر بین وزارتخانه و سایر استان ها به وجود آوریم.

کارگاه «آموزش انضمامی» ۱۳۸۹/۹/۱۷



ویژه‌نامه آموزشی درسی حرفه‌وفن

# حرفه‌وفن مازندران



اصلی به نام «مشارکت» آن هم در مقوله مهمی مانند تألیف کتاب‌های درسی، می‌تواند به عنوان یک ضرورت همیشگی مطرح شود. استان مازندران یکی از سه استانی است که طرح را به صورت آزمایشی در خصوص کتاب‌های درسی حرفه‌وفن، اجرا کرده است. در گفت‌وگویی کوتاه با سه تن از مولفان این طرح، آقای حسینعلی غلامی، خانم بهناز حاجیان‌نژاد و خانم فاطمه سبیه چهره، این موضوع از چند بعد بررسی شد.

ابتدا از آقای غلامی خواستیم اهداف طرح مشارکت در تولید مواد آموزشی به ویژه برنامه درسی حرفه‌وفن را بیان کند.

«اهداف طرح را می‌توان در سه عنوان مطرح کرد: کاهش فاصله طراحی برنامه درسی و اجرا، تطبیق تعدیل نفع محرز برای توسعه فعالیت‌های دانشگاهی، دانشجویی، پژوهشی، برنامه درسی، توسعه ظرفیت‌های تولید مواد آموزشی - سطح استانی»

مشارکت در تولید مواد آموزشی چه اثرات مثبتی در استان داشته است؟

در یک نگاه، هدف از تولید ماده درسی آموزش حرفه‌وفن استانی نزدیک شدن به فقط آموزش و یادگیری فعال است. به نوعی که یادگیری خود را تولید مفاهیم و آرزویی از خود مشارکت داشته باشد. وقتی حوزه اجرا، خود طراحی و برنامه‌ریزی درسی ناممکن است به استقرار طرح تعلق خاطر خود هدایت و نوعی و بسگی بین مفاهیم تولیدی و اجراهای محلی ایجاد می‌کند.

چه عواملی اجرای این طرح را ضروری می‌کند؟

تغییر تجربیات جهانی و بناهای جدید، رشد سریع علوم و فناوری، مسائلمردمی محو با علاقه‌های دانش‌آموزان، زنگ‌های مهارت‌های زندگی، توجه به فرآیندهای تنسی منطقه‌ای و ناحیه‌ای، ارائه روش‌های فعال درسی از طریق مسابقات گوناگون دانش‌آموزان، تحقیق و

پژوهش‌های محیطی و منطقه‌ای، ایجاد الف‌بای محو و مفاهیم درسی با اقتضایاب و موقعیتهای محلی و بومی، تمرکز بر مسائل‌های استانی، توجه به ارزش‌های (سی و منی، یونانی و فعال-سازی محو - به کارگیری روش‌های مدرن و فراسدی، و نیاز کریس دانش‌آموزان به تفکر و تعمق و پرورش خلاقیت و خوداندکی توجه به نوع فرهنگ‌ها و همه عناصر و عواملی هستند که ضرورت تولید مواد درسی توسط استان‌ها را آشکار می‌نمایند.

از مهم‌ترین دستاوردهای طرح در استان شما چه بوده است؟

- بازماند امور محله‌ها با وضعیت‌های معمولی محیطی  
- توسعه قدرت نقد دنیسان به وسیله نزدیکان با مولفان کتاب‌های تألیفی استان

- ارتقا و مهارت اخذات محققین در استان استانی  
- تنوع فعالیت‌های علمی در استان با اهداف توسعه‌ای سازمان شهری و روستایی

- طراحی فعالیت‌های آموزشی و ایجاد حلقی اجتماع برای معلمان و دانش‌آموزان

- احساس فراتر و نزدیک دانش‌آموزان با معنویان تولیدی، به‌وسیله استفاده از حضور و غنای‌های بومی و محلی

از مشکلات اجرایی طرح هم بر ایمان می‌گویید؟

بله، این طرح هم مانند هر طرحی مشکلاتی دارد که این چند مورد را می‌توان نام برد:

- کاهش بودن میزان اعتبار تخصصی  
- ندانسی امکانات سخت‌افزاری و ترفا‌اف‌اری برای گفت‌وگو محلی تولید



مجله پژوهش‌های آموزشی  
شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۲



روزنامه آموزش در سن حرفه‌وفن

۱. شناسایی نیازهای هر منطقه؛
  ۲. آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل موجود در هر منطقه و جلوگیری از مهاجرت؛
  ۳. استفاده از پتانسیل‌های موجود در هر منطقه.
- اما هر طرحی به هر حال نقاط ضعف و کمبودهایی نیز دارد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:**
۱. نداشت بودن اهداف و ایجاد محدودیت در معرفی نیازهای منطقه
  ۲. طولانی بودن زمان اجرای طرح و کهنه شدن مفاهیم به دلیل تشریفات اداری
  ۳. محدود شدن تولید به کتاب آموزش حرفه‌وفن
  ۴. معرفی نشدن طرح از سوی رسانه‌های جمعی
  ۵. اختصاص نیافتن بودجه در ابتدای کار برای عکاسی، طراحی و...

- نامتجانس بودن روند ارزش‌یابی محتوای تألیفی با اجرا.  
- نداشت بودن اهداف کلی درس؛ به نوعی که قابلیت انعطاف در عناوین اصلی را نداشته است.  
- نبود مجوز از سوی معاونت برنامه‌ریزی نیروی انسانی وزارت معنوع برای آموزش دبیران در خصوص کتاب‌های تألیفی جدید  
**در ادامه، از خانم حاجیان خواستیم درباره روند تولید محتوا صحبت کنند.**

بر اساس راهنمای برنامه درسی، طرح از سال ۸۴ آغاز و سال ۸۹ به صورت آزمایشی اجرا شد. روند کار به این صورت بود که موضوعات و ممتی را که متخصصان تهیه می‌کردند، دبیران به صورت آزمایشی در مدارس اجرا می‌کردند. ایشان پس از اصلاح کار را برای مسئولان طرح در استان می‌فرستادند. طرح پس از تأیید استان، برای بررسی در شورای برنامه‌ریزی درسی حرفه‌وفن، به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ارسال می‌شد تا پس از بررسی و اصلاح مجدد به چاپ برسد.

در بخش تصویرگری، برای کاهش نواقص، کار باید در مراحل گوناگون و به دفعات بازبینی می‌شد، اما به علت نبود ارتباط بین تصویرگران و مؤلفان در انتخاب و تهیه تصویر، با مشکلاتی روبه‌رو می‌شدیم. بهتر بود ابتدا تا انتهای کار تصویرگری در استان انجام می‌گرفت.

**به نظر شما این طرح برای استان چه فوایدی داشته است؟**

متخصص شدن قابلیت‌های استان و معرفی آن به دانش‌آموزان، شناسایی و معرفی مشکلات و محدودیت‌های موجود در منطقه و ارائه راه‌حل‌های منطقی، نو، کاربردی و ملموس برای رفع این محدودیت‌ها، شناسایی توانایی علمی-مهارتی آموزش‌وپرورش استان.

**به نظر شما تا چه اندازه اهداف تحقق یافته‌اند؟**

انتظاراتی از این طرح می‌رفت، از جمله بومی‌سازی در کل محتوا. به جز برخی از واحدها که بومی‌پذیر نیست، تقریباً در حد انتظارات دفتر تألیف، توانایی‌های منطقه معرفی شده است. برخی مشکلات مانند مسئله آب و نجات مصدومان ناشی از شنا و... وارد کتاب درسی استان شده است. برای تعدادی از مشکلات منطقه نیز راهکارهایی ارائه شد که مورد توجه دانش‌آموزان قرار گرفته؛ مانند روش‌های حفظ جنگل، جمع‌آوری زباله شهری و مدیریت فاضلاب.

**از طرح استقبال شد؟**

بله، با توجه به این که اهداف از سوی دفتر تألیف تعیین شده بود، همکاران منطقه انتظار تغییر اساسی در اهداف و بخش‌های گوناگون را داشتند اما مطالب کتاب برای دانش‌آموزان ملموس‌تر شده بود، زیرا به قابلیت‌های استان زندگی خودشان توجه داشت. حتی با تعدادی از پدیدمها، مشکلات یا قابلیت‌هایی که در کتاب مطرح شده، برخورد داشته و آن‌ها را لمس کرده بودند. به همین خاطر، می‌توانست مطالب را به جای معلم برای دوستانشان توضیح دهند.

**خانم سیه‌چهره، یکی دیگر از مؤلفان، درباره طرح این گونه گفتند:**

به نظر من این طرح مزایای زیادی برای استان داشته است که دوستان به اهم آن اشاره فرمودند. بنده نیز نکاتی را خدمتان عرض می‌کنم؛ از جمله:



**هدف از تولید ماده درسی آموزش حرفه‌وفن استانی، نزدیک شدن به قطب آموزش و یادگیری فعال است**

**برخی مشکلات مانند مسئله آب و نجات مصدومان ناشی از شنا و... وارد کتاب درسی استان شده است**



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

گفت و گو با علی زینی وند، معلم حرفه و فن استان ایلام

# حرفه او خلاقیت است



«حرفه‌ها را خیلی دوست دارم با آن زندگی می‌کنم» شاید باها این جملات را شنیده باشید اما مطمئن هستیم بعد از دعایی که این جمله‌ها را شنیده‌اند، نسبت به تعداد کسانی که آن‌ها را از نزدیک می‌شناسید عدد قابل توجهی نیست! آقای **علی زینی وند** یکی از معتمدانی نمونه است که طی ۲۳ سال تجربه، کلاس درس قسمت مهمی از زندگی او شده است. روش‌های علمی و گاه ابتکاری‌اش سه بار او را به مقام اولی جشنواره الگوهای برتر تدریس آموزش فعال (پوش) استانی (ایلام) و پنج بار به مقام اولی همین جشنواره در شهرستان رسانده است.

«همی توانم»، «همی شود»، «انزار نیست»، «وقت ندریم»، در ادبیات تدریس او جایی ندارد! ما او به گفتگو بسیم یا به جودمان فناوری کنیم که اگر «جوینده»، «تکامل»، «تخلیف» و «آرمانش» را در فرایند تدریس لحاظ کنیم، دیگر نهال خوبی برای دبال بگوش اهداف آموزش و پرورش نخواهیم داشت.

## ● با توجه به این که آموزش حرفه و فن به امکانات کارگاهی نیاز دارد، اگر در مدرسه‌ای این امکانات وجود نداشته باشند، آموزش عملی چگونه انجام می‌گیرد؟

○ کتاب حرفه و فن راهما و معرف حرفه‌ها و مشاغل آینده است و دانش‌آموزان را با مشاغل گوناگون جامعه آشنا می‌سازد این درس حدود ۶۰ درصد از یادگیری‌های عملی دانش‌آموزان، نوره راهنمایی را شامل می‌شود و لذا بهره‌گیری از وسایل کمکی و کارگاهی یک ضرورت است. اما در بیشتر نقاط واحدهای آموزشی کشور امکانات کارگاهی وجود ندارد و باید به فکر کاربرد روش‌هایی بود که مشابه فعالیتهای عملی هستند به نظر من این هفت واحد عملی را می‌توان بدون کارگاه هم به دانش‌آموزان تفهیم کرد: بند ناگون هنگام تدریس خازن، دیود و در مساحت الکترونیک، به تو نشود عمل کرده‌ام!

الف: چون کارگاهی وجود نداشته، هر قطعه از کارآماده‌ای، مثل دوربین، برد اسباب بازی یا برد زادنو را که پیدا می‌کردم، با خودم به کلاس درس می‌بردم. ابتدا قطعات را جدا جدا به همه گروه‌ها نشان

می‌دادم و سپس بردهای اختراع را تک تک به هر گروه می‌دادم و از این‌ها می‌خواستم، قطعاتی را که قبلاً دیده‌ام، در این برد پیدا کنند. اگر واقعاً پیدا نمی‌شد، سعی می‌کردم ماکتی از هر کدام را از قوم، گل یا مواد دیگر درست کنم و در اختیار آن‌ها قرار دهم.

ب) در صورت امکان، کلیت کوباهی از این قطعات را همراه با ابیشتن در اختیار آن‌ها قرار دهم یا از حمیر محسوم استفاده می‌کردم.

در خصوص واحد فناوری و سیستم هم به کارگاه سازی بستم همین که وسایلی موجود در کلاس را تشریح می‌کنیم، به صورت عملی به مفاهیم سیستم و فناوری پی خواهیم برد. در مورد واحد برق، سیم‌ها و کلید و بربرهای موجود در فضای آموزشی، خود کارگاه مجهری است و اگر هم موجود نباشد، با سیم‌های نارنگا تلق و یک لامپ چراغ قوه و کلید معمولی و باتری، می‌توان مدارهای الکترونیکی ساخت و شش گروه پنج نفره را تا پایان کلاس به کار عملی واداشت.

در خصوص واحد مکانیک، باید در تعمیرگاه‌ها، نمایش فیلم و استفاده از خودروی همکاران و حتی توجیه بچه‌ها، دعوت از کارشناسان مربوطه همراه با امکاناتشان و راهکارهای خوبی هستند، به هر حال با یک سرگرمی بسیار ساده می‌توان مغز و حرفه‌ای را به دانش‌آموز معرفی کرد. لیس کردن و دست‌چینی افراد به وسایل، قوه یادگیری عملی آن‌ها را تحریک می‌کند به این ترتیب، با فن و هنر آمیخته به هم بهتر آشنا می‌شوند و در آینده نزدیک، به انتخاب درستش در حرفه‌ها و مشاغل اقدام می‌کنند. این کتاب قبل از این که کتاب باشد، یک راهنمای تفریحی و عملی به دانش‌آموزی و خاطره‌انگیز است و همکاران باید آن را فراموش کنند.

## ● خود شما در آموزش از چه شیوه‌ها و الگوهای استفاده می‌کنید؟

○ همان‌طوری که گفته شد حرفه و فن کاملاً نیازمند شیوه‌های عملی است. در تدریس این کتاب نباید شیوه و الگوی سخن‌رانی



ویژه نامه آموزش درس حرفه‌وفن

### ● به نظر شما، محتوای فعلی کتاب‌های درسی پاسخ‌گوی علاقه‌های دانش‌آموزان هستند؟

○ علاقه و سلیقه، به میزان نیازمندی بستگی دارد و این دو تا حدودی لازم و ملزوم‌اند میزان علاقه‌مندی افراد منوط به وجود مشاغل است که در دسترس هستند و فرد در جوار تحصیل علمی و عملی، نیازمند کسب مهارت در آن می‌شود حال در کتاب حرفه‌وفن مهارت‌هایی آمده است که نیازهای تخصصی دانش‌آموزان را برطرف می‌کند. دبیر حرفه‌وفن باید خود و فراگیرش را درگیر فعالیت کند تا علاقه‌های او برانگیخته شود. همان‌طور که گفته شد در اکثر نقاط کشور ما با کمبود کارگاه حرفه‌وفن مواجه هستیم و اکثراً آن‌هایی هم که کارگاه دارند یا ناقص و ناچیزند و یا کارگاه تخصصی نیستند و در واقع آزمایشگاه تخصصی علوم تجربی هستند خانواده اولین جامعه‌ای است که فرد در آن احساس نیاز می‌کند و به دنبال کسب مهارت‌های مورد علاقه خود می‌رود. هر عضو خانواده خود را برای کسب مهارت در جامعه بزرگ‌تر که همان مدرسه است، آماده می‌کند. هدفش رفع نیاز جامعه کوچک خانواده و سپس نیاز جامعه بزرگ‌تری است که بعدها می‌خواهد در آن زندگی کند. کتاب حرفه‌وفن خوش‌بختانه با اعضای کوچک خانواده سروکله می‌زند تا تجربیات موجود در خانواده را افزایش دهد یا ویرایش کند و یا تجربه جدیدتری را به خانواده معرفی کند تا بلکه با مشورت خانواده، زمینه برای کسب مهارت و درآمد توسط اعضای خانواده مهیا شود. خانواده، از یک طرف نیاز را به وجود می‌آورد و از طرف دیگر، فرد را مستعد ورود به حیطه جامعه بزرگ‌تر می‌کند که بعدها قضیه برعکس می‌شود و جامعه بزرگ‌تر به فرد نیاز پیدا می‌کند اکنون در بعضی از واحدهای کتاب، مشاغل روستایی برای روستاییان و بعضی مشاغل شهری برای جامعه شهری ارائه می‌شوند.

### ● نظر شما درباره ارزش‌یابی این درس چیست؟ بهتر است به شکل نظری باشد یا عملی و یا ترکیبی از هر دو؟

○ دانش‌آموزان برای کسب علوم و تجارب، می‌کوشند و معلم نقش راهنما را دارد. در واقع ما برای دانش‌آموز، راه را از چاه تشخیص می‌دهیم. ما در کلاس مطالب و آموزه‌ها را درجه‌بندی و دسته‌بندی می‌کنیم و از اعضای گروه‌ها می‌خواهیم که با بیان نظرات و توصیفات خود و یا انجام فعالیت، به اصل موضوع برسند. در مجموع، معلم و دانش‌آموزان از طریق مشورت با هم به یادگیری و تکاپو در تعالیم می‌پردازند. ما حتی خلاصه کردن درس و نتیجه‌گیری و ارزیابی پایانی را به خود دانش‌آموزان می‌سپاریم. خواه مطالب نظری و یا عملی باشند و یا ترکیبی از آن‌ها. پس معلم هدایت‌کننده و سکان‌دار علوم عملی و یا نظری است و این دانش‌آموز است که باید علوم را یاد بگیرد و در زندگی خود به کار گیرد. در کتاب حرفه‌وفن، چیزی به عنوان امتحان و آزمون نباید وجود داشته باشد. همین که فرد یا گروه به کمک هم یک عروسک یا پولیش درست می‌کنند و روال کار و نحوه تهیه و چگونگی درست شدن آن را می‌دانند دیگر نیازی به پرسش در این مورد نیست و عملاً به جواب خود رسیدند. اما در این یادگیری‌ها، فرد به تمرین و تکرار نیاز دارد تا مهارت در وجود او ماندگار شود. کتاب و معلم راهنمای او هستند و تمرین عملی یادگیری‌اش را عمیق‌تر می‌سازد.

استفاده شود. محتوای کتاب با فن و هنر و عمل آمیخته است. دانش‌آموز در کارگاه حرفه‌وفن، چنان باید سرگرم فعالیت باشد تا نداند چه موقع تزئین یا خانه زده شد. بنده اعتقاد این است که یادگیری باید کاملاً عملی باشد. معمولاً از «روش‌های تلفیقی» در تدریس استفاده می‌کنیم؛ روش‌هایی چون: بحث گروهی، آزمایش، نمایش و واحد کار. می‌کوشیم با استفاده از این روش‌ها، دانش‌آموز راحت‌تر به جواب پرسش خود برسد. با این روش، آن‌چه را که به طور عملی یاد گرفته است تا آخر عمر فراموش نمی‌کند. بنده گاهی بدون همراه داشتن وسایل کمکی تدریس می‌کنم. مثلاً برای تدریس درس اتصالات دائم و موقت، گروه‌ها را به جان پاره‌های سندی که جوش و پرچ خورده بودند و یا پیچ و مهره داشتند می‌انداختم و به شکل مسابقه از آن‌ها می‌خواستم هر چه زودتر قطعات را از هم جدا کنند تا برنده شناخته شوند.

### ● علائق متنوع دانش‌آموزان چگونه در این برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد تا زمینه رشد آن‌ها فراهم آید؟

○ به اعتقاد بنده، همان‌طور که در بنو ورود نونهالان به دوره ابتدایی آنان را مورد سنجش تحصیلی قرار می‌دهیم، از دانش‌آموزان دوره راهنمایی هم باید همین آزمون را بگیریم. چون این مرحله ابتدای دوره نوجوانی است و در صورت تشخیص میزان تبحر و تجربه خود آن‌ها در آینده به آسانی و با جدیت به سراغ انتخاب رشته و شغل می‌پردازند. چون قرار است با مشاغل و حرفه‌ها در کتاب حرفه‌وفن آشنا باشند و باید مشخص شود چه کسی در چه گروهی از مشاغل می‌تواند فعالیت کند. بنده به مدت دو هفته از ابتدای سال تحصیلی اول راهنمایی، میزان مهارت افراد را در تصدیق یک یا چند تجربه می‌سنجیم و در طول سال، افراد هر گروه شغلی را در مورد شغل خودش بیشتر راهنمایی می‌کنم.

### ● آیا محتوای فعلی کتاب‌های درسی پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان هستند؟

○ این کتاب‌ها براساس نیاز دانش‌آموزان در این گروه سنی و این دوره تهیه شده‌اند و تا حدودی رضایت‌بخش هستند. همه ملت‌های جهان همیشه به دنبال پیشرفت و دسترسی سریع به منابع علمی و مهارتی هستند و به سرعت از هم سبقت می‌گیرند. در کتاب‌های درسی ما هم از مطالب جدید و تازه و به روز که بیشتر مبتنی بر مهارت‌آموزی است، استفاده شده است. ما هم نباید از جوامع پیشرفته و کشورهای توسعه‌یافته جا بمانیم. مثلاً ۱۰ سال پیش موضوع فناوری و سیستم و یا واحد الکترونیک در درس پایه دوم چاپ شد و الان برای درج مطالب جدید این فاصله ۱۰ سال باید کمتر شود. مثلاً ۱۰ سال یکبار، به علاوه، می‌توان واحد الکترونیک را در پایه اول آورد تا دانش‌آموزان زودتر به این مهارت مجهز شوند. حتی می‌توان واحد مکانیک سوم را به کتاب پایه دوم آورد و یا موضوعات راهنمایی و رانندگی را به عنوان یک واحد در کتاب گنجانند. به هر حال، باید علم و تجربه افراد را به روز کنیم و مانند کشورهای پیشرفته گام برداریم و جامعه خود را غنی سازیم. پیشنهاد می‌کنم بعضی آيات قرآن را که ارتباط تنگاتنگی با بعضی واحدها دارند، در ابتدای واحد مربوطه درج کنیم؛ مثل آیه «انا انزلنا الحديد» -سوره حدید که در مضمون آهن (فلزات) است. برای واحد کار با فلز، به این ترتیب، نیاز معنوی افراد هم برآورده و آرامش روحی نیز برقرار می‌شود.



# کتاب‌های کمک آموزشی علوم اجتماعی و حرفه‌وفنی

## ● طیبه الدوسی

در این شماره از مجله، توجه شما را به فهرست کتاب‌های مناسب دو رشته درسی «علوم اجتماعی» و «حرفه‌وفنی» جلب می‌کنیم:

### علوم اجتماعی

۱. ابراهیم اصلانی، بوجوانی ۲: روان‌شناسی بوجوانی برای بوجوانان، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.
۲. نیکول برایان بویال، بوجوانان و حفظ محیط‌زیست، ترجمه غیر شاخساری، قلمی ایران، تهران، ۱۳۸۸.
۳. میشل لوندوک، با گاه‌های کوچک: شناخت شهر، ترجمه مهناز عسگری، آفرینگان، تهران، ۱۳۸۸.
۴. ژرار برنولمتی، با گاه‌های کوچک: شناخت زنانه و باز یافت، ترجمه مهناز عسگری، آفرینگان، تهران، ۱۳۸۸.
۵. رویا حویلی، چراهای شگفت‌انگیز: بوستاک ابرینی، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۷.
۶. آریئتوس، شما و سیاست (کتاب کمک‌درسی دستان‌های کشور فرانسه)، ترجمه کیان فروزش، دایره، تهران، ۱۳۸۸.
۷. الیزابت وردیک، حشمت‌کن می‌شوید: چه کنیم؟ ترجمه حسن نصرت‌نیا، فدایانی، تهران، ۱۳۸۷.
۸. ترور رومن، دچار استرس می‌شوید: چه کنیم؟ ترجمه حسن نصرت‌نیا، فدایانی، تهران، ۱۳۸۷.

### حرفه‌وفنی

۱. محمدعلی عباسی، آموزش کامپیوتر برای بوجوانان، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.

در ادامه معرفی کتاب‌های مناسب در دو سمانه ذیل، اکنون به تعریف «کتابنامه رشد» و چگونگی تهیه آن می‌پردازیم. کتابنامه رشد، فهرستی سالانه از کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه درسی است. تمامی این کتاب‌ها از نظر پایبندی به برنامه درسی، بررسی شده و با کسب حد نصاب لازم، به این فهرست راه یافته‌اند. اطلاعاتی که در کتابنامه رشد وجود دارد، عبارت‌اند از: مشخصات ظاهری کتاب (عنوان، نام مؤلف، نام مترجم، ناشر، سال و محل نشر، تعداد صفحات، قطع، موضوع و پایه تحصیلی مرتبط با کلمات کلیدی و چکیده‌ای از محتوای کتاب. همچنین، در پایان هر کتابنامه، نمایه‌هایی برای خواننده فراهم آمده است که دسترسی به کتاب‌ها را براساس عنوان کتاب، نام ناشر، پایه تحصیلی، بند ناویزندگان آثار و کلمات کلیدی کتاب‌ها ممکن می‌سازد. حتی برای دست‌یابی آسان‌تر به ناشران کتاب‌های مناسب، نشانی ناشران نیز در انتهای هر کتابنامه آمده است. وجود تابه و شجاعت هر کتاب در کتابنامه رشد بدین معنی است که کتاب مذکور از حداقل ویژگی‌های کتاب آموزشی برخوردار است. از این‌رو می‌توان گفت: کتابنامه‌های رشد مرجعی مطمئن برای تهیه کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه درسی، خصوصاً برای تهیه کتاب‌خانه‌های آموزشی هستند.

برای تهیه کتابنامه‌های رشد می‌توانید به ناویزندگان مجلات رشد در منطقه یا استان مراجعه کنید. همچنین، نسخه‌ای از کتابنامه‌های جدید، در قالب «پی‌دی‌اف» در وبگاه طرح سامان بحثی کتاب‌های آموزشی دفتر انتشارات کمک آموزشی به نشانی: <http://www.roshdmag.ir> قرار می‌گیرد.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد **نخ‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد **دانش** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش ریست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۳۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی
- تلفن و تماس: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

## کتاب‌نامه‌ی رشد



۲. سوده مقصودی. آموزش کودکان الکترونیکی e-kids مطابق با آخرین استاندارد جهانی ICDEL (۲ جلد). دارکوب. کرمان. ۱۳۸۸.

۳. شایون دالگلیش. ارزش خاک. ترجمه شهزاد فتوحی. شرکت انتشارات فنی ایران. تهران. ۱۳۸۸.

۴. محمدجواد پوست‌پرداز. چگونه عکس سه بعدی بگیریم و ببینیم. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران. ۱۳۸۷.

۵. شاهین مالکی‌راد چگونه می‌توان مخترع شد. دانش زنجان. زنجان. ۱۳۸۸.

۶. زاین کرود. حمل و نقل (از مجموعه علم در قرن ۲۱). ترجمه مجید عمیق. افق. تهران. ۱۳۸۷.

۷. سیمون آدامز و... دیگران. دایره‌المعارف اینترنتی. ترجمه منوچهر اکبرلو و... دیگران. محراب قلم. تهران. ۱۳۸۸.

۸. باربارا اوکانر. دنیا در سر انگشتان لوتیز بریل (از مجموعه مشاهیر جهان). ترجمه احمد قندهاری. مهاجر. تهران. ۱۳۸۸.

۹. هما ملک. فناوری اطلاعات و ارتباطات برای معلمان (ICT معلمان). انتشارات بین‌المللی گاج. تهران. ۱۳۸۸.

۱۰. هما ملک. فناوری اطلاعات و ارتباطات ویژه نوجوانان سال اول / دوم / سوم راهنمایی. صفار. اشرافی. تهران. ۱۳۸۸.

۱۱. حمیدرضا کاظم‌زاده. کتاب کار آموزش حرفه‌وفن پایه اول / دوم / سوم راهنمایی براساس آخرین تغییرات کتاب‌های درسی. وراي دانش. تهران. ۱۳۸۸.



عبدالحمید خزاعی  
دبیر جشنواره

# استانی جشنواره

مدیرمسئول آموزش و پرورش شهرستان ارسن موستفهر، از پنج سال گذشته تاکنون، با عنایت و همکاری یکی از مدارس راهنمایی، «جشنواره محلی» به زبان انگلیسی را در سطح شهرستان برگزار می‌کند که دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به زبان بین‌المللی انگلیسی، از آن استقبال کرده‌اند. اجرای خوب این جشنواره با کمک و راهنمایی دبیران محترم زبان انگلیسی و مسئولان منطقه‌ای ارسن می‌باشد.

## جگونگی اجرا در شهرستان

- ابتدا دبیر جشنواره انتخاب و با سرگروه زبان انگلیسی منطقه، هماهنگی‌های لازم انجام می‌شود.
- مدارس بعد از فراخوان جشنواره، فهرست‌هایی از دانش‌آموزان و سطحی از مطلب هر یک ارائه می‌دهند.
- مدارس در نوعی رقابت مدرسه‌ای، طبق سبب اعلام‌شده برای هر مدرسه، دانش‌آموزان برتر را به مسابقه جشنواره شهرستان اعلام و معرفی می‌کنند.
- بعد از دانش‌آموزان معرفی‌شده از مدارس به مسابقه جشنواره، دو برابر تعداد برگزیدگان روز اجرای جشنواره، اسامی روس باغب می‌شود. تعداد بسیاری از دانش‌آموزان شهرستان درگیر این موضوع نباشد.
- طی یک جلسه فوق‌العاده قبل از اجرای جشنواره، کمک سرگروه و دو تن از دبیران محبوب زبان انگلیسی، از دانش‌آموزان و پرستش‌های آن‌ها، فرآیند و به تعداد مورد نیاز اجرایی جشنواره انتخاب می‌شوند.
- منتخبان جشنواره به مدارس معرفی می‌شوند و روز اجرای جشنواره، در حضور مدعوین و مهمانان، سخنرانی می‌کنند و با هدایایی از اقبال تعداد می‌شود.

## پیشنهادات

- برای جذابیت و اجرای روان برنامه، حتماً آه کمک فناوری و با استفاده از برنامه power point رهبری کنید.
- در هر حرکتی صادقانه، به همه برگزیدگان هدیه‌ای تقدیم دارید.
- از فعالان جشنواره و دبیران زبانی که دانش‌آموزان آنان به مرحله پایانی راه یافته‌اند، به طور گسترده تقدیر به عمل آوریم.



## برگ اشتراک مجله‌های رشد

### شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۴۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمایش (سرخ‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل‌شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

### • نام مجله‌های درخواستی:

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد:

• میزان تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره‌ی پستی:

• در صورتی که فردا مشترک مجله بوده‌اند، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسند.

امضاء:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

۱۶۵۹۵/۱۱۱

www.roshdmag.ir

۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۶-۷۷۲۳۵۱۱۰

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

• صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

• صندوق پستی امور مشترکین:

• نشانی اینترنتی:

• امور مشترکین:

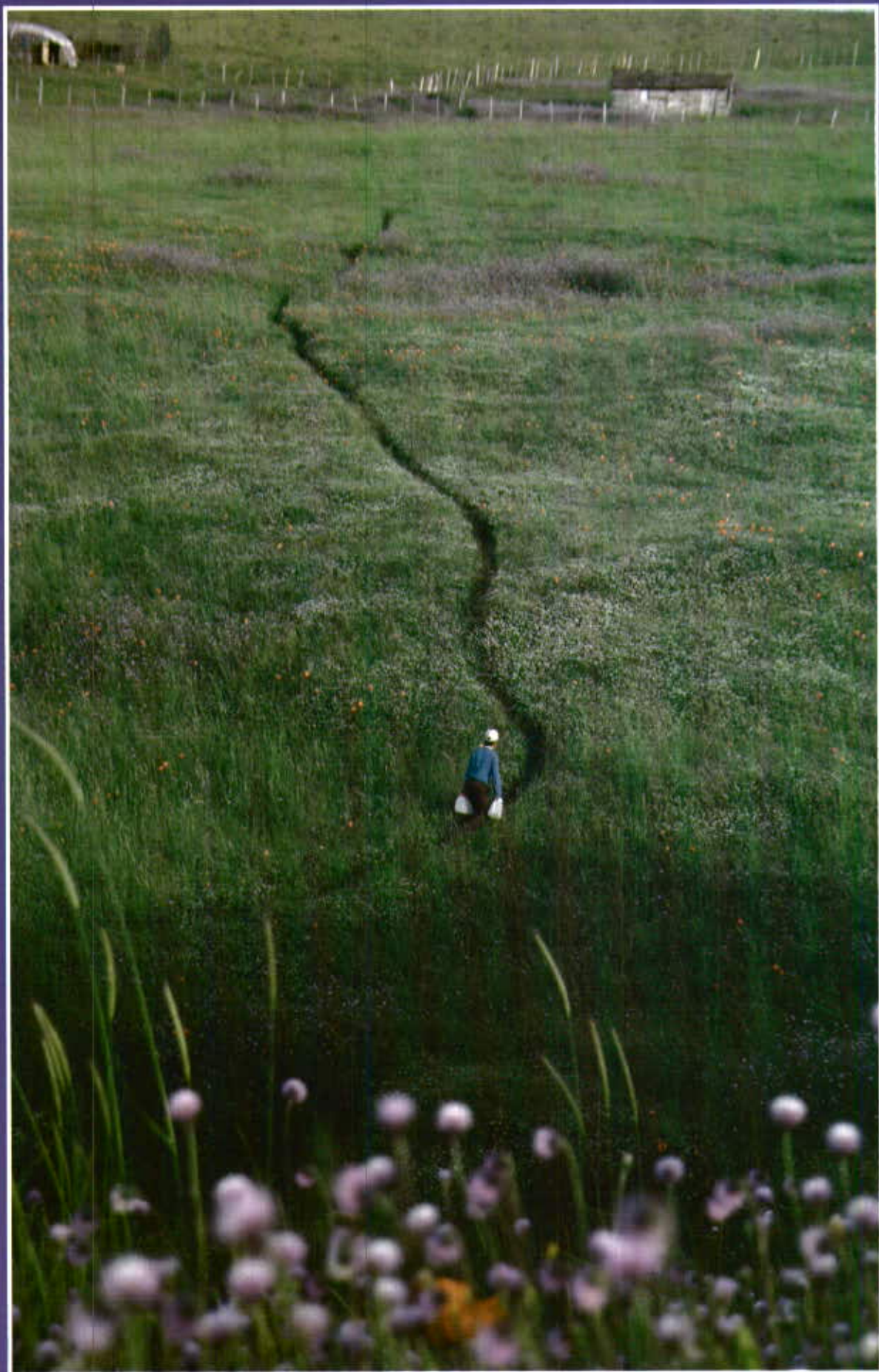
• پیام‌گیر مجله‌های رشد:

### یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- منای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



# من و تو، مسافر بهاریم...



عکس: ساسان جوادنیا، گیلان (ششمن جشنواره عکس رشد)

شکرآه که دگر بار سیدی به بهار  
بدر نیکی بنشان و گل توفیق ببوی



عکس: حمشید فرجوند فرد، کردستان اشعین خستواره عکس رند)